اثنی / رح

۳۶۴۵۹

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۱۵۷۱۰

رده‌بندی دیویی: ۱۲۹۱ ر ۵۸۲ ح ۲۹۷/۳۵۷ مرجع ☐

سرشناسه: حسینی تبریزی کوهکمری، حسین بن محمد، - ۱۲۹۹ق.

عنوان قراردادی: مفتاح النجاح و ذریعه الفلاح

عنوان: سئوال و جواب مناسک حج.

شرح پدیدآور:

کاتب: زین العابدین بن محمد شفیع خوانساری تاریخ کتابت: ۱۲۰۹ ق

محل نشر: [بی جا] ناشر: [بی نا] تاریخ نشر: ۱۲۹۱ق

صفحه شمار: ج. (بدون شماره گذاری) مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی ابعاد: ۱۱ X ۱۷ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی☑ اهدایی☐ خریداری☐ ارسالی☐

واقف: سید محمد شوشتری تاریخ ثبت: ۱۴۰۹ ش

یادداشتها: دارای حواشی تصحیحی است. عنوان دیگر: مناسک حج.

موضوع(ها): ۱. حج ۲. حج - رساله عملیه. ۳. دعاها. ۴. زیارتنامه ها.

شناسه (های) افزوده: الف. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مومن، ۱۰۱۷ - ۱۰۹۰ ق، گردآورنده. ب. خوانساری، زین العابدین، کاتب. ج. شوشتری، محمد، واقف. د. عنوان. هـ. عنوان: مناسک حج. ی. عنوان: مفتاح النجاح و ذریعه الفلاح.

فهرستنگار: شعبان تاریخ فهرستنگاری: دی ۸۷

وقف کتابخانه رضوی ١٣٠٩
١٧٣٤

نمره ٥٦ هو الواقف علی السرائر

وقف مؤبد و حبس مخلد نمود جناب مستطاب سلالة الاطیاب عمدة العلماء الاعلام و
زبدة الفقهاء الفخام نجل الرسول الممجد علیین آشیان الحاج سید محمد بن محمد تقی بن
محمد بن ابو الحسن بن عبد الله بن نور الدین بن سید الجلیل السید نعمة الله الجزائری
طیب الله ثراهم و جعل فی اعلا علیین ماویهم کتاب رساله آقا سید باپانصد و بیست (خمس ٥٢٠)
مجلد دیگر از کتب متفرقه معلومه از هر علم را که ملک طلق آن غفران مآب بوده
بر کتب خانه آستان ملایک پاسبان حضرت ثامن الائمة علی بن موسی الرضا علیه و
علی آبائه و اولاده التحیة و الثناء که مادام بقاء آن باقی و این کتاب و سایر کتب مسطوره
از آن آستانه مبارکه بجای دیگر نقل نشود و منفک از وقفیت نگردد و بمعرض
بیع و رهن در نیاید و تولیت کتاب هذا با سایر کتب مشروحه با هر کس که متولی
آستانه مبارکه در هر عصری بوده باشد مرجوع است فمن بدله بعد ما
سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه فی شهر رمضان المبارک سنه ١٣٠٩

سال ١٣٤٨ خورشیدی
بازبینی شد

سؤال و جواب مناسک حج
سید العلماء و سند الفقهاء مؤسس
اساس الشریعة و رئیس مذهب الائمة
مرجع الانام حجة الاسلام
آقای آقا سید حسین
دام ظله علی
رؤس الانام

و به نستعین

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لمن اوجب الحج علی من استطاع الیه سبیلا والصلوة علی نبیه الذی ارسله بالحق الی العالمین هادیا و دلیلا والسلام والثنا علی آله المعصومین سلاما حسنا و ثناء جمیلا **اما بعد** چنین گوید ذره بیمقدار و بنده خاکسار محمد مؤمن الخراسانی مولدا و النجفی مسکنا مدتی در این خیال بودم که مسائل مهمه متعلقه بحج را از مناسک جناب سید العلماء و سند الفقهاء مؤسس اساس الشریعة و رئیس مذهب الشیعة مرجع الانام و حجة الاسلام آقای بزرگوار آقا سید حسین دام ظله علی رؤس الانام منتخب ساخته بعنوان سؤال و جواب مجموعه ترتیب بدهم که عامه ناس از او بهره مند و منتفع شوند

از طرف کمیسیون اصلاحات اوقاف اصفهان عرض دیده شد
بتاریخ ۸ شهر [illegible] ۱۳۴۲
نمره مسلسل کتاب ۳۰۰۵۱

بواسطه بعضی از عوائق دهر نسجت علیه عناکب النسیان میسر نمی‌شد
تا اینکه بعد از مدتی از ایام و مرور بسیاری از شهور و اعوام توفیق
الهی شامل حال ابن عاصی شده سنه هزار و دویست و هشتاد و نه
در خدمت آن بزرگوار بزیارت بیت الله الحرام مشرف گشتم در اثنای
راه بملاحظه ابتلای اکثر خلق بمسائل حج و دیه خود ملتزم شدم
که پس از معاودت کمر همت بر میان بسته باین امر مهم قیام و اقدام
نمایم حال که الحمد لله رب العالمین بمقصود خود نایل شده مسائل
مذکوره را بنحویکه منظور بود با ضمیمه بعضی از مسائل که شفاهاً
از جناب مستطاب ایشان سؤال نموده و مجاب شده‌ام در این اوراق
جمع نموده بنظر مبارک رسانیده بعد از ملاحظه تحسین و بمهر
مبارک مزین و مختوم فرموده‌اند امید از برادران ایمانی و اخلاء
روحانی چنانست که پس از انتفاع ابن عاصی را از دعا خیر فراموش
ننمایند و مسمی نمودم این مجموعه را بمفتاح النجاح و ذریعة
الفلاح و مرتب ساختم بمقدمه و سه مقصد و خاتمه والله
المستعان و علیه التکلان **مقدمه** در بیان بعضی از مسائل
و برخی از احکام که لازم است دانستن آنها پیش از شروع در افعال
حج **سؤال** اگر کسی مکلف بحج باشد و مسائل حج را بجا آورد
حج او صحیح است یا نه **جواب** عمل او باطل است مگر در صورتی

که اخذ مسائل خود را بتمامها نموده باشد از روی اجتهاد یا تقلید صحیح سؤال هرگاه اعمال حج را بجا آورد بر طبق فتوای مجتهد میت حج او چه صورت دارد جواب لازم است که گرفتن مسائل خود را از کسی که صاحب شرع قول او را حجت کرده باشد اما اگر عمل نماید بفتوای مجتهد میت یا بقول پدر و مادر عمل او باطل و لغو است

سؤال عالم بموارد احتیاط هرگاه عمل نماید بر وفق احتیاط مجزی است یا نه جواب بلی حج آن صحیح است اگر عمل او محتاج بتکرار نباشد و در اصل عمل باحتیاط هم تقلید مجتهدی کرده باشد که جایز بداند سؤال تقلید در ضروریات دین و بدیهیات مذهب لازم است یا نه جواب تقلید در ضروریات مثل اصل وجوب حج و نحو آن راه ندارد سؤال اگر کسی عملی از اعمال حج را بجا آورد باعتقاد صحت و جازم بود بنحوی که تردید در نیت نداشت ولی نه از روی تقلید عمل او صحیح است یا نه جواب صحیح است هرگاه عمل او مطابق واقع شود یا مطابق با رأی آن مجتهدی که رجوع میکند باو بعد از التفات سؤال لازم است که مسائل خود را پیش از عمل اخذ نماید یا نه جواب لازم نیست بلکه در حال شروع در عمل اخذ بکند مسائل را صحیح است سؤال هرگاه ذمه کسی مشغول بحقوق واجبه باشد مثل زکوة و خمس و مظالم و امثال

انها و مسامحه نمود در فراغ ذمه خود حکم میشود بصحت حج او یا نه
جواب مسئله محل اشکال است اقوی صحت حج است اگرچه خلاف
احتیاط است ولی فعل حرام کرده است سؤال مراد از حجة الاسلام
که بر جمیع مردمان از مرد و زن و خنثی در مدة عمر یکمرتبه واجب است
کدام است جواب آن حجی است که باصل شرع واجب شده است
بعد از تحقق شرایط سؤال حج در چه صورت واجب میشود
که نباید تاخیر انداخت جواب بعد از آنکه واجد شرایط وجود
وجوب شد مثل اینکه عاقل و بالغ و آزاد و مستطیع و قادر بر
رفتن باشد واجب است که فورا حج را بجا بیاورد سؤال اگر
چنین کسی در همان سال حج را بجا نیاورد اختیارا چه باید بکند
جواب هرگاه در سال اول استطاعت با امکان از رفتن بحج
تاخیر انداخت معاقب است و تاخیر او از معاصی کبیره است و واجب است
که در سال بعد برود و همچنین هرچه تاخیر بیندازد معصیت
متعدد کرده است سؤال هرگاه کسی شروع در افعال حج نمود
و تمام نکرد چه صورت دارد جواب واجب است که آن حج را تمام
کند خواه حج واجبی باشد خواه سنتی هرگاه تمام نکرد واجب است
که قضا او را بجا بیاورد سؤال اگر غیر مستطیع حج را بجا
بیاورد و بعد مستطیع بشود مجزی است از حجة الاسلام یا نه جواب

هرگاه پیاده بمکه آید برود بمکه خواه مشکل باشد پیاده رفتن برای او
وخواه آسان یا عبد که باذن آقای خود بمکه برود مجزی نیست از حجة
الاسلام هرگاه مستطیع شود ان فقیر وان عبد بعد از آزادی و
واجب است که حج را ثانیا بجا بیاورند بواسطه آنکه حج سابق ایشانها نیست
سنتی بود سؤال دیوانه مستطیعی که بعضی از اوقات هوشیار
و بعضی از اوقات بی هوش حج را میتواند بجا بیاورد جواب
اگر هوشیاری او بقدری باشد که افعال حج را تماما در حال عقل
وشعور بجا بیاورد صحیح است حج او سؤال اگر مستطیع شروع
بحج کند و بعد از وقوف تمام اموال او تلف شد چه کند جواب واجب
است که حج را تمام کند و از حجة الاسلام مجزی است سؤال
طفل و عبد و دیوانه اگر شروع با فعال حج نمایند و داخل در حج
شوند بعنوان استحبا قبل از وقوف عرفه یا وقوف مشعر زوال
عذر ایشان بشود مثل صغر و جنون و رقیت چه باید بکنند
جواب هرگاه قبل از وقوف عذر ایشان برطرف شد ظاهر
اینست که بعد از زوال عذر تجدید نیت وجوب را بکنند که
مجزی از حجة الاسلام است سؤال حج بنده بی اذن آقا صحیح است
یا نه و بر فرض فساد بعد از شروع بر او واجب است اتمام یا نه سؤال
جواب حج بنده بی اذن آقا لغو است اگر چه آقا مبعض باشد سو

هرگاه

هرگاه آقا در حضر اذن حج داد بعد میتواند رجوع کند و منع
نماید و را جواب مادامیکه شروع باعمال حج نکرده است میتواند
منع نماید ولی بعد از شروع باعمال حج دیگر منع آقا فایده ندارد سؤال
مستطیع پیش از اتیان حج خود میتواند نایب بشود از جانب دیگری
جواب اگر حج بر او واجب شده باشد چه باصل شرع و چه بنذر
و شبه نذر و چه بافساد حج نمیتواند از جانب دیگری و یا حج سنتی
بجا بیاورد سؤال اذن شوهر شرط است در حج واجبی زن هم
جواب در اتیان حج واجب اذن شوهر شرط نیست خواه حجة الاسلام
و خواه غیر آن باشد و حج سنتی زن درست نیست مگر باذن شوهر
سؤال مطلقه بطلاق رجعی هم محتاج است در اتیان حج خود
باذن شوهر جواب مادامیکه در عده رجعیه است در حج سنتی
شرط است اذن شوهر و پس از خروج از عده ضعیفه مستقله است
در امر خود و آن مرد اجنبی است سؤال حج سنتی ولد صحتش مشروط
است باذن ابوین جواب ضرور نیست ولی بهتر این است که مأذون
باشد خصوصا هرگاه راه مخوف و خطرناک باشد سؤال
طفل ممیز حجش صحیح است یا نه جواب بلی حج او صحیح است
و احرام میبندد باذن ولی سؤال طفل غیر ممیز و دیوانه را احرام
می توانند بست جواب خود اینها نمیتوانند بلکه ولی از جانب

انها محرم شود خواه ولی محرم باشد خواه محل لیکن ایشان را محرم
گرداند بفعل خود نیز اینکه نایب ایشان شود ولی یا بمعنی که بگوید بنیت
در وقت بستن احرام گردانیدم این طفل یا این مجنون جمیع چیزها
که حرام است بر محرم سؤال آیا اینها افعال احرام را باید طفل غیر
ممیز و دیوانه بجا بیاورند جواب بقدر امکان باید بجا بیاورند
مثل تلقین نمودن لبیک جامه احرام پوشانیدن و نگذارند که مرتکب
محرمات احرام شوند و طواف دهند بنحوی که ممکن باشد سؤال
باید صلوة طواف را ولی بجا بیاورد یا خود اینها جواب هرگاه
طفل کمتر از شش سال باشد ولی از جانب او نماز بجا بیاورد و با وجود
این حالت اگر وادار او را که صورت نماز را بجا بیاورد خوب است
سؤال اگر ولی مباشر اعمال بشود فایده برای او دارد جواب
بلی از بعضی اخبار ظاهر میشود که ثواب یک حج را دارد سؤال
مراد از استطاعت که بر شخص بواسطه او حج واجب میشود چیست
جواب قادر بودن بر خرج راه رفتن و برگشتن از خرج و چاروا
و چادر و خادم و باقی ضروریات بحسب حال شخص مستطیع است
و حج بر او واجب است سؤال غلام و کنیز و خانه و غیر اینها را اگر
بفروشد قادر بر رفتن و برگشتن است لازم است فروختن
جواب اینها محتاج است بحسب شأن خود از خادم و خانه

مسکن

مسکن و کتب علمیه و غیر اینها که مناسب احوال صاحبش باشد
بحسب کیفیت و کمیت نباید فروخت **سؤال** هرگاه کسی بگوید
که خرج راه از زاد و راحله و نفقه تو و عیال تو بر عهده من است
حج بر او واجب میشود یا نه **جواب** اگر بر سخن او اعتمادی باشد
در این صورت واجب میشود **سؤال** هرگاه کسی اجیر شود بجهة
خدمت در سفر و شرط کند که زاد و نفقه او بر غیر باشد و حج واجب
میشود بر او حج یا نه **جواب** واجب میشود و مجزی از حجة الاسلام
هرگاه نفقه عیال خود را بتمامها داشته باشد یا او بدهند
نفقه او را اگر ناقص باشد **سؤال** مالی را اگر بکسی ببخشند بقدر
که بآن مستطیع شود واجب است قبول کند یا نه و قدر مستطیع
میشود **جواب** واجب نیست قبول بلی هرگاه اعیان زاد و راحله
و نفقه خود و عیال خود را بدهد مستطیع میشود و واجب است
قبول چون نفس اعیان داخل است **سؤال** شخص اگر مال موجود
نداشته باشد ولی طلب دارد از مردم بقدر مخارج مستطیع است
جواب مستطیع است و واجب است بر او حج مگر اینکه طلب
او وصول نشود بجهة نداشتن مدیون یا نبودن حاکم بجور
یا احتیاج بحاکم و امثال اینها در این صورت حج واجب نیست
و قرض بعینه ساقط میشود والله العالم **سؤال** اگر مالی بقدر

استطاعت داشته باشد قرض هم دارد بقدر همان مال واجبست
بر او حج یا نه جواب واجب نیست مگر واجب بر او اداء دین است
اگرچه صداق و مهر زن خود بوده باشد سؤال هرگاه چنین
کسی وفاء دین خود را نکرده و بحج رفته حجش صحیح است یا نه جواب
حجش صحیح است اگرچه فعل حرام کرده است اما مجزی از حجة الاسلام
نیست چون مستطیع نبوده سؤال اگر کسی مال زیادی دارد و قرض هم
مستطیع میشود یا نه بآن مال جواب ظاهر اینست که چنین شخص
مستطیع نباشد اگرچه بعضی از علما فتوی باستطاعت داده
اند ولی بعید است سؤال هرگاه قرض نماید و بازای او املاک
یا غیر املاک دارد که بفروشد بدهد چه صورت دارد جواب
چنین کسی مستطیع است و واجب است بر او حج یا این نوع مذکور
یا آنکه بفروشد املاکی را که مدخلیت بمونه او ندارد یا غیر املاک
بشرط اینکه از ما یحتاج خود نباشد سؤال شخصی تنخواهی
بقدر استطاعت موجود دارد و بهمان تنخواه مستطیع است
و خواهش زن دارد میتواند صرف نماید و متأهل شود جواب
جایز نیست که آن مال را خرج عروسی نماید هرچند که ترک زن
خواستن بر او مشکل باشد و واجب میشود بر او حج خداوند کریم
سؤال زنی اراده حج داشته باشد و جود محرم و اجوره او

هرگاه

هرگاه محتاج باجره باشد شرط است و داخل در استطاعت است
یا نه جواب ظاهر اینست که شرط نباشد در صورت ظن بسلامت
و عدم خوف بر مال و سبره و اگر مخوف باشد راه بعید نیست
شرط باشد و همچنین اگر ذی شان باشد که محتاج باشد سؤال
کسی غافل بود که مستطیع است و اجیر شد از جانب غیر بعد معلوم
شد که مستطیع بوده این حج مجزی از حجة الاسلام خودش است
و مجزی از غیر نیست یا بعکس جواب این حج مجزی است و بر او
واجب است که حج خود را بجا آورد بلکه اگر فقیر بشود ذمه او
مشغول است بحج سؤال نفقه و کسوه و ما یحتاج عیال و با
ماندگان که واجب النفقه او هستند از وقت رفتن و برگشتن
تا بمکان خود شرط است که داشته باشد جواب بلی شرط است
چه خود نفقه بر او داشته باشد یا دیگری متعهد آن شود که
اعتمادی بحرف او باشد سؤال هرگاه کسی کند مال کسی از زاد
و راحله و نفقه از ماندگان حج بر او واجب است جواب
واجب نیست چون مستطیع نیست و اگر حج کرده در چنین
حالت پس از استطاعت واجب است بر او حج سؤال مراد
از نفقه رفتن که شرط است در وجوب حج غیر استطاعت
مالی چیز است جواب یعنی بعد از استطاعت مالی با

یعنی صحیح و سالم باشد و راه امن باشد و آن قدر وقت که خود را بمکه
تواند رسانید و اعمال حج را بجا بیاورد **سؤال** هرگاه مستطیع
مریض باشد بنحوی که سوار نمیتواند بشود و سواری هم ضرر ندارد
با او واجب است بر او حج **جواب** در این صورت حج واجب نیست مگر
اینکه سواری ضرر داشته باشد تا اینکه اصل سفر برای او ضرر
داشته باشد که در این حال واجب نیست **سؤال** اگر شخصی بهم
رسیده باشد که مانع باشد از رفتن او یا ساقط میشود حج **جواب**
هرگاه بشنند که در این صورت نایب بگیرند که حج نماید از قبل او **سؤال**
اگر صاحب مانع نایب گرفت و حج را بجا آورد بعد عذر او زایل شد
واجب است که خود حج نماید **جواب** اگر عذر او زایل نشد حج
نایب مجزی است و قضا ندارد و هرگاه مانع برطرف شد و ممکن
باشد واجب است که خود برود **سؤال** چنین کسی اگر بعد از زوال
عذر نرود بمکه چه باید کرد **جواب** اگر مرد و حج را بجا نیاورده
بعد از استقرار حج واجب است که از برای او حج بجا بیاورند
سؤال در سال استطاعت اگر رفتن بحج موقوف باشد
بحرکت سنی از برای رسیدن برفقا تا اگر نرفتن از دستشان وقت
از اند داشته باشد چه باید بکند **جواب** تکلیف او در آن
سال ساقط است و انتظار می کشند در سال آینده و هرگاه

بمیرد پیش از تمکن حج از او ساقط است و قضا ندارد سؤال
ضرر در بیان سفر اگر ممکن نشود مثل خیلک در خیمه و خوابیدنها تکلیف
چیست جواب ساقط میشود حج بجهت نبودن تخیه که محتاج است
سؤال در صورتی که راه متعدد باشد مثل راه جبل و دریا
و بعضی از راهها مسدود شود می‌توانند تا خبر بیابند که از آن راه
بود بعد از فتح یا معین است که از راه دیگر برود جواب واجب است
رفتن از راهی که ممکن و مفتوح است چه دریا باشد چه بر
سؤال شخصی مستطیع است بالنسبه براهی که کم خرج است
یا بواسطهٔ نزدیکی یا بجهت قلت مؤنه و غیر مستطیع است بالنسبه براه
دیگر که مخارج او زیاد است و در این صورت مستطیع است و
لازم است از آن راه برود یا نه جواب همین که مستطیع شد
واجب است که حج را بجا بیاورد و رفتن از آن راه دیگر لازم نیست
تا اینکه مستطیع نباشد سؤال راه دریا و صحرا مساوی نیست
و انسان مخیر است یا اینکه ترجیح دارد احدهما بر دیگری جواب
اگر هر دو مساوی باشند در ظن سلامتی اختیار دارد و هرگاه
یکی از این دو راه غلبهٔ ظن سلامت باشد از آن راه برود و هرگاه
در جمیع راهها ظن غالب بهلاکت دارد حج از او در این وقت
ساقط است سؤال در مباحثهائی که الآن متعارف

[illegible] نسخه بتوان نسخ جواب اگر
علم یا ظن یا اطمینان داشته باشد که ترک واجبی یا ترک شرطی از شرایط
او نمی‌شود ضرر ندارد والا مشکل است بلکه ضرر زدن است سؤال
هرگاه مسلمان حج را بجا بیاورد بعد از آن مرتد شود باز مسلمان
شود واجب است اعاده حج یا نه جواب واجب نیست اعاده
کردن حج سابق بنا بر قول اصح اگر چه بعضی گفته‌اند اعاده لازم است
سؤال مرتد اگر در حال اسلام مستطیع نباشد و در حال ارتداد
مستطیع بشود بعد توبه کند آیا واجب است بر او حج یا نه جواب
واجب است بر او حج بعد از توبه سؤال شخصی در حال اسلام
احرام ببندد و بعد از آن مرتد شود بعد توبه کند احرام او چه صورت
دارد جواب اگر توبه کند احرام او صحیح است بنا بر قول اصح
سؤال مخالف مذهب در حال مخالفت حج بجا آورده باشد
بعد از آن داخل مذهب حق شود لازم است بر او اعاده حج
جواب اگر خللی بارکان حج رسانیده باشد واجب است که
اعاده نماید والا واجب نیست بلکه سنت است سؤال کسی
که قادر بر زاد و راحله و خرج عیال تا برگشتن و بعد بکر اضافه بر اینها
نداشته باشد بر او واجب است حج جواب ظاهر این است که
معتبر است در حصول استطاعت داشتن چیزی که بعد از بر گشتن

امر او از او بگذرد مثل سرمایه یا ملکی که معاش از منافع او
بگذرد **سؤال** اگر سرمایه نداشته باشد لکن کسبی دارد که
امر او از او بگذرد محتاج بسرمایه نیست مثل بنائی و نحو آن واجب
است بر او حج **جواب** صاحب صنعت و حرفت اگر رجوع بآن کنند
مدار خود را بگذرانند مستطیعند و احتیاج بسرمایه ندارند
سؤال هرگاه کسی ملک وقفی داشته باشد از منافع او طیبه
زاد و راحله بشود و وافی بنفقه عیال او باشد مستطیع است یا نه
جواب مالک چنین منفعتی مستطیع است چه آن ملک وقف
باشد یا ملک طلق باشد تفاوت ندارد **سؤال** اگر کسی نذر
کرد که پیاده برود بمکه ممکن نشد از کشتی رفتن چه باید بکند
جواب اولی اینست که در کشتی و امثال آن بر سر پا بایستند
سؤال حج مکاری و شتردار و نجار و نوکر مجزی است از حجة
الاسلام **جواب** بلی هرگاه از اینها مستطیع باشند حج ایشان
تمام است اگر چه بعنوان تجارت و نحو آن بروند با تحقق شرایط
حج **سؤال** وصی در استیجار حج میتواند خود مباشر حج بشود
جواب میتواند مگر اینکه استفاده بشود از کلام موصی که
وصی بجا نیاورد **سؤال** هرگاه وارث شک کند در ادای
حج مورث آیا واجب است که از جانب او حج بجا بیاورند **جواب**:

مرکا بشد انکه حج براو واجب شده است و مالی هم از او باقی مانده
است واجب است که حج استیجار نمایند سؤال وصیت بحج
اگر نشود از اصل باید داده شود یا از ثلث جواب اگر حجة
الاسلام باشد از اصل مال باید داده شود و اگر سنتی باشد
از ثلث مال چنانچه در این هم در این باب وارد شده است
سؤال اگر در ذمهٔ کسی دو حج باشد یکی حجة الاسلام و یکی
بنذر و نحو آن بوده است کیفیت ابراء ذمهٔ او چه نوع است جواب
ظاهر این است که حجة الاسلام را از اصل مال باید داد و این حج را
که نذر کرده است از ثلث مال اگر برسد سؤال پس از احرام
بستن و دخول حرم اگر شخص فوت شود چه صورت دارد ذمهٔ
او بری میشود از حج یا نه جواب بعد از دخول حرم اگر فوت
شود ذمهٔ او بری و قضا هم بر او نیست خواه در حل فوت شود
و خواه در حرم محرم باشد یا محل سؤال قبل از احرام و دخول
در حرم اگر فوت شود چه نوع است جواب اگر حج بر ذمهٔ
او استقرار گرفته بوده است یعنی که این سال سال اول استطاعت
او نبوده است که فوت شده است لازم نیست سؤال اگر کافر
بعد از احرام مسلمان بشود تکلیفش چیست جواب اعاده
کند احرام را اگر ممکن باشد بر گشتن بمیقات والا در همان

موضع

موضع که اسلام آورده است احرام ببندد سؤال کافر
هرگاه احرام حج بسته باشد و بهمان احرام وقوف مشعر را بجا آورد
درست است یا نه جواب درست نیست مگر اینکه احرام دیگر
با اسلام ببندد سؤال اگر وقت تنگ باشد یا احرام گاه
نتواند برود چه کند جواب احرام ببندد از هر جا که ممکن است
هرچند که موضع عرفات باشد سؤال عدالت در نایب
شرط است یا نه جواب عدالت شرط استنابه است نه
شرط صحت نیابت سؤال در نایب ذکوریت شرط است جواب
ظاهر عدم اشتراط ذکوریت است سؤال هرگاه فاسق تبرعا
حج کرد از جانب غیر این حج مجزی است از حجة الاسلام یا نه جواب
بلی مجزی است الا اینکه در اخبار او به بجا آوردن حج ولو تبرعا
اعتمادی نیست سؤال موصی هرگاه تعیین نایب و اجرت را
بنماید چه باید کرد جواب وصی باید بهمان نوع که موصی وصیت
کرده است عمل نماید سؤال اگر آن شخص که موصی تعیین
کرده است قبول نمیکند و اگر هم قبول نماید بآن قدر معین
قبول نمینماید چه باید کرد جواب وصی میتواند غیر را اجیر
نماید بآن قدر معلوم اگر غرض موصی از تعیین تحصیل
حج بوده است و فهمیده بشود غرض متوفی سؤال وصی میتواند تمام

تمام اجرت حج را باجیر بدهد قبل العمل **جواب** اجیر بعقد صحیح
مبشو با جرت اولی بر وصی واجب نیست تسلیم الا بعد از عمل
مگر اینکه وصی مأذون باشد در دادن باذن صریح یا بشاهد
حال **سؤال** نایب میتوانند استیجار نماید کسی دیگر را **جواب**
اگر خصوص او را نایب کرده باشند نمیتوانند والا میتوانند **سؤال**
اگر نایب مستطیع شد ابتدا تکلیفش چیست **جواب** باید
نیابت حج را بجا بیاورد اگر ممکن باشد مراجعت نماید و مال
بعد برود والا بیاید ثانیا اینکه حجة الاسلام را بجا بیاورد **سؤال**
اجیر هرگاه مستطیع شد بجا بیاورد عقد اجاره خودش فسخ می
شود یا اگر خواسته باشد سال بعد برود محتاج بعقد جدید
است و اگر مطلق بوده است ظاهرا بقاء عقد اجاره است بحال
خود مگر اینکه در نیت مهمله شود در صورة الطلاق هم
سؤال شخص مستطیع اگر بمیرد بدون وصیت حج تکلیف
ولی چیست **جواب** ولی باید نایب بگیرد از اصل مال و اجرت او را
بدهد **سؤال** اگر مالی از چنین شخصی در نزد کسی ودیعه
باشد و وارثا و هم ندانند حج او را هم بجا نمی آورد امین می
تواند نایب بگیرد از همان مال **جواب** بصورة امتناع وارث
باید نایب بگیرد از همان مال بهتر این است که اگر وصیت حج
است که حج را در همان ...

[illegible]

کرده است

کرده است نایب از بلاد کرده نه شود والا از میقات سؤال
مرد و زن در یک کجاوه هر دو میتوانند که در یک وقت نماز کنند
جواب بهتر نیست نماز کردن با زن بنحوی که اول مرد نماز کند و بعد از آن
زن بهتر است سؤال مراد از ایام معدودات و ایام معلومات
که در قرآن است چیست جواب ایام معدودات ایام تشریق
است و لکن از غروب آفتاب روز نهم [illegible] دهم است و ایام معلومات
دهه ذی الحجه است سؤال روزه در ایام تشریق حرام است یا نه
جواب بلی حرام است بر کسیکه در منی باشد و روزه عید
قربان حرام است بر همه کس سؤال نایب که حج استیجاری کرده باشد
از برای او ثوابی دارد جواب از بعضی اخبار مستفاد میشود
که از برای نایب نیز ثواب است و از برای منوب عنه یک ثواب و
از بعضی اخبار دیگر ظاهر میشود که نایب ثواب ده حج دارد
و می امرزد حق تعالی اقارب و عشایر او را سؤال کسیکه در
یکی از دو حرم مکه یا مدینه بمیرد چگونه است حال او جواب
از اخبار مستفاد میشود که هول قیامت را نمی‌بینند و از او حساب
نمیکنند و با اصحاب بدر محشور میشود اگر در سفر حج بمیرد از عذاب
الهی ایمن خواهد بود اگر در مدینه بمیرد سؤال کسیکه
در مکه مجاور میشود در باره او طواف افضل است یا نماز

جواب

جواب طواف افضل است تا یکسال از نمازی که غیر از نوافل
موظفه باشد سؤال طواف کردن به نیابت والدین و خویشان
و مؤمنین فایده از برای ایشان دارد جواب از اخبار معلوم می
شود که ثواب طواف با ایشان میدهند و اگر مرده باشند سبب
تخفیف عذاب ایشان میشود و از برای نایب است ثواب کامل با ثواب
صله و در وقت طواف بگوید اللهم تقبل من فلان و نام آن
کس را ببرد و در بعضی از اخبار است که طواف کردن بجهة عبد
المطلب و ابو طالب و عبد الله و آمنه و فاطمه بنت اسد موجب
رسیدن بحج و نماز نشدن و ال این کس است مقصد اول
در بیان اقسام حج و بیان افعال عمره تمتع است و در او دو مبحث
مبحث اول در ذکر اقسام حج است سؤال حج واجب بر
چند قسم است جواب بر سه قسم است حج تمتع قران و حج
افراد سؤال حج تمتع تکلیف چه اشخاص است جواب
حج تمتع تکلیف اشخاصی است که مسافت ما بین ایشان و ما بین مکه
بقدر شانزده فرسخ باشد سؤال حج قران و افراد تکلیف
کدام مکلف است جواب این دو قسم تکلیف اشخاصی است
که مسافت ما بین ایشان و مکه معظمه کمتر از شانزده فرسخ باشد
سؤال حج افراد را چرا افراد می نامند جواب بجهة آنکه

مقصد اول

از عمره

عمره منفصل است از ارتباطی میان او و عمره او بنست اگر چه او می
پیش انداختن عمره مفرده را جایز است از حج ولی احتیاط تام مقتضی
تأخیر است **سؤال** عمره مفرده تا کی می توانند بجا بیاورد
جواب تأخیر آن تا یک سال صحیح است اگر چه تعجیل در اتیان بآن
واجب است و در اوقات ساختن آن در ماه رجب افضل است **سؤال**
می توانند عمره مفرده را مکرر بجا آورند **جواب** بلی تکرار مستحب است
و اقل زمانیکه باید میان دو عمره بگذرد ده روز است و اگر
ده روز نگذرد کراهت دارد **سؤال** حج قران را چرا حج قران
میگویند **جواب** بجهة اینکه مقرون میکند احرام خود را بمصاحبت
قربانی و حج قران مثل حج افراد است مگر اینکه در حج قران علاوه
میکند بر احرام بردن قربانی را با خود **سؤال** بستن احرام را
در حج قران چه وقت بنماید **جواب** اختیار دارد میخواهد بنت
نماید مقارن تلبیه یا مقارن اشعار و تقلید **سؤال** مراد
از اشعار و تقلید چیست **جواب** اشعار سوراخ کردن
کوهان شتر است از جانب راست و مالیدن خون او است بر کوهان
و تقلید آویختن نعل عربی است در گردن قربانی که در آن نعل
نماز کرده باشد **سؤال** فرق ما بین حج تمتع و دو قسم دیگر را
بر سبیل اجمال بیان فرمائید **جواب** فرق ما بین اینها

با اشتراکشان در لبیک احرام از امور در چند چیز است اول آن است که عمره و حج در حج تمتع مقدم است بر حج و در دو قسم دیگر موخر است دوم آن است که عمره و حج در حج تمتع لازم است که هر دو در اشهر حج که عبارت از شوال و ذی القعده و ذی الحجه باشد بتفصیلی که خواهد آمد بخلاف حج قران و افراد که عمره در غیر اینها هم ممکن است سیم آن است که احرام عمره در حج تمتع لازم است که از احد مواقیتی که بعد مذکور میشود بوده باشد در صورت مرور بیکی از انها و ابتد در صورت عدم مرور لازم است که محاذی یکی از انها احرام بر بندد و همچنین احرام در حج تمتع لازم است که از مکه بوده باشد بخلاف حج قران و افراد و عمره که انها اگر چنین نیست بلکه منزل او اگر در مکه است محرم میشود در مکه مثل تمتع و اگر در غیر مکه است محرم میشود در منزل خود در صورتی که اقرب از میقات بوده باشد بعرفات و در عمره قران و افراد لازم است که خارج شود از حرم و محرم شود از اقرب مواضع چهارم آن است که در عمره تمتع طواف نسا واجب نیست بنابر اصح بخلاف عمره افراد و قران که طواف نسا در هر دو واجب است بخلاف بکر اگر چه هست لی زیاده بر این مقتضی ندارد سؤال چون حج تمتع واجب است در حق

اشخاصی

اشخاصی که از مکهٔ معظمه بقدر شانزده فرسخ دورند غالب
ناس چنین از الله مواقیت که واجب است احرام در عمرهٔ تمتع در یکی از
ان مواقیت بیان فرمایند جواب جاهائی که معین شده است
بجهت احرام در عمرهٔ تمتع که میقات میگویند متعدد و مختلف است
باختلاف مکلفین سؤال میقات اهل عراق و نجد کجا است
جواب عقیق است و این میقات اهل عراق است که از بصره
و بغداد میروند سؤال چه جای عقیق احرام به بندد جواب
افضل احرام بستن از اول آن که مسلخ می نامند اگرچه احوط عدم
تاخیر احرام است از مسلخ با تعیین بتحویل در مسلخ و وسط عقیق غمره تا
بعد از آن ذات غمره که در وسط وادی است سؤال احرام
بستن در مسلخ و در غمره تا آنکه بذات عرق برسد که آخر وادی
است چه صورت دارد جواب احوط عدم تاخیر احرام است
تا ذات عرق مگر در حال الضرورة یا تقیه چنانچه مشهور است
که بعضی از جهت مخالفت سید انبیا صلی الله علیه و آله از میقات
قرار داده اند سؤال طریق احتیاط احرام را در این میقات
بیان فرمایند جواب چون از اخبار ظاهر میشود که از اول
عقیق تا ذات عرق هشت فرسخ است و از ذات عرق تا مکه دو
منزل است احوط آن است که چون از برکه قریب بیک فرسخ بگذرد

بکند و تجدید احرام نماید تا بفهمد که از وادی عقیق احرام کرده است و اگر در عمره تجدید نماید در غیر حج خواهد بود سؤال اگر در حال ضرورة باشد میتواند احرام را ببندد در ذات عرق

جواب احوط اینست که لباس احرام بپوشد پیش از رسیدن بان مکان و نیة کند بر وجه اخفات و اظهار نماید بمردم احرام را در آن مکان و اگر بغیر لباس احرام پوشید در این صورة اگر قربانی کند هر دو افق احتیاط است سؤال میقات اهل مدینه کجا است جواب میقات اضطراری اشخاصی که از مدینه میروند میقات اهل شام است و میقات اختیاری ایشان مسجد شجره است که معلوم است بر همه کس و نیز بعضی بذی الحلیفه معلوم نیست که کل آن میراد و الحا مقرر است تا همان مسجد لهذا احوط بلکه اظهر عدم جواز احرام است در غیر مسجد شجره سؤال جنب یا حایض یا نفسا چگونه در مسجد احرام بر بندند جواب احرام بر بندند در حال عبور و اگر ممکن نشود در خارج مسجد احرام ببندند سؤال جنب و حایض میتوانند احرام بر بندند در میقات اضطراری که میقات اهل شام باشد یا نه

جواب اینها چیزهائی نیست که موجب شود جواز تاخیر احرام را از میقات خود بمیقات اضطراری بجهة اینکه ضرورة

عبارة از مرض و مشقت زیاد و نحو آن است **سؤال** جنب یا
حائض و نفساء از عبور و عدم امکان از غسل چه کند **جواب**
احوط آن است که تیمم کند و احرام ببندد از مسجد هم چنین است
حال حائض و نفساء با انقطاع خون **سؤال** میقات اهل
مصر و شام کجا است **جواب** جحفه است که در سه منزلی مکه معظمه
است اسم شهری بوده است که اکنون خراب شده و داخل دریا
کرده اند **سؤال** اهل شام هرگاه داخل مدینه شوند از کجا
احرام بندند **جواب** از مسجد شجره چون واجب است که هرگاه
کسی با خود راهی برسد که محل احرام باشد از احرامگاه احرام ببندد
سؤال میقات اهل یمن را بیان فرمایند **جواب** میقات
ایشان و هر که از آن راه آید یلملم است که الملم و یلملم نیز میگویند
و آن کوهی است از کوههای تهامه در دو منزلی مکه **سؤال** میقات
اهل طایف کدام است **جواب** قرن المنازل است و آن اسم کوه
کوچکی است که در دو منزلی مکه معظمه است **سؤال** کسیکه
عبور نماید از راهی که یکی از این میقاتها را نه بیند مثل راه دریا
کجا احرام ببندد **جواب** باید احرام ببندد در محاذی یکی از میقاتها
متعارف باشد **سؤال** کسیکه منزلش نزدیکتر است بمکه
از میقات چه کند **جواب** میقات او منزل او است **سؤال**

متمتع اهل مکه کجا است جواب ان مکه است اگر اراده حج داشته
باشد و اگر اراده عمره داشته باشد از خارج حرم جائی است که نزدیکتر
نزدیکتر باشد از جاهای خارج بکر سؤال در نحو اطفال در
حج تمتع میقات عباد از چه چیز است جواب انجا عینی حکایت شده
است که فخ است و لی اقوی این است که داخل احرام نمایند از میقات
مکان من [illegible] در پوشند رختی و ختنه تا فخ
سؤال منزل ان [illegible] میقاتها متغایر چه چیز است جواب
اعتبار بعلم یا [illegible] که قائم مقام او باشد اگر چه بعضی از علما اکتفا
بشیاع و بظن غالب هم نموده اند و ظاهرا ضرورت داشته باشد
سؤال در جائیکه عبره بمحاذات میقات است تکلیف چیست
جواب کفایت میکند محاذات برو جه تخمین و تقریب و ظن
بمحاذات مجزی است سؤال اگر فساد ظن او حاصل بشود چه
باید بکند جواب اگر معلوم شد که احرام پیش از میقات بوده
است اعاده نماید احرام را در میقات اگر معلوم شد تاخیر احرام از
میقات بر میگردد بسوی میقات در صورت امکان و احرام را از انجا
میبندد سؤال اگر با هیچ یک از میقاتها محاذات نشد چه کند
جواب احوط ان است که برود بمیقاتی که نزدیکتر باشد بمکه ان
میقات نهاد بکر درا بنجا احرام ببندد و تجدید کند از ادر [illegible]

ازخار

از خارج حرم که نزدیکتر باشد بحرم از غیر آن موضع اگر چه اقوی اکتفا
باحرام اولی است **سؤال** آیا جایز است احرام پیش از رسیدن
بیکی از میقاتها از برای حج کننده و احرام آورنده **جواب** جایز
نیست مگر از برای دو نفر یکی کسیکه نذر کرده باشد احرام را از موضع
معینی که پیش از میقات باشد صحیح است احرام در موضع معین
بشرط آنکه در اشهر حج باشد ولی احوط ترک آن نذر است چنانچه
احوط تجدید نیت است در میقات دوم از برای کسیکه اراده
عمره مفرده در ماه رجب داشته باشد بجهت درک فضیلت
ماه رجب در صورتیکه بترسد از بیرون رفتن از ماه رجب پیش
از رسیدن بیکی از میقاتها **سؤال** عهد و یمین هم ملحق بنذر
در این حکم **جواب** ظاهر این است که ملحق نباشد اگر چه از برای
الحاق وجه هست **سؤال** اگر ترک نماید احرام را در میقات
از روی عمد یا سهو یا جهل چه صورت دارد **جواب** واجب است
که برگردد بسوی میقات بجهت احرام و فرقی نیست در سهو یا جهل
بحکم و جهل بمیقات **سؤال** آیا جایز است از برای ناسی و جاهل
و کسیکه اراده حج و عمره نداشته باشد تا آنکه مانعی عارض شود
تا آنکه از میقات گذشت و از برگشتن هم ممنوع است آیا میتواند احرام
بربندد از خارج حرم **جواب** بلی جایز است که احرام بربندد از
حرم

بیرون نیمکردان و باشد **سؤال** اگر کسی داخل حرم شد و مک
نشد بیرون نبود از حرم چه کند **جواب** جایز است از برای ا
احرام بستن داخل حرم **سؤال** اگر ممکن شود از برگشتن بمیقات و
برنگردد حجش صحیح است **جواب** اگر برنگردد در صورت امکان
یا اینکه عمدا احرام در میقات را ترک نمود و قادر نشد برجوع باطل
است حج او **سؤال** اگر احرام را فراموش کرد یا اینکه حکمش را ندانست
یا اینکه بجا آورد همه اعمال حج را حجش صحیح است **جواب** بلی
حجش صحیح است و قضا ندارد **سؤال** هرگاه کسی مضطر شود و
بترسد بر هلاک نفس بسبب احرام بستن از میقات جایز است که
تاخیر بیندازد **جواب** جایز است تاخیر تا اینجا که بحرم داخل
میشود **سؤال** حیض و نفاس مانع از احرام و غسل احرام هست
یا نه **جواب** مانع نیست بلکه باید زن حایض و نفسا احرام بندد
مثل دیگران فرق همین است که ایشان نماز احرام نمیکنند و داخل
مسجد شجره نمیتوانند شد بجهت احرام مگر بقسمیکه پیش گذشت
و باید که در حال احرام جامه پاکی بپوشند و چون احرام را ببندند
جامه را در آورند **سؤال** هرگاه حایض و نفسا گمان کنند
که احرام اینها صحیح نیست و کسی هم نباشد که احکام مسائل خود را
بنمایند و بهمین سبب ترک احرام کنند تا از میقات بگذرند چه

صورة دارد جواب حکم اینها حکم ناسی است چنانچه گذشت
سؤال کسیکه اراده حج دارد موی و ریش خود را ازاله نماید
یا نه جواب مستحب نیست که ازاله نماید و بگذارد که زیاد شود
از اول ماه ذی القعده و موکد میشود این امر در هلال ماه ذی الحجه
سؤال تاخیر کردن و سؤال نمودن پیش از احرام چه صورة
دارد جواب مستحب است تاخیر کردن و شارب گرفتن و غسل
احرام کردن سؤال اگر آب پیدا نکند بجهة غسل میتواند تیمم
نماید جواب اگر چه بعضی از علما گفته اند تیمم نماید لیکن قول
خالی از اشکال نیست سؤال اگر شخصی بدون غسل یا نماز
داخل احرام شود می تواند بعد از آن نماز جواب مستحب است
که اعاده نماید احرام را بعد از نماز یا غسل فوت شده است از غسل
یا نماز سؤال آیا باطل میشود احرام اول در این هنگام و معتبر
احرام دویم است یا نه جواب محل خلاف است و ثمره خلاف
در وجوب کفاره است از برای کسیکه چیزی از محرمات احرام را در
میان دو احرام مرتکب شود در صورة عدم بطلان احرام اول سؤال
می تواند از برای حج تمتع احرام ببندد در روز ترویه جواب
مستحب است احرام حج تمتع در روز ترویه بعد از نماز مبحث
دویم در بیان افعال عمره تمتع و در او چند امر است امر
اول

اول در احرام و احکام آن است سؤال واجبات احرام چند
چیز است جواب سه چیز است اول نیت است و واجب است در او
قصد نماید فعل معین را قربة الی الله سؤال قصد وجوب باید
یا ادا یا قضا لازم است جواب اقوی عدم وجوب است اگرچه
احوط آن یاد نمودن است سؤال قصد عمره و حج تمتع و قران و
افراد معتبر است جواب معتبر است قصد اینها چنانچه معتبر است
قصد سبب که حجة الاسلام است یا واجب است به نذر و از برای
خود یا از برای دیگری سؤال در نیت اعتبار به لفظ است جواب
مناط امر قلبی است پس اگر در دل چیزی را قصد کند و به زبان غیر
او بگوید معتبر آن چیزی است که در دل قصد کرده است و اگر به لفظ
بیاورد بدون قصد قلبی لغو است سؤال اگر نیت را عمداً ترک
کند تا اینکه فراموش نماید چه صورت دارد جواب حجش باطل است
سؤال مراد به احرامی که واجب است در او نیت چه چیز است جواب
ترک نمودن چیزها مخصوص است از برای توجه نمودن به سوی
مکه معظمه از برای اتیان به عبادات مخصوصه سؤال اگر نیت کند
که این احرام احرام حج و عمره هر دو بشود چه صورت دارد جواب
اقوی بطلان احرام است اگرچه در غیر شهر حج باشد سؤال
اگر کسی نیت کند عمره را و حال آنکه در ذمه او حج بوده است در

واقع

واقع نشده صحیح است یا نه جواب اگر قصد نموده است آنچه
که در واقع در ذمه او بوده است و بگمان آنکه او عمره است قصد
نموده ظاهر آنست که در این صورت عمل او حج محسوب میشود سؤال
اگر نیت کند که احرام می بندم مثل احرام فلان مجزی است یا نه جواب
اگر عالم باشد به آنچه فلان نیت نموده است از حج یا عمره صحیح است
احرام او و اگر عالم نباشد باطل است نیت سؤال اگر فراموش
نماید آن چیزی که نیت کرده بعد از علم به آنکه نیت کرده است
صحیح است جواب صحیح است و نیت او منصرف میشود به ما لزمه
او از حج یا عمره سؤال اگر در اثنای عمل شک در تعیین نیت
نماید چه صورت دارد جواب بنا را بر صحیح میگذارد دوم
از واجبات احرام چهار تلبیه است سؤال کیفیت تلبیه را بیان
فرمایید جواب باین نحو باید گفت لَبَّیْکَ اللّهُمَّ لَبَّیْکَ
لَبَّیْکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیْکَ سؤال چیز دیگر ضرور است
در تلبیه جواب احوط آنست که اضافه نماید این فقره را
اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ لا شَریکَ لَکَ سؤال همزه ان
را بفتح بگوید یا بکسر جواب جایز است کسره همزه ان و فتح
او چنانچه علامه رحمه الله در منتهی از بعض اهل عربیه نقل کرده
است اگرچه احوط و اولی کسر است سؤال احرام منعقد میشود

میشود بدون تلبیه جواب وجوبش اجماعی است و منعقد نمی
شود بدون آن نه احرام عمره و نه احرام حج خواه تمتع و خواه افراد سؤال
در حج قران تلبیه لازم است جواب در قران مخیر است میان تلبیه
و اشعار و تقلید و بهر یک از اینها شروع نماید دیگری مستحب میشود
سؤال مقارنه نیت با تلبیه لازمست جواب اظهر آنست که مقارنه
لازم نیست سؤال اگر قصد احرام نمود و لباس احرام پوشید قبل از تلبیه
صادر شد از او چیزی که در حال احرام موجب کفاره است لازمست کفاره
یا نه جواب هنوز تلبیه نگفته اگر از آن چیزی صادر شود بر او کفاره
لازم نیست سؤال گنگ که قادر بر تلبیه گفتن نیست چه کند جواب
حرکت دهد زبان خود را و اشاره نماید بدست با عقد قلب بر آن
اگر چه احوط آنست که نایب بگیرد کسی را در تلبیه گفتن سؤال اگر
نباشد که تمیز دهد تلبیه را تا اشاره کند بسوی آن مثل گنگی که کر باشد
جواب تلبیه میگوید بجای او غیر او مثل سعی و نحو آن سؤال
جایز است تلبیه بغیر عربی جواب تلبیه واجبه بغیر عربی در صورت امکان
جایز نیست و نیست یاد گرفتن اگر نداند سؤال اگر نتواند
بگوید و ممکن هم نباشد یاد گرفتن چه کند جواب احوط جمع است
میان ترجمه آن بزبان خود و نایب گرفتن از جانب خود اگر چه بعضی
کفایت ترجمه و بعض دیگر کفایت نایب گرفتن نموده اند سؤال اگر

کسی

کسی تلبیه را غلط بگوید چه صورت دارد **جواب** احوط بلکه اقوی
آن است که تلبیه خالی از اغلاط باشد سیما غلطیکه مغیر معنی باشد **سیم**
از واجبات احرام پوشیدن دو ثوب احرام است واجب است لکن صحت
احرام مشروط بآن نیست **سؤال** کیفیت پوشیدن احرام بیان فرمائید
جواب یکی را مثل لنگ ببندد بنحویکه عورة او را ومیانه ناف
وزانوی او را بپوشد اگرچه احوط پوشانیدن زیاده بر آن است و
دیگری را ردای خود کند بنا بر احوط اگرچه جایز است که از دو طرف
راست از زیر بغل کند اینهم بر کتف چپ ببندد از دو **سؤال** شرط است
در لباس احرام که از چیزهائی باشد که نماز در او صحیح باشد **جواب**
اظهر آن است که شرط است بلکه شرط نیست بی جایز نبودن احرام در جلد
میته و در لباس حریر و مغصوب **سؤال** طهارت در لباس احرام
شرط است **جواب** احوط بلکه اقوی نجس نبودن لباس احرام است
بنجسیکه معفو نشده باشد **سؤال** واجبست مستمر پوشیدن لباس
احرام **جواب** لازم نیست بلکه واجب است پوشیدن آن وقتیکه
اراده احرام نماید پیش از نیت **سؤال** آیا جایز است پوشیدن
زیاده از دو لباس مذکور **جواب** بلی جایز است خصوصا از
برای دفع سرما و گرما **سؤال** جایز است عوض و تبدیل نمودن
بمثل آنها **جواب** بلی جایز است **سؤال** شرط است که لباس احرام

یا آنکه بر یکی از دو کتف خود ببندد از دو

احرام دوخته نباشد **جواب** بلی شرط است که دوخته و مشابه بدوخته هم نباشد مثل بعضی از لباسهای که از نمد ساخته میشود **سؤال** زنان میتوانند لباس دوخته بپوشند **جواب** لباس دوخته و حریر از برای نسوان ضرر ندارد اگرچه احوط ترک حریر است **سؤال** خنثی ملحق بمرد است یا بزن **جواب** بهتر الحاق او است بزن اگرچه در مسئله دو وجه است **سؤال** در احرام یک لباس کفایت میکند **جواب** در حال اضطرار بلی اما در حال اختیار اگرچه یک لباس دراز باشد که یکطرف را ازار نماید و طرف دیگر را رداء بنا بر احوط بلکه اقوی **سؤال** اگر ممکن نشود دو لباس بوصف مذکور میتواند قبائی که همراه دارد بپوشد **جواب** احوط در پوشیدن آن قبا آن است که ظاهر او را باطن نماید و دامن او را بر کتف خود بیندازد **سؤال** میتواند دستهای خود را داخل آستین او داخل نماید **جواب** نمیتواند و اگر بکند مثل کسی است که در حال احرام لباس دوخته بپوشد **سؤال** اگر در این صورت قبا را بر وجه مذکور نپوشید و مخالفت نمود چه صورت دارد **جواب** حکم بلزوم کفاره بعید نیست **سؤال** شرط است در جواز پوشیدن قبای مذکور آنکه هر دو لباس احرام در باره او ممکن نشود یا آنکه یکی از آنها هم ممکن نشود جایز است یا آنکه خصوص رداء اگر

ممکن

ممکن نشد بپوشد جواب دو دو نیست که کفن شود که اظهر اخبار
است سؤال احرام در لباس سیاه جایز است جواب مکروه است
احرام در لباس سیاه بلکه در هر لباس غیر از سفید سؤال محرمات
احرام که در حال احرام حرام است بر محرم علی سبیل الاجمال بیان فرمایند
جواب محرمات چند چیز است اول صید است اگرچه خود مباشر اول
نشود بلکه سبب شود سؤال هرگاه اشاره کند یا بنویسد یا بفهماند
باللفظ نماید چه صورت دارد جواب جمیع اقسام دلالت بر صید
حرام است اگرچه از غیر مذکورات بوده باشد سؤال هرگاه صید برا
حبس نماید تا بمیرد حرام است یا نه جواب بلی حرام است حبس آن
بنوعیکه بمیرد سؤال نشان دادن صید بکسی که او را نمی‌بیند جایز
است جواب جایز است مادامیکه موجب زیادتی میل او بصید
نشود و جایز است نشان دادن بکسی که قصد صید نماید بر فرض
دیدن سؤال شرط است در حکم حرمت صید که بری باشد جواب
بلی مگر در دجاج حبشی که از اهلی است و قوقو نیز مانند که بری
آنها هم حرام نیست صیدشان سؤال میزان در بری و بحری
حیوانات چه چیز است جواب حیوان بری عبارت است از حیوانی
که تخم نگذارد در آب و بچه نکند در آن اگرچه در آب تعیش نماید
مثل مرغ آبی و سایر طیور که در صحرا تخم میگذارند سؤال

اگر حیوانی در اصل وحشی بوده بعد انسی شده چه صورت دارد جواب
اگر در اصل وحشی بوده است حرام است چنانچه حرام نیست وحشی که در
اصل انسی بوده باشد پس عبره باصل او است سؤال تخم این طیور
وجوجه اینها چه حکم دارد جواب حکم خود طیور را دارد و حرام است
سؤال کشتن ملخ جایز است جواب حرام است کشتن ان و خوردن
ان سؤال اگر محرم صید کند حیوانی را مالک میشود جواب
مالک نمیشود و واجب است رها کردن ان و حرام است خوردن ان و اگرچه
دیگری صید کرده باشد سؤال حیوان متولد از صید و غیر صید
یا از بری و بحری چه صورت دارد جواب مناط صدق اسم است
و ملحق باو میشود اگرچه در صورت مباین باصورت پدر و مادر
باشد و داخل در جنس ثالثی بشود میخواهد پدر و مادر او هم جنس
باشند یا مختلف پس حلال است اگر از جنسهای انسی بحری باشد اگرچه
بعضی گفته اند که در اینصورت هم حرام است و طریق احتیاط واضح است
سؤال حرام است در صورتیکه همه او را اتلاف نماید یا نه جواب
بعضی از او هم مثل شکستن شاخ او یا دست او یا اعضای دیگر او
حرام است سؤال حرمت صید مختص بحال احرام است جواب
حرام است مطلقا حتی در حق محل در حرم سؤال صیدیکه محرم ذبح
نماید حلال است جواب حرام است گوشت ان بر محل و بر محرم

بلکه

بلکه میته میباشد بنا بر اقوی **سؤال** جایز است از برای محرم خوردن
صید در صورتیکه مضطر شود **جواب** اگر اضطرار او بحدی برسد
که از برای او حلال باشد میته جایز است خوردن او بقدری که
سد رمق او بشود اجماعا اگر عزم او ممکن نشود و کفاره میدهد
سؤال اگر امر شر دایر شود میان خوردن صید و خوردن میته
کدام یک مقدم است **جواب** ظاهر وجوب تقدیم صید است
بر میته بعد از دادن کفاره **سؤال** اگر قادر بر کفاره دادن نباشد
در حال خوردن تکلیف چیست **جواب** کفاره را از مال خود
قضا نماید پس از رجوع بوطن خود **سؤال** اگر در وطن هم متمکن
نشد از کفاره **جواب** رجوع میکند بسوی بدل او از روزه و نحو
ان اگر در شرع بدل داشته باشد **سؤال** اگر آن صید از حیوانات
باشد که در شرع از برای او بدل و کفاره مخصوص مقرر نشده باشد
یا اگر شده باشد مکلف عاجز باشد از انچه کند **جواب** در این
هنگام مقدم میدارد خوردن میته را **سؤال** جایز است که محرم
وکیل شود از جانب محل در بیع و شراء صید **جواب** بلی جایز است
اینو کالت **سؤال** اگر صید خاص مشتبه شود از بابت بحری بودن
از چه صورت دارد **جواب** اگر تمیز آن ممکن نباشد و نتوان
که بگوییم جایز است صید ان اگر چه احوط اجتناب است چنانچه در

احوط اجتناب از صیدی است که در حوالی اینها باشد هرچند در آب
تخم نگذارد **درو ۽ یم** از محرمات جماع است **سؤال** جماع حرام است
مطلقا چه در دبر و چه در قبل **جواب** بلی حرام است مطلقا خواه
حلال باشد پیش از احرام یا حرام باشد مثل زنا **سؤال** وطی غیر زن را
چه صورت دارد **جواب** حرام است وطی ذکور بنی نوع انسانی
بلکه احوط و اقوی الحاق وطی بهائم است بجماع **سیم** عقد نکاح
است حرام است چه بر وجه دوام و چه بر وجه انقطاع خود اجرای
عقد نماید یا وکیل نماید غیر را از برای خود یا از برای دیگری از
روی وکالت یا ولایت یا فضولی باشد **سؤال** اگر کسی عقد برا
از برای او فضولا جاری ساخته باشد میتواند اجازه نماید **جواب**
حرام است اجازه عقد مثل متن خود عقد است اگرچه عقد پیش از
احرام واقع شده باشد **سؤال** اگر وکیل نموده باشد شخصی در غیر
حال احرام جایز است از برای وکیل اجرا عقد **جواب** جایز نیست
عقد کردن از برای او مادامیکه او در حال احرام است **سؤال** اگر
وکیل نماید در حال احرام شخص محلی را که در غیر حال احرام عقد را
واقع نماید چه صورت دارد **جواب** جایز است بجهت آنکه مجرد
وکیل کردن نکاح نمیگویند **سؤال** عقدیکه در حال احرام واقع
میشود باطل است **جواب** بلی فاسد است عقد حرام چنانکه مقتضای
ظاهر

ظاهر اخبار و فتاوی علماء میباشد **سؤال** شخص محرم اگر عقد کند زنی را با علم بحرمت عقد در حال احرام چه صورت دارد **جواب** حرام مؤبد میشود آن زن معقود علیها بر او و اگر جاهل بوده باشد حرام مؤبد نمیشود **سؤال** تحلیل نمودن کنیز خود بدیگری جایز است **جواب** احوط اجتناب است اگرچه اظهر جواز است **سؤال** جایز است کنیز خریدن در حال احرام **جواب** بلی جایز است اگرچه بقصد آن باشد که او را بعد از محل شدن مخواهد کند **سؤال** اگر بخرد بقصد اینکه در حال احرام با او مباشرت نماید جایز است خریدن **جواب** خریدن آن باین قصد جایز است اگرچه حرام است استمتاع او در حال احرام **سؤال** جایز است کنیز فروختن در حال احرام **جواب** بلی جایز است چنانچه جایز است طلاق دادن زن و فسخ کردن نکاح او **سؤال** جایز است بر محرم خواستگاری زن در حال احرام **جواب** مکروه است خواستگاری زن که عرفا نامزد میگویند **سؤال** جایز است بر محرم رجوع نمودن بمطلقه رجعیه **جواب** جایز است رجوع بمطلقه رجعیه و بر مختلعه هرگاه زن رجوع ببذل نماید **سؤال** هرگاه محرم وکیل کند محل را در عقد و آن عقد را واقع ساخت بعد شک شود که عقد در حال احرام موکل واقع شده که باطل باشد یا در حال محل و این عقد محکوم است بصحت یا نه

[illegible]

با بقا ساد جواب هرگاه شک کند در وقوع عقد در حال
احرام اصل آن است که عقد صحیح باشد سؤال نظر کردن بکنیزی که میخواهد
خریدن چه صورت دارد جواب جایز است نظر کردن بی شهوة
چنانچه جایز است نظر کردن بزنی که اراده خواستگاری او دارد
اگرچه احوط اجتناب است سؤال بوسیدن زن و کنیز و دست
ببدن اینها مالیدن بشهوة چه صورت دارد جواب حرام است
با شهوت و احوط اجتناب است بی شهوة هم اگر غرض او استمتاع باشد
سؤال جایز است بوسیدن زن و کنیز و دست مالیدن ببدن
اینها اگر غرض استمتاع نباشد جواب جایز است اگرچه مترتب
شود بر آن التذاذ و جایز است بوسیدن مادر و نحو او از روی
رافت و رحمت سؤال محرم میتواند شاهد بود در نکاح
جواب حرام است بر محرم که شاهد شود خواه نکاح در میان
دو محل واقع شود یا دو محرم یا ~~دو محرم~~ یا در میان یک محل
و یک محرم سؤال جایز است از برای محرم ادای شهادة نمودن
در حال احرام اگر تحمل شهادة را در غیر حال احرام کرده باشد
جواب مسئله محل خلاف و اشکال است بلی اگر مفسده بر شهادة
ندادن او مترتب شود حاکم شرع را خبر دهد که در پیش من شهادة
هست تا آنکه تأخیر اندازد حکم را تا وقتیکه از احرام بیرون بیاید

و شهادت

وشهادة دهد سؤال اگر ضرورتی مفسده هم نقض نشود یعنی
فالنه میتواند شهادة بدهد جواب واجب است بر او که ادای
صورت شهادت خود را مفصلا بیان نماید سؤال تحمل شهادت را
در حال احرام نمود بعد از محل شدن میتواند اقامه شهادت نماید
جواب اظهر جواز است پس قبول میشود آن شهادت اگر جامع
شرایط قبول باشد چهارم از محرمات استمنا است بهر سببی چهارم
از اسباب این که بوده باشد حتی خیال کردن کسیکه خیال کردنش
شهوت را به هیجان آورد سؤال اگر مرتکب فعلی شد که مؤدی استمنا
ولکن قاصد خروج منی نبود چه صورت دارد جواب اگر قصد
نداشته و از عادت او هم نبود که با آن فعل انزال اتفاق بیفتد بر او
چیزی نیست سؤال اگر استمنا نمود بفعلی و قصد خروج منی هم
داشت و بیرون نیامد چه صورت دارد جواب معصیت کرده
است ولکن موجب کفاره نیست پنجم از محرمات استعمال طیب پنجم
است سؤال استعمال طیب چه قسمش حرام است جواب بخور دادن
و بوئیدن و بمالیدن خالی نمیباشد بوی بد یا بخور کند سؤال اگر
بر خشند بدن خود بمالد یا بنشیند بر فرش یا لباسی که آنرا خوشبو
کرده باشند جایز است جواب جایز نیست اگرچه در دکان عطر
فروش بنشیند که بسبب او لباس و بدن او خوشبو شود سؤال
حرام

حرام است استعمال چیزیکه خوشبو باشد یا مطلق چیزیکه بو داشته
باشد ولو بدبو باشد جواب شرط است در حرمت طیب آنکه خوش
بو بوده باشد سؤال مراد از طیب چه چیز است که استعمال او حرام
است جواب طیب جسمی است که غرض اصلی از او خوشبو کردن
چیزی باشد از بدن و لباس و غیر اینها و معظم فایده آن استفاده عطر
باشد از آن غالبا مثل مشک و عنبر و زعفران و ورس بلکه کافور
و عود و شاید بهمینها باشد هر چند در این ولی هر چند در چهار تای
اولی شدیدتر است سؤال جایز است بو شنیدن درختیکه عطر زند
باشند و شنیدن بوی او در دفنه باشد جواب جایز است و مثل
شستن است اگر بطول زمان هوا بوی او را زایل کرده باشد سؤال
بو شنیدن ریحان چه صورت دارد جواب حرام است بنا بر اظهر
اگرچه اطلاق طیب بر او نشود سؤال خوردن میوه‌های عطردار
جایز است جواب بلی جایز است مثل سیب و به و نارنجهای خوش بو سؤال
جایز است خریدن هر قسم از طیب جواب بلی جایز است خریدن و
نظر کردن سؤال اگر مضطر شود بخوردن چیزیکه در او طیب بوده
باشد چه کند جواب بخورد و دماغ خود را بگیرد سؤال
استعمال خلوق چه صورت دارد جواب بو شنیدن و بلباس
مالیدن او عیب ندارد اگرچه احوط اجتناب است بواسطه آنکه معنا

کرده اند که مشتبه میشود بچیزهای دیگر سؤال اگر برسد بلباس
محرم چیزی از طیب واجب است که خود ازاله نماید یا بدهد بکسیکه
محرم نباشد ازاله نماید جواب اقوی جواز ازاله آن است از برای
محرم بدست خود اگرچه احوط دادن بغیر است یا اینکه خود بآلتی مثل
چوب ونحو آن ازاله نماید سؤال هرگاه استعمال طیب نمود سهواً یا
عالماً واجب است ازاله جواب چنانچه در ابتدا استعمال کردن
حرام است باقی گذاشتن او هم حرام است پس واجب است ازاله او فوراً
سؤال عبور کردن از راهیکه در آن بوی طیب میشود جایز است
جواب حرامست مثل استعمال طیب بر وجه عمد سؤال اگر نزد کسی
آب باشد که کفایت نکند ازاله طیب را از لباس وطهارت در صورتیکه
ازاله او بغیر از آب نمیشود چه کند جواب اقوی صرف آب است
در ازاله طیب از لباس وتیمم نماید بدل طهارت خواه وضو باشد
وخواه غسل سؤال امر دایر شود میان شستن طیب وازاله نجاست
کدام مقدم است جواب ظاهر آن است که مخیر است سؤال اگر
کسی قوه شامه نداشته باشد که احساس بوی نماید جایز است از
برای او استعمال طیب جواب بوئیدن از برای او جایز است واما
غیر از بوئیدن حرمت استعمال طیب باقی است سؤال محرم اگر مضطر
شود باستعمال طیب از بعض جهات مثل بوئیدن یا پوشیدن بخران

ونشوان از برای او جایز میشود مطلقا یا نه جواب جایز میشود
از برای او از انجهت که مضطر شده است اما سایر جهات بر او حرام است
سؤال بوی بد مکروه چه صورت دارد جواب حرام است
گرفتن دماغ از بوی بد و مکروه هفتم از محرمات روغن بدن
مالیدن است بعد از دخول در احرام سؤال حرام است روغن مالیدن
اگرچه بوی خوش نداشته باشد جواب بلی حرام است سؤال
جایز است روغن پیش از احرام که بوی او بماند بعد از احرام جواب
این نوع روغن مالیدن که بوی خوش او باقی بماند تا بعد از احرام
جایز نیست سؤال روغن خوردن در حال احرام اختیارا چه صورت
دارد جواب جایز است اگر بوی خوش نداشته باشد و اگر مضطر
باشد جایز است اگرچه بوی خوش داشته باشد هشتم از محرمات
سرمه سیاه در چشم کشیدن است سؤال حرمت سرمه کشیدن در
صورتیست که قصد زینت داشته باشد یا مطلقا جواب ظاهر
حرمت است اگرچه قصد زینت نداشته باشد چنانچه حرام است سرمه
کردن او بوی خوش باشد سؤال چیزها که سیاه نیست از انواع
سرمها و داروها چه صورت دارد جواب کراهت دارد
در چشم کشیدن اگر در انها طیب نباشد و اگر باشد حرام است
سؤال در مقام ضرورت جایز است سرمه سیاه جواب بلی

ضرورت

بنفشم

هشتم

ضرر ندارد در این صورت بچشم کشیدن سرمه تنها سؤال حرمت
بچشم کشیدن چیزیکه در او طیب باشد در صورتیکه از طیب با قصد
بو داشتن باشد یا اینکه مطلقا حرام است جواب اقوی اعتبار
فعلیت بوی خوش است در طیب پس بچشم کشیدن چیزیکه در او مثل
زعفران مسلوب الرائحه باشد ضرر ندارد سؤال سرمه سیاه
بچشم کشیدن کفاره دارد جواب کفاره ندارد ولی فعل او حرام
است سؤال سرمه که در او طیب باشد کفاره دارد جواب
فعل حرام کرده است و کفاره او کفاره طیب است نهم از محرمات نهم
نظر کردن در آینه است سؤال حرمت نظر موقوف است باینکه مقصد
زینت باشد یا نه جواب ظاهر حرمت است مطلقا سؤال
نگاه کردن در چیزهائیکه حاکی صورت است در صورتیکه مقابل
مثل اجسام صیقلیه چه صورت دارد جواب حرام نیست نگاه کردن
باین نوع چیزها دهم از محرمات خون بیرون آوردن است دهم
سؤال بیرون آوردن خون چه قسم او حرام است جواب حرام
است بفصد یا حجامت یا خاراندن یا مسواک کردن سؤال
فشار دادن دمل که خون بیاید یا کندن دندان و نحو اینها چه
صورت دارد جواب ظاهر جواز است اگر چه ترک احتیاط
سزاوار نیست سؤال اگر مضطر شود بفصد یا حجامت چه کند
جواب

جواب جایز است برای و پوشانیدن چون در وقت اضطرار و کفاره هم ندارد اگرچه قربانی کردن یک گوسفند موافق بالاحتیاط است **باب دهم** ناخن چیدن است در حال احرام **سؤال** این حکم مختص است بناخنهای دست یا نه **جواب** تفاوت نمیکند در ناخن دست و پا **سؤال** چیدن بعضی از ناخنها چه صورت دارد **جواب** حرام است اگرچه یک ناخن باشد از یک انگشت **سؤال** اشخاصیکه انگشتهای ایشان زاید از متعارف است مثل اینکه شش انگشت باشد یا زیاد تر ناخن چیدن از آن انگشت زاید چه صورت دارد **جواب** حرام است ناخن چیدن مطلقا اگرچه از انگشت زاید باشد **سؤال** اگر ناخن کسی شکسته شده باشد و گذاشتن باعث صدمه و اذیت میشود آیا جایز است ازاله آن **جواب** بلی جایز است ازاله آن **دوازدهم** از محرمات مو از سر و بدن جدا کردن است **سؤال** چه قدر از مو و چه قسم کندن مو حرام است **جواب** کندن یک مو یا نصف آن بمقراض یا تراشیدن یا بکندن یا بنوره بردن یا بغیر اینها حرام است **سؤال** کندن مو حرام است مطلقا یا مختص ببعض از اعضا است **جواب** حرام است چه از سر باشد یا از بدن یا از ریش یا از غیر اینها **سؤال** اگر دفع اذیتش موقوف بازاله او باشد جایز است **جواب** بلی جایز است اگر بمقام

ضرورة

باب دهم

دوازدهم

ضرورة باشد مثل اینکه جایز است ازاله موی موضع حجامت اگر
موقوف باشد حجامت بزوال مو در صورت اضطرار بحجامت سؤال
اگر قطع کند عضوی که در او مو باشد چه صورت دارد جواب
حکمی تعلق بمو نمیگیرد هرچه هست حکم آن موضع است سؤال جایز است
از برای محرم ازاله نمودن موی بدن غیر جواب جایز نیست
چه آن غیر محرم باشد یا محل سیزدهم از محرمات انگشتر بدست
کردن است سؤال حرام است انگشتر بدست کردن جواب
حرمت مختص است بصورتیکه قاصد زینت باشد اما در صورتیکه
قصد استحباب نماید ضرر ندارد سؤال انگشتری که صلاحیت زینت
و استحباب هر دو را داشته باشد چه صورت دارد جواب
ممکن است حکم بحرمت نمودن در صورتیکه قصد استحباب را هم
نموده باشد چه بر وجه استقلال یا بتبعیت اما اگر زینت و استحباب
هر دو علت باشند در پوشیدن یا بنحوی که هر یک از آنها اگر
بودند نمی پوشید ظاهر جواز است چهاردهم از محرمات
کشتن جانوران بدنست سؤال کشتن آنها بچه نوع حرام است
جواب حرام است بر وجه مباشرة یا علاج نماید که خود بخود
بمیرند مثل مالیدن جیوه ببدن چنانکه الان متعارف است
سؤال حرمت کشتن آنها مختص است ببدن جواب فرقی نیست

سیزدهم

چهاردهم

نیست در حکم میان آنکه حیوان در بدن باشد یا در لباس بلکه حرام است
کشتن مطلق حیوانات مکر انهایکه انسان خوف از اذیت نفس منها
سؤال انداختن جانوران از بدن و لباس چه صورت دارد جواب
حرام است انداختن بر زمین اما از جای بجای دیکر کذاشتن جایز است
مکر انکه یقین یا ظن با فتادن از موضع دوم بهم رسد در اینصورت
جایز نیست سؤال جوانانیکه در بدن محرم نشسته مثل کنه
جایز است انداختن بر زمین جواب جایز نیست بلی جایز است نقل
مکانی اما در انداختن قراد که نوعیست از کنه از بدن شتر جایز است
بخلاف حلمه که قسم دیکر است از کنه پانزدهم از محرمات دروغ
کفتن است سؤال تفاخر و دشنام دادن چه صورت دارد جواب
احتیاط در اجتناب است و هر لفظ قبیح شانزدهم از محرمات
جدال است سؤال مراد از جدال چیست جواب جدال عبارت
است از لا والله و بلی والله بعربی و بفارسی نه والله و بلی والله سؤال
جدال بعربی حرام است یا بفارسی همچنین است جواب تعدی نمودن
از عربی بفارسی و نحو آن مشکل است اکرچه احوط ترک است سؤال
جایز است قسم در رد دعوی هر کاه دروغ یا باطل باشد جواب
احوط اجتناب است چنانچه احتیاط در ترک قسم خوردن بغیر لفظ
جلاله است مثل رحمن و خالق و نحو اینها سؤال قسم خوردن
بغیر این

پانزدهم
شانزدهم

هفدهم
هیجدهم
نوزدهم

بغیر این الفاظ در مقام خصومت چه صورت دارد **جواب** واجب
است اجتناب از هر فحش در مقام خصومت بلکه هر فحشی که در طاعت
خدا باشد اگرچه در مقام خصومت نباشد **هفدهم** از محرمات
خضاب کردن بحنا است بقصد زینت **سؤال** هرگاه دست بحنا
بزنند بجهت دوا ما البین بشره و بخوانند و دست و رنگ بگیرد چه صورت
دارد **جواب** ضرر ندارد **هیجدهم** از محرمات دندان کندن
است اگرچه خون بیرون نیاید **نوزدهم** از محرمات الات
حرب بستن است بخود **سؤال** الات حرب چه چیز است **جواب**
چیزهائیست که بجهت حرب درست کرده اند اگرچه آهن نداشته باشد
و اظهر افراد آنها شمشیر و نیزه و تیر است و افراد خفیه او شمشیر و
امثال او است **سؤال** این حکم مخصوص است بصورتیکه الات حرب را
خود بردارد یا نه **جواب** ظاهر اختصاص است اگرچه دادن
بکسیکه همراه او باشد بقصد دفع دشمن هم محل تامل است و احوط
اجتناب از آن است **سؤال** بردن الات حرب بعنوان تجارت یا
و بعنوان رهن چه صورت دارد **جواب** با خود بردن بدون
اینکه بر خود ببندد ضرر ندارد و اکثر طریقه احتیاط آن است که
الات حرب را با خود نبرد **بیستم** از محرمات کندن درخت و گیاهی
است که در حرم روئیده (شده) باشد و این حکم مخصوص بحرم نیست بلکه

بیستم

او

او وغیر او شریک ند **سؤال** فرقی هست میان خشک و تر از درخت و کیاه **جواب** فرقی نیست میان اینها شکستن و کندن و استثنا شده است از حرم دو اشجار و فواکه و درخت خرما اگر خود بخود
روییده شده باشد و علفیکه ادمی رویانیده باشد و اما دو چوبی که برای چرخ چاه نصب میکنند احوط اجتناب است **سؤال** جایز است از برای محرم اینکه بگذارد شتر را چرا بپای خود در حرم **جواب** بلی جایز است اگرچه علف چیدن از برای اینها حرام است **سؤال** جایز است انتفاع بچیزهائیکه ربط بفعل ندارد مثل شکستن و افتاده از درخت و از کیاه **جواب** بلی جایز است **سؤال** ایا حرام است قطع درختان و کیاهها که خوار دارند و اذیت بمردم میرسد از انها **جواب** جایز نیست چون درخت و کیاه شامل اینها هم هست **سؤال** کیاه و درختیکه در حرم است و شاخهای انها تعدی کرده است بخارج حرم جایز است قطع انها **جواب** حرام است قطع انها نیز اما درختیکه در خارج حرم است و شاخهاش او سرایت کرده است بحرم احوط احترام نمودن جمیع ان درخت است
فی بیان بعضی از محرمات پوشیدن رخت دوخته است بر مردان
سؤال چه نوع رخت بر مرد محرم حرام است **جواب** حرام است پیراهن و زیر جامه و قبا و هر رخت تکمه دار که بعد از پوشیدن
تکمهای

تکمهای او را کره بزند و هر رخنه که استین را شتر باشد دهمه خود را در استین او داخل نماید بلکه مطلق رخنه و رخنه اگر چه دو رخنه او کم باشد بنابر احوط **سؤال** چیزهائیکه از برای دفع سرما بدست میکنند از زنها که تا کف یا از مرفق تا پایین چه صورت دارد **جواب** احوط ترک است اگرچه دو رخنه نباشد بلکه یک رخنه باشد یا مثل نمد مالیده باشند **سؤال** چیزهائیکه از برای باد فتق بکمر می بندند چه صورت دارد **جواب** جایز است **سؤال** جایز است از برای زنان پوشیدن لباس دو رخنه **جواب** جایز است مگر قفازین و احوط اجتناب نمودن از رو بنده است بلکه احوط اجتناب ایشان است از مطلق لباس مگر غلاله که آن عبارة است از پیراهن که حایض زیر رختهای خود میپوشد جهة حفظ رختهای خود از ملوث شدن بخون حیض **سؤال** قفازین که حرام است بر زنان چه چیز است **جواب** آن دو دستکش پنبه دار است که تکمها و بندها دارد چون متعارف عرب جامهٔ استین فراخ است بجهة دفع سرما و گرما چنین چیزی بدست میکشند و بعضی گفته اند که آن یک نوع زینتی است از برای دست **سؤال** کره زدن رداء و لنگ از جهة محافظت از باز شدن جایز است **جواب** عیب ندارد چنانچه جایز است داخل کردن یکطرف ردا

ازاد میان طرف دیگر اگر چه احوط اجتناب است سؤال جایز است
فرش نمودن لباس دوخته را در زیر پای خود جواب جایز است
چنانچه عیب ندارد بر روی خود انداختن در وقت خواب و حمایل
کردن آن اگر چه احوط ترک این دو است سؤال همیان و کمربند نیز
بکمر چه صورت دارد جواب جایز است اگر چه دوخته باشد متصل
نمودن بعض تنهای همیان ببعضی دیگر بدون گره زدن ولکن احوط
ترک گره زدن است با امکان سؤال عمامه را بکمر بستن جایز است
جواب بلی چنانچه جایز است بستن آن بر جای بسته لنگ را بران می
بندد اگر چه احوط ترک دو قسم است خصوصاً اول سؤال جایز است
پوشیدن لباس دوخته در مقام ضرورت جواب بلی اگر چه
در مقام تقیه باشد و اگر ممکن شود احرام در غیر لباس دوخته
پس از آن لباس دوخته را بپوشد از برای تقیه واجب است که چنین
کند سؤال اگر تقیه محقق شود بضم دوخته بغیر دوخته چه کند
جواب واجب است که ضم کند اگر تقیه محقق میشود با و سؤال
پوشیدن زیر جامه جایز است جواب جایز است از برای زنان
مطلقا و از برای مردان در وقتیکه لنگ ممکن نشود سؤال
در صورت حاجت بپوشیدن زیر جامه واجب است شکافتن
جواب واجب نیست اگر چه احوط شکافتن است سؤال
جایز است

[illegible]

جایز است از برای مرد پوشیدن طیلسان در حال اختیار جواب
اظهر جواز است اگرچه احوط اجتناب است در حال اختیار سؤال
طیلسان چه نوع لباس است جواب طیلسان یک قسم جامه ایست
که بافته شده است بنوعیکه احاطه کل بدن میکند مثل کپنک سؤال
واجب است بر او کندن تکمهای او جواب واجب نیست اگرچه
واجب است که تکمهای او را نبندد اگرچه کندن تکمهای او است بهتر
و حرام است بر محرمان پوشیدن چیزیکه پشت قدم را بپوشد
مثل جوراب و چکمه و نحو ان از برای مردان سؤال جایز است
پوشیدن چیزیکه بعض قدم را بپوشد مثل نعلین جواب بلی
چنانچه جایز است پوشیدن انها بغیر لباس انها اگرچه ملبوس
باشد مثل انکه طرف لنگ خود را بر بالای پای بیندازد یا انکه پای
خود را در زیر لحاف کند در وقت خواب سؤال جایز است از
برای زنان پوشیدن این نوع چیزها جواب بلی اگرچه در
بارهٔ ایشان احوط اجتناب است سؤال جایز است از برای مردان
پوشیدن چیزیکه پشت پا را بپوشد در حال ضرورت جواب بلی
جایز است و احوط شکافتن روی ان و ساق ان است سؤال در
صورت ضرورت اگر متمکن از کفش پوشیدن باشد میتواند چکمه را
بپوشد جواب جایز نیست اگرچه بشکافد چکمه را بلکه واجب است

کفش را بپوشد سؤال در حال اضطرار اگر بپوشد کفاره لازم
است جواب واجب نیست اگر چه مراعات آن مقتضای احتیاط
است باب بیست و سیم از محرمات پوشانیدن سر است از برای
مردان سؤال حرام است پوشانیدن سر بهر چه باشد جواب
بلی اگر چه از گل یا حنا یا دوا یا امثال اینها باشد سؤال مراد
تمام سر است یا بعضی از آن جواب تمام سر است که عبارتست
از رستنگاه مو اگر چه احوط پوشانیدن گوشها است اگر چه
هو اسر باشد سؤال جایز است پوشانیدن سر بدست یا بعضی
اعضا جواب اقوی جواز است مثل گرفتن بند مشک را بسر
و بستن دستمال به جهت صداع سؤال جایز است پوشانیدن
روی جواب جایز است لکن اولی طعام دادن یک مسکین است
بدست خود اگر بپوشد سؤال جایز است گذاشتن سر خود را
بتکا و بخواب جواب بلی عیبی ندارد سؤال اگر سهواً سر
خود را بچیزی بپوشاند و بعد ملتفت شود چه کند جواب واجب
است که در حال التفات بیندازد و احوط تلبیه گفتن است بعد
از انداختن بلکه وجوب تلبیه در این هنگام خالی از قوة نیست
سؤال اگر سر خود را با آب فرو برد چه صورت دارد جواب
حرام است مثل پوشانیدن سؤال اگر خود را بپوشانند

با لباس

یا بلباس یا بگل یا بفرو بردن یا بچیز یا بیک کند **جواب** واجب است
قربانی یک گوسفند اگرچه ساتر متعدد شود مثل اینکه دو سه
چیز بر سر ببندد از دست **سؤال** زن میتواند بپوشاند سر خود را
جواب بلی ولیکن روی خود را باز کند و اگر بپا و بزد یک طرف
قناع را و آن عبارة است از آنچیزیکه سر خود را با او پوشیده تا
نجیبکه برسد بگوید یکه میان کردن و سینه است جایز است اگرچه
اولی اجتناب است **سؤال** میتوانند زنان روی خود را بپوشانند
جواب حرام است بر زنان پوشانیدن روی خود را اگرچه
بواسطهٔ بادزن بوده باشد **سؤال** میتواند زن بروی خود
بخوابد **جواب** احوط اجتناب است بلکه احوط و اقوی آنست
که سایه نکند بدست خود بر روی خود از آفتاب **سؤال** واجب
است بر زن باز کردن چیزی از سر از باب مقدمهٔ باز کردن روی
جواب بلی واجب است چنانکه واجب است پوشانیدن بعض
روی از باب مقدمهٔ از جهة پوشیدن سر در حال نماز **سؤال**
زن میتواند فرو برد سر خود را در آب **جواب** حرام است بر او
نیز بلکه احوط اجتناب است از فرو بردن تمام روی در آب
بدون فرو بردن سر اگر نگوئیم این حکم اقوی است **سؤال**
خنثی در این حکم تکلیفش چیست **جواب** مخیر است میانهٔ وصفه

وظیفه مرد دو وظیفه زن اگرچه احوط باز کردن سر و روی خود است
در غیر حال نماز اما در نماز اکتفا کند بگشودن روی خود سؤال
هرگاه اختیار نمود خنثی یکی از دو وظیفه و قدری را عمل نمود میتواند
عدول بوظیفه دیگر کند جواب احتیاط در ترک عدول است
باب بیست و چهارم از محرمات انداختن سایه است مردان بر سر خود
در وقت راه رفتن مثل سایه بان و کجاوه و نحو آن سؤال اگر
مضطر شود بسایه کردن بر سر خود در حال راه رفتن و سایه کرد
تکلیف او چیست جواب واجب است او را کفاره باینکه یک
بز یا یک گوسفند قربانی کند و همچنین است حکم در حال اختیار
بنا بر احوط سؤال اشخاصیکه در کجاوه و تخت روان نشسته
اند چه کنند جواب واجب است که روپوش آنها را بردارند
سؤال جایز است از برای خود سایه بان درست کردن در
حال سواری جواب بلی جایز است بنحویکه آن سایه بان بر سر
آن نبوده باشد باینکه سایه بان را نصب کند از طرف آفتاب سؤال
جایز است حایل نمودن چیزی از اعضای خود را میانه خود و آفتاب
جواب عیب ندارد سؤال زن و طفل هم شریکند در این
حکم جواب نه بلکه جایز است از برای ایشان سایه بر سر
خود انداختن سؤال اگر شخص بی عذری هم کجاوه شخص

مریض

مریض یا اینکه بشود و چه کند جواب واجبست که هر طور باشد
بتکلیف خود عمل نمایند سؤال جایز است عبور نمودن بزیر
سایهایی که مستقر هستند مثل سایه سقف و دالان و امثال اینها
جواب بلی جایز است سؤال جایز است راه رفتن در زیر سایه
کجاوه و سایه شتر و نحو آن مثل سایه کردن از برای خود جواب
جایز است اگر چه احوط اجتناب است از اینها با عدم ضرورت
سؤال جایز است سایه انداختن بر سر خود در وقت پایین آمدن
و توقف نمودن جواب جایز است اگر چه از برای قضای حاجت
یا اصلاح چیزی از امور خود یا بجهت انتظار رفیق خود باشد
سؤال در حال سواری که ایستاده باشد جایز است در زیر
سایه بودن جواب جایز است خواه از برای اراده پایین آمدن
باشد یا سوار شدن سؤال بچه‌های صغیر را که در پوشش محمل‌ها
با اینها مانده‌اند لازم کنند اینها جواب واجب نیست اگر
چه احوط کنند اینها است بیست و پنجم از محرمات زینت
کردن زن است بزینتهای غیر معتاده خود بطلا یا نقره یا نحو
اینها بقصد زینت سؤال جایز است پوشیدن زینتهای عادیه
خود بقصد زینت جواب بغیر زینت سؤال جایز است
اظهار نماید زینت خود را بر زوج جواب حرام است اظهار زینت

بیست و پنجم

زینت بزوج خود یا بخادم نسبی خود یا طفلنا امرد و تیمم
در طواف است سؤال یازده از مستحبات که پیش از طواف مستحب است
بیان فرمایید جواب از جمله مستحبات سه غسل است یکی از
برای دخول حرم و یکی از برای دخول مکه و اگر ممکن نشد یا عمداً ترک
کرد غسل کند بعد از دخول و افضل آنست که از بئر میمون یا فخ بود
باشد و غسل دیگری از برای طواف و مستحبات جاییدن اذخر وقت
دخول و اگر ممکن نشود بجاید چیزهای دیگر که خوشبو باشد و مستحب
است از برای اشخاصی که از راه مدینه بمکه میآیند که از طرف بالای آن
داخل شوند و مستحب است دخول حرم و مکه و مسجد با پا برهنه با سکینه
و وقار و مستحب است دخول از باب بنی شیبه و از جهت گشادن
شدن مسجد معلوم نیست چون محاذی باب السلام است پس
مناسب آنست که داخل شود از باب السلام و راست برود تا از
ستونها بگذرد تا برود بر باب بنی شیبه بعمل آید و مستحب است
ایستادن در مسجد و سلام کند و بخواند ادعیه وارده که در
کتب معتبره مسطور است سؤال شرط است در طواف طهارت
از حدث اکبر و اصغر جواب شرط است طهارت بنابر احوط و
در واجب بالعرض بنابر اظهر سؤال اگر ممکن از آب نشد بجهة
تحصیل طهارت چه کند جواب تیمم بکند و داخل شود

سؤال

سؤال شرطیت طهارت در چه صورت است **جواب** طهارت
شرط است در فرض نبستند در شرطیت او و بنا بر تامل در ناسی و جاهل
سؤال ازاله نجاست از بدن و از لباس لازم است **جواب**
بلی واجب است اگرچه طواف مستحب باشد مگر آنچه معفو است در
نماز مثل خون قروح و جروح و کمتر از درهم بغلی اگرچه احوط
از اخیر اجتناب است **سؤال** ختنه کردن شرط است در مردان
جواب لازم است مطلقا با تمکن **سؤال** ختنه در زنان
و در خنثی و در غیر بالغ از ذکور شرط است **جواب** احوط در
خنثی و غیر بالغ اعتبار آن است **سؤال** اگر خنثی طواف بکند
بدون ختنه یا اینکه ولی طواف بدهد طفل را بدون ختنه صحیح است
دارد **جواب** طواف نساء از ایشان باطل است پس غیر بعد
از بلوغ بمنزله آن زن بکر در حکم است اگر کند طواف نساء را یا نائب
بگیرد **سؤال** شرط است ستر عورت **جواب** بلی شرط است بنا
بر احوط بلکه اقوی **سؤال** معتبر است مباح بودن ساتر **جواب**
معتبر است بلکه احوط ملاحظه جمیع شرایط لباس مصلی است در آن
سؤال نیتی که در طواف واجب است چه نوع نیت کند **جواب**
کفایت میکند قصد بودن فعل معین بر وجه طاعت و احوط اعتبار
قصد وجوب و ندب است **سؤال** قصد بودن از برای حجة الاسلام

الاسلام با غیر آن معتبر است جواب بلی معتبر است قصد کردن
از برای حجة الاسلام با غیر آن و تمتع با غیر آن سؤال واجب است
استمرار در نیت جواب واجب است بقا بر داعی تا آنکه فارغ
شود از طواف پس اگر خللی رساند به نیت یا بعض اجزای آن طواف
باطل است مثل نیت صلوة که اگر قصد خلاف بکند نمازش باطل
است سؤال چه وقت باید نیت بکند جواب واجب است
مقارن داشتن با اول طواف که واجب است ابتدا طواف بحجر اسود
و ختم آن پس باید در وقت برابر شدن بحجر اسود نیت کند سؤال
واجب است که ابتدا حقیقی و ختم حقیقی باید بحجر اسود جواب
صدق عرفی کفایت میکند باینکه عرفا بگویند که ابتدا بحجر اسود
و ختم باو کرده در شوط منتهی سؤال طریقهٔ احتیاط را بیان
فرمایید جواب احتیاط در غیر مقام تقیه و مؤدی نشدن
بوسواس آن است که قرار بدهد در ابتدای شوط اول جزء اول حجر را
محاذی جزء اول از مقادیم بدن خود بحیثیتی که مرور کند بعد از
نیت جمیع بدن او بر کل حجر اسود و در ختم در آخر شوط بر همان
وجه که ابتدا کرده بود در اول ولی این نحو رفتن قطعا واجب نیست
سؤال اگر کسی خواسته باشد تحصیل ابتدا حقیقی نماید بدون
وسواس چه کند جواب باید ابتدا از حجر عقب تر باشد

بنحوی که

محاذی بلکه علما تصریح کرده اند بتاخیر جمیع اجزای بدن از جمیع طول الحجر و بعد
تمام بدن جزو ابتدا از باب مقدمه وجوبیه نیز متحقق شود سؤال اگر کسی
ابتدا شود بغیر از حجر اسود این شوط محسوب نیست جواب ابتدا شوط
لغو است تا آنکه برسد بنزد حجر اول الحجر و بعد از آن نیت کند و ابتدا
بشوط تمام بکند و ختم باو نماید در شوط هفتم سؤال اگر کسی هفت
شوط تمام بکند ابتدا بحجر اسود و ختم باو نماید ... زیاده دارد
جواب فایده ندارد چون واجب هفت شوط است که ابتدا
از حجر اسود و ختم باو باشد در هفتم سؤال واجب است که در حال
طواف خانه را بطرف چپ بیند از جواب واجب است تمام
دران صدق عرفی است پس ... سؤال
اگر خانه را طرف ... قرار ... بسوی آن کند باشد
بسوی آن کند چه صورت دارد جواب صحیح نیست طواف هر چند
رو کردن و پشت کردن بقدر یک گام باشد و هر چند از روی
جهل یا نسیان باشد و واجب است اعاده آن سؤال اگر روی
بسوی خانه نمود از جهت بوسیدن ارکان یا پشت بسوی آن کرد
از جهت ازدحام حجاج آن مقدار از مسافت ضرر دارد جواب
این مقدار از مسافت باطل و محسوب از شوط طواف نیست
و بطلان او موجب بطلان تمام عمل است و لهذا بهتر آنست که

که منحرف شود پیش از رسیدن به ابتدای حجر بسوی طرف چپ و پیش از
رسیدن بعد دیگر حجر و همچنین در هنگام رسیدن بارکان خانه
کعبه تا اینکه رکن خانه از محاذات کتف چپ او بیرون برود سؤال
اگر طواف کند میان حجر و خانه باین قسم که از یک در حجر داخل شود
و از در دیگر بیرون برود یا انکه بالای دیوار حجر راه برود صحیح
است جواب شوط او باطل است و واجب است اعاده آن چون
واجب است که حجر اسمعیل را داخل در طواف خود نماید و نکرده است
باین قسم سؤال واجب است که طواف در میان خانه و مقام
ابرهیم باشد جواب بلی واجب است در اطراف دیگر مراعات
آن مقدار را اینجا نماید و اگر مقام را در طواف خود داخل نماید صحیح
نیست طواف او سؤال اگر در بالای اساس خانه یا در بالای
دیوار حجر راه برود در حال طواف چه صورت دارد جواب
راه رفتن در بالای اساس که او را شادروان میگویند یا در بالای
دیوار حجر آن شوط باطل خواهد بود سؤال دست بخانه کعبه
زدن در حال طواف جایز است جواب احوط بلکه اقوی نزدن
دست است از آنجائیکه شادروان در او است سؤال هرگاه
طواف را بجا بیاورد ولی کمتر از هفت شوط چه صورت دارد
جواب هفت شوط واجب است پس اگر کمتر از هفت شوط

بجا بیاورد اگرچه بعد از یک گام باشد صحیح نیست اطواف سؤال
موالات شرط است در میان شوطها جواب اعتبار موالات
موافق احتیاط بلکه قویست سؤال دو رکعت نمازیکه بعد از
طواف واجب است در طواف مستحب هم واجب است جواب وجوب
دو رکعت مختص بطواف واجب است و در طواف مستحب مستحب است
سؤال هروله در طواف مستحب است جواب قول باو ضعیف
است بلی مستحب است ذکر نمودن خدا تعالی در اثنای طواف و خواندن
ادعیهٔ ماثوره و صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله
هر وقتیکه برسد بدر کعبه سؤال جایز است سخن گفتن در اثنا
طواف جواب جایز است سخن گفتن اگرچه مکروه است سخن گفتن
از امور دنیا بلکه بعضی گفته اند که نخورد و نیاشامد و خمیازه
نکشد و لغو و عبث نکند و امثال اینها از چیزهائیکه منافی
توجه بخداوند است اجتناب نماید و این فتوی حق است چون
طواف هم نوع عبادتیست سؤال زیاده از هفت شوط کردن
در طواف واجب جایز است جواب حرام است زیاده از هفت
شوط چه آن زیاده در ابتدا باشد یا در اثناء یا در آخر یا بن قسم
که قصد زیادتی نماید و فرقی نیست در حرمت زیاده میان
آنکه بسیار باشد یا کم اگرچه بقدر یک گام باشد سؤال زیاده

زیادتی شوط این حرام است و مبطل طواف نیست جواب حرام
و مبطل طواف است مثل زیاده کردن یک رکعت در نماز عمداً پس
زیادتی از روی عمد مبطل است خواه با علم بحرمت خواه با جهل
بآن سؤال اگر زیاده از روی سهو باشد چه صورت دارد
جواب اگر به رکن اول نرسیده است باید قطع کند شوط را و
اگر رسیده باشد چهار دیگر شوط را اکمال نماید و آنها را تمام دو
طواف حساب نماید سؤال در این صورت طواف اولی محسوب
میشود یا ثانی جواب در مسئله دو قول است و اول اظهر است
و ظاهر میشود فایده در جواز قطع طواف دوم و در احکام شک
سؤال طواف دوم را به چه نیت بجا بیاورد جواب بقصد
قربت بدون ملاحظه وجوب یا استحباب سؤال چهار رکعت
نماز بجهة دو طواف چه وقت بکند جواب دو رکعت اول را
پیش از سعی بقصد وجوب و دو رکعت بعد از سعی بقصد استحباب
سؤال در صورت زیادتی سهوی بعد از اکمال طواف میتواند
اعاده بکند طواف را جواب احوط اعادهٔ طواف است بعد
از اکمال در این صورت سؤال حرمت زیادتی در طواف مخصوص
است بطواف واجب جواب کلمات علما اگرچه مقید به
واجب است ولی وجهش معلوم نیست و مقتضای عدم بطلان

طواف

طواف است مطلقا **سؤال** حرمت زیادتی در طواف مختص است
بصورتیکه زیاده را بقصد طواف بیاورد **جواب** بلی هر
اگر بقصد طواف بیاورد حرام نیست **سؤال** قران در طواف
که مکروه است عبارت از چه چیز است **جواب** عبارتست از
اینکه دو طواف را متصل بیکدیگر بکند بدون اینکه نماز طواف
از برای طواف اول بکند **سؤال** این کراهت در طواف مستحب
است **جواب** در طواف واجب مؤکد است کراهت احوط
ترک قران است مطلقا مگر در حال تقیه **سؤال** اگر طواف‌دهنده
در حالتیکه عالم بود به بدن یا به لباس نجاستی داشت چه
صورت دارد **جواب** بعد از اینکه اطلاع یافت بر اینکه نجاست
مانع است اعاده کند طواف را **سؤال** اگر عالم بنجاست بود
ولی جاهل بحکم بود چه کند **جواب** اگر مقصر بوده طواف
او باطل است و اگر مقصر نبوده عملش صحیح است ولکن احوط
اعاده است **سؤال** اگر عالم بحکم بود ولی جاهل بنجاست
عملش صحیح است یا نه **جواب** واجب نیست اعاده طواف
بر آن بلی اگر عالم بود پیش از طواف و فراموش کرد تا بعد
از طواف احوط بلکه اظهر اعاده است **سؤال** اگر در اثنای
طواف عالم بنجاست شد چه باید کرد **جواب** ازاله نجاست بکند

بکند و باقی طواف را تمام نماید سؤال اگر در اثنای طواف نجاست عارض شد تکلیفش چیست جواب اکتفا نماید با تمام طواف بعد از ازالهٔ نجاست سؤال اگر شک کند در اثنای طواف در طهارت از حدث چه کند جواب واجبست که تحصیل طهارت را نماید و طواف را از سر بگیرد چنانچه از علامه علیه الرحمة منقول است سؤال اگر بعد از فراغ از طواف شک نماید در طهارت چه حکم دارد جواب طواف ان صحیح و اعاده بر او لازم نیست سؤال جائز است قطع طواف پیش از تمام کردن ان جواب احوط بلکه اقوی عدم جواز قطع طواف است از برای مجرد خواهش خود اگر چه جائز است بجهة مطلق حاجت و شغل خصوصا اگر حاجتی داشته باشد مثل عیادهٔ مریض و دخول وقت فریضه سؤال در صورت جواز باید او را ترک کند یا انکه از انجائیکه مانده است تمام نماید جواب در طواف مستحب اقوی ترک ان است از اصل و اما طواف واجب پس حکمش خواهد امد سؤال اگر کسی طواف را کمتر از هفت شوط بجا بیاورد چه کند جواب واجب است تمام اگر در طواف کاه بوده باشد و از او فعل منافی صادر نشده باشد اگر چه طولی باشد که منافی با موالات باشد بنا بر اشتراط موالات سؤال اگر طواف را موقوف نموده باشد و مشغو

ماید دیگر

با مرد بکر شده باشد بنوعیکه در عرف طواف کننده نمیکویند
او را چه کند **جواب** اکر عامد باشد در ترك و طواف هم واجب باشد
پس اکر پیش از کذشتن از نصف باشد از سر بکیرد بنا بر اقوی **سؤال**
اکر نقصان در شوط از روی سهو و فراموشی باشد در طواف
واجب باید از سر بکیرد یا نه **جواب** واجبست که طواف را از سر
بکیرد اکر از نصف نکذشته باشد و اکر از نصف کذشته باشد از
جائیکه مانده تمام کند **سؤال** اکر در اثنای سعی بخواطرش آمد
که طواف را ناقص کرده چه کند **جواب** طواف و سعی را تمام میکند
خواه از نصف کذرانیده باشد یا نه و احوط استیناف هر دو است
بعد از اتمام **سؤال** اکر ترك بعضی از طواف بجهة عذر باشد
مثل حیض و مرض و عارض شدن حدث و طواف هم واجب باشد
چه باید کرد **جواب** اعاده بکند طواف را پیش از کذشتن از
نصف و از آنجا که مانده اتمام کند بعد از کذشتن از نصف **سؤال**
اکر ترك از جهة دخول وقت نماز واجب بود با سعه وقت و
طواف هم واجب بود از سر بکیرد یا نه **جواب** از آنجا که مانده
است تمام میکند طواف را مطلقا خواه از نصف کذشته باشد
یا نه **سؤال** در طواف مستحب همچنین است حکمش در این صورت
مذکوره **سؤال** مراد از نصف طواف چه چیز است **جواب**

نصف

نصف طواف عبارتست از سه شوط و نیم سؤال دراینجا که
حکم شد با تمام طواف جایز است از سر گرفتن جواب بعضی گفته
اند از سر گرفتن جایز است اگر چه گناه کرده است واحوط آن است
الا در جای اتمام از جائی که مانده تمام کند و از سر نگیرد و باید از
جای قطع تمام نماید نه از رکن سؤال اگر شک کنند در عدد شوطها
چه باید بکند جواب اگر بعد از فراغ و مشغول شدن بفعل
دیگر شک کرده است طواف او صحیح است مثل سایر عبادات
سؤال اگر در اثنای طواف شک نماید در عدد چه کند جواب
اگر هفت شوط را یقین کرده و شک در زیاده تنها دارد طواف را
قطع کند و عملش صحیح است سؤال اگر در اثنای شوط باشد
و یقین به هفت نداشته باشد چه صورت دارد جواب طواف
او باطل است سؤال اگر شک کند که آیا هفت شوط کرده است
یا شش شوط حکمش چیست جواب واجب است اعاده طواف
واحوط تمام و اعاده آن است سؤال اگر در طواف مستحب
در این صور چیست جواب بنا را بر کمتر گذارد و اتمام
نماید سؤال واجب است که طواف پیش از سعی باشد یا نه
جواب بلی واجب است که پیش از سعی باشد سؤال
طواف رکن حج و عمره هست یا نه جواب بلی رکن است

اگر در حج ترک کند حج او باطل است و واجبست اعاده آن و اگر در
عمره ترک کند عمره او باطل است و واجبست اعاده آن **سؤال**
اگر ترک طواف از روی جهل باشد حکمش چیست **جواب**
مثل عمد است لازم است بر او که در این صورت یک شتر قربانی
کند **سؤال** اگر از روی نسیان طواف را ترک کند چه صورت
دارد **جواب** قضا کند آن را و [illegible] بیابد و باطل
نمیشود بسبب ترک آن اعمالی که بجا آورده است مگر سعی پس واجب
است اعاده آن **سؤال** قضا را با نفس خود بجا آورد **جواب**
اظهر وجوب مباشرت است مگر در صورتی که ممکن نباشد مباشرت
یا موجب عسر شود پس نایب بگیرد کسی را که قضا کند از جانب وی
سؤال اگر قضا نکرد و مرد چه باید کرد **جواب** قضا کند
ولی بمباشرت یا بنایب گرفتن **سؤال** ترک طواف که موجب بطلان
میشود در صورت عمد تا چه وقت است **جواب** طواف حج
وقتش تا بخارج شدن ذی الحجه است پیش از آنکه حج را بجا آورد
و بعد طواف عمره تمتع بقاصر آمدن وقت است از عمره و از احرام
بحج و وقوف و در طواف عمره که با حج قران یا افراد جمع میشود
بتمام شدن سال است **سؤال** اگر کسی عمدا طواف را ترک
کرد حلال شدن باره او محرم است احرام یا نه **جواب** حلال نیست
بجهت

بجهت آنکه اخلال بطواف از روی عمد موجب بطلان تمام عمل می
شود و از جملهٔ او احرام است لکن احوط اجتناب است از محرمات
احرام تا وقتیکه ثانیاً او را بر وجه مشروع بجا آورد **سؤال** اگر
شک کند در اینکه متروک طواف حج است یا طواف عمره چه کند **جواب**
اعاده کند هر دو را با سعیهای آنها لکن اقوی اکتفا نمودن است
باعاده یک طواف به نیت آنچه در ذمهٔ او است **سؤال** کسیکه
ترک کند طواف را و مجامعت کند با زن خود پیش از قضا واجبست
بر او کفاره یا نه **جواب** واجب نیست کفاره اگر ترک آن از روی
عمد باشد بنا بر اظهر و اگر از روی جهل باشد کفاره او یک
شتر است و اگر از روی فراموشی بوده باشد در وجوب کفاره
خلاف است و بدانکه جاهل را از باب کفاره یک شتر قربانی کردن
لازم میشود در صورتیکه از او ترک طواف صادر شود حتی
اگر مجامعت نکرده باشد پس در این صورت حکم او مخالف حکم
عامد و ناسی میباشد **سؤال** اگر کسی طواف واجب را بجا
آورد بعد از آن بخاطرش آمد که متطهر نبوده است چه باید بکند
جواب واجب است بر او اعاده طواف و نماز آن اما در طواف
مستحب اعاده لازم نیست لکن تحصیل طهارت نموده نماز را
اعاده میکند **سؤال** اگر کسی از جهت مرض قادر بطواف

نباشد تکلیفش چیست جواب کسی دیگر او را بردارد تا طواف
بکند و اگر این هم ممکن نشد بجهت باقی ماندن طهارت او که مانع است
از دخول مسجد و نخوان کسی دیگر طواف میکند از جانب او و نماز
طواف را بنا بر احتیاط بجا میآورد سؤال اگر در اثنای طواف
برای زن حیض یا نفاس اتفاق افتاد چه کند جواب آن
شوطها که بجا آورده باطل است خواه از نصف گذشته باشد
یا نه بنا بر اشهر و اقوی و اما مستحاضه پس او در حکم طاهر است
اگر بجا آورد آنچه را که واجب است بر او از عمل استحاضه سؤال
پس از فراغ طواف واجب است مبادرت نمودن بسوی سعی یا نه
جواب اولی مبادرت است اگرچه جایز است تاخیر سعی تا
آخر شب بلکه تا فردا بنا بر اظهر سؤال اگر طواف او درست
باشد سعی را تا چه وقت میتواند تاخیر بیندازد جواب بعید
نیست که جایز باشد تاخیر سعی تا آخر روز اگرچه احوط خلاف
آن است و اگر در این هنگام تاخیر کند تا فردا مثلا معصیت
کرده است لکن سعی او مجزی است سؤال اگر نذر کند که طواف را
بچهار دست و پا بکند نذر او منعقد میشود جواب دور
نیست که بگوییم با وجود طواف واجب اگر نذر را مقید کرده
بطواف معین در شرع مثل طواف حج یا عمره دور نیست که بگوییم در این

در این هنگام بر او دو طواف غیر از حج مفرد مشروع و واجب می‌شود
و اگر ممکن نشود از برای راه رفتن ممکن بچهار دست و پا رود
نیست که بگوییم معین است بر او که طواف را سوار بکند سؤال
جایز است اعتماد کنند در عدد شوطها بقول غیر از کسانیکه با او
مشغول شوط بوده‌اند جواب جایز است هر چند عادل نباشند
اگرچه طریقهٔ احتیاط الاولی انا است سؤال اگر زن خون حیض
یا نفاس دید پیش از طواف و عذر مانع شد او را از طواف و بقیهٔ
افعال عمره او جهت تنگی وقت چه کند جواب اشهر و اظهر
آن است که عدول نماید بسوی حج افراد و مناط در معذور بودن
حایض و نفسا که موجب جواز عدول می‌شود تنگ شدن وقت
است از ادراک وقت زوال روز نهم در عرفات سؤال اگر
زن بعد از طواف دو رکعت نماز او حایض شود صحیح است از او
عمرهٔ تمتع یا نه جواب صحیح است از او عمرهٔ تمتع و واجب است
بر او در این هنگام سعی و تقصیر بجهت موقوف نبودن اینها
بر طهارت سؤال دو رکعت نماز طواف واجب است جواب
بلی واجب است در طواف واجب و مستحب است در طواف مستحب
سؤال دو رکعت نماز را در کجا بجا بیاورد جواب
واجب است که پشت مقام ابرهیم بجا بیاورند و بهتر مکه عرفا
بگویند

بگویند که نماز را نزدیک مقام کرد سؤال اگر ممکن نشد بجهة
اضطرار بدان جای مذکور نماز کند چه کند جواب جایز است
دور شود با مراعات کردن پشت سر مقام یا بر یکی از دو جانب آن
سؤال اگر آن هم نشد و نرسد از تنگی وقت چه کند جواب
جایز است نماز کردن در هر جایی که بخواهد از مسجد و احوط در
این صورت و سایر اوقات آنست که نماز را در اقرب اماکن بسوی مقام
بجا آورد سؤال نماز طواف مستحب هم چنین است در حکم
جواب مکان او عبارتست از هر جایی که بخواهد از مسجد
سؤال اگر نماز طواف را فراموش کرد چه کند جواب واجب
بر او رجوع کردن بسوی مقام در صورت امکان و نبودن
مشقت سؤال اگر ممکن نشود برگشتن یا مشقت داشته باشد چه کند
جواب بجا می آورد نماز را در جایی که بخاطرش بیاید
سؤال اگر از مکه بیرون رفته بخاطرش بیاید کجا نماز را
بکند جواب واجب است برگشتن بسوی مقام در صورت
امکان و بی مشقت اگر چه احوط رجوع بمکان است اگر مشقت هم
داشته باشد سؤال اگر ممکن نشود رجوع بمقام چه کند جواب
احوط رجوع کردن بمسجد است و بجا آورد نماز را در آنجا
سؤال در وقتیکه از مکه بیرون رفته است و بخاطرش آمد

امدکه نماز را نکرده است نتواند نائب بگیرد یا اینکه خود باید در
انجا بجا بیاورد جواب جایز است از برای او گرفتن در واقع
ساختن نماز را در مقام سؤال جاهلیکه مثل ناسی است در
احکام مذکوره کدام جاهل است جواب انکسی است که جاهل
باصل وجوب نماز بوده باشد از برای طواف باد مقام سؤال
شخصی عمدا اگر نماز را ترک کرد مثل ناسی است جواب نه بلکه واجب
است بر او رجوع نمودن با امکان و در صورت عدم امکان
ذمه او مشغول میماند تا وقتیکه تمکن حاصل شود سؤال کسی
که عامدا ترک طواف بعد از طواف کرده است صحیح است جواب
صحیح است اگر چه بعض متاخرین در صحت این فعل اشکال کرده
است سؤال جاهل مقصر در افعال نماز یا در مقدمات آن
تکلیفش چیست جواب مثل عامد است در صورتیکه جهل
او موجب بطلان عمل شود مثل کسیکه صحیح نباشد وضو یا غسل
یا قراءة او و لهذا لازم است خصوصا بر حجاج تصحیح نماز خود را
از جمیع جهات و بهتر آنست که نماز طواف را در مقام بجماعت کند
تا از عهده قراءة فارغ شود سؤال جایز است اقتدای نماز
طواف بفریضه جواب جایز است و احوط اقتدای صلوة
طواف است بصلوة طواف سؤال اگر ناسی نماز بمیرد پیش

از انکه

زانکه از اینجا بیاورد چه باید کرد جواب باید علی الفور قضا
کند سؤال نماز طواف را واقع بسازد در اشهر حج یا نه
جواب وقوع او در اشهر حج موافق با احتیاط است سؤال
نماز طواف را در اوقاتیکه نافلهٔ مبتدئه در آنها مکروه است می
تواند بجا بیاورد جواب نماز طواف واجب را هر وقت میتوان
کرهتی در این اوقات بلکه نماز طواف مستحب هم چنین است بنابر
اظهر سؤال اگر طواف کند در وقت نماز یومیه میتواند نماز
طواف را پیش از یومیه بجا بیاورد جواب اولی مقدم داشتن
یومیه است بر او مطلقا اگرچه عکس هم جایز است مگر در حال ضیق
وقت یومیه سؤال اگر در وقت نماز طواف نماز کسوف
اتفاق افتاد چه کند جواب اولی مقدم داشتن نماز واجب است
بر مستحب و مخیر است میان دو واجب سؤال اول وقت نماز
طواف چه وقت است جواب وقت فارغ شدن از طواف است
و مستحب است که مبادره نماید بسوی افعال بلکه بعد از آن است
سؤال لازم است در نماز طواف نیت ادا کردن جواب شرط
نیست در نماز طواف نیت ادا اگرچه احوط است امر سیم
در کیفیت سعی و افعال آن است سؤال مقدمات سعی که مستحب
است پاره از آنها را بیان فرمائید جواب مستحبات بسیار

بسیار است از آنجمله طهارت از حدث است و طهارت لباس و بدن
از نجاست و مالیدن خود است بحجر اسود و بوسیدن آن است با
امکان و اشاره بسوی آن با عدم امکان و آب خوردن از زمزم
و ریختن آب آن بر سر و بدن بعد از مباشر خود در کشیدن آب
از چاه بدلوی که مقابل حجر اسود بوده باشد اگر ممکن باشد و اگر ممکن
نباشد پس از دلوهای دیگر و خواندن ادعیه ماثوره است و بیرون
رفتن است از برای سعی از باب الصفا که مقابل حجر است و رفتن
با سکینه و وقار است تا اینکه برود بالای صفا پس رو برکن
عراقی نماید و نظر بخانهٔ کعبه کند و حمد کند خدا را و ذکر کند
نعمتهای او را و ادعیه وارده را بخواند و ایستادن بر صفا
بمقدار زمانی که سورهٔ بقره را در آن بتأنی بتوان خواند و
ایستادن بر صفا در شوط دویم کمتر از شوط اول **سؤال**
واجبات سعی چند چیز است **جواب** پنج چیز است اول نیت
است با این نوع که سعی میکنم یعنی راه میروم ما بین صفا و مروه
در عمرهٔ تمتع مثلا واجب قربة الی الله دویم آن است که هفت شوط
سعی نماید و مراد از شوط در اینمقام یکمرتبه راه رفتن است ما
بین صفا و مروه که از صفا تا مروه شوط اول است و از مروه
تا صفا شوط ثانی و همچنین تا آخر سیم ابتدا کردن است بصفا

در اول

در اول سعی و ختم کردن است بمروه و در آخر سعی باین نحو که بعد از
نیت پاشنه پا را بصفا چسبانند شروع برفتن بسمت مروه
نماید تا برسد بمروه یعنی انگشتهای دو پا بمروه برسد تا نوبت
شوط اول تمام میشود بعد از آن بقصد شوط ثانی نماید پاشنه دو
پا را بمروه بچسبانند پس شروع برفتن بسوی صفا نماید تا برسد
بصفا مثل اول تا نوبت شوط دوم تمام میشود و همچنین تا آخر چهارم
رفتن است از هر یک از صفا و مروه بسوی دیگری بطریقه متعارف
پنجم آنکه در همین رفتن از صفا بمروه پشت بصفا نموده و رو بجانب
مروه نماید و در همین رفتن از مروه بجانب صفا پشت بمروه نموده
رو بصفا پس باید رو بمطلوب باشد **سؤال** نیت را چه وقت
بکند و تا کجا قاصد باشد **جواب** نیت باید مقارن عمل باشد
و استدامه حکمیه داشته باشد تا فراغ از آن **سؤال** اگر رفتن
از صفا بمروه و برگشتن از مروه بصفا را یکشوط قرار دهد
بهمین قسم تا آخر مجزی است از سعی **جواب** عمل او باطل است
چون واجب است ابتدا از صفا و ختم بمروه و ابتداء بمروه و ختم
بصفا که رفتن از صفا بمروه و از مروه بصفا دو شوط حساب کند
سؤال واجب است پاشنهای پای خود را بچسبانند بصفا و
انگشتان خود را بچسبانند بمروه **جواب** بلی واجب است درهفت

در هفت شوط چنین کند دو رفتنکه بالای صفا نرفته باشد
واکر به بالای صفا یا مروه رفته باشد اکتفا بهمان اخذ از مینماید
دیکر لازم نیست که در اول شوط عقب پاها را باول صفا یا باول
مروه بچسباند **سؤال** اکر ابتدای سعی را از مروه بکند صحیح است
جواب باطل است و واجب است اعاده کردن سعی در حالتیکه
ابتدا کند از صفا **سؤال** اکر از طریق متعارف برود باینکه داخل
مسجد شود از یک در واز در دیکر بیرون بیاید یا از سوق اللیل
عبور کند صحیح است **جواب** باطل است چون واجب است که
از طریق متعارف برود سواره یا پیاده **سؤال** اکر سینه خود را
بر زمین کذاشته خود را بکشد بسوی مطلوب یا بزانوها یا
دستها حرکت نماید صحیح است **جواب** در صحت سعی او در این
صورت اشکال است **سؤال** هروله در سعی واجبست **جواب**
مستحب است هروله نماید میان مناره اولی و مناره دیکر که نزد
بازار عطارها میباشد چنانچه مستحب است پیاده سعی نماید
و بعضی از علما هروله را واجب دانسته اند و هروله مخصوص
مردان است اما در باره زنان مستحب نیست **سؤال** اکر کسی
ترک کند سعی را تا وقت آن بکذرد حجش صحیح است **جواب**
باطل میشود حج او اکر سعی حج باشد و عمره او اکر سعی عمره
باشد

باشد بجهة آنکه سعی رکن است مثل طواف **سؤال** اگر زیاده
نمود از روی سهو چه کند **جواب** واجب است بر گردد
و بجا آورد اگر ممکن باشد بدون مشقت و اگر ممکن نباشد
نائب بگیرد و جهل در حکم عمد است نه سهو **سؤال** اگر در سعی
زیاد نمود چه صورت دارد **جواب** اگر از روی عمد بوده
است باطل میشود سعی او و اگر از روی سهو بوده باطل نیست
سؤال زاید را طرح نماید یا آنکه علاوه نماید بر او تا چهارده
شوط شود که دو سعی حساب شود یا آنکه مخیر است **جواب**
احوط طرح زاید است اگرچه ظاهر مخیر است میان طرح و اتمام
چهارده شوط اگر زاید شوط تمام بوده باشد و اگر تمام نباشد
معین است طرح آن و باقی صحیح است و حکم جاهل در اینجا حکم
ناسی است **سؤال** اگر کمتر از هفت شوط بجا بیاورد چه صورت
دارد **جواب** حرام است اگر از روی عمد ترک کرده است
تا وقتش فوت شده است و عمل او باطل است و اگر از روی
سهو بوده است ترک کرده را بجا بیاورد هر وقت بخاطرش
بیاید چون موالات در او واجب نیست و خواه کمتر از نصف
بوده باشد یا زیادتر **سؤال** اگر سهواً کمتر از هفت شوط
بجا آورد بعد از رسیدن بمنزل خود خاطرش آمد چه کند

جواب عود کند بمکه جهت تدارك اکر ممکن باشد و الا نایب
بکیرد سؤال در اینجا بنکه میتواند سعی را تمام کند مشروط
است باینکه از نصف کذشته باشد جواب احوط در صورت
کذشتن از نصف تمام است و بعد از ان اعاده اکرچه اقوی
کفایت تمام است سؤال اکر عمره تمتع کننده شش شوط
سعی کرد و علم یا ظن باتمام رسانید پس محل شد و با عیال
خود مجامعت یا ناخن خود را کرفت چه کند جواب واجبست
بر او که سعی را تمام کند و یك کاو قربانی نماید سؤال اکر یقین
داشته باشد بعدد شوطها و شك کند در ابتدا کردن از
صفا یا مروه چه باید کرد جواب اکر در بالای مروه بوده
باشد و عدد جفت باشد باطل است سعی او و اکر در بالای
مروه بوده باشد و عدد فرد باشد صحیح است و اکر در عدد
فرد بالای صفا بوده باشد باطل است و اکر در عدد جفت
بالای صفا باشد صحیح است سؤال اکر شك کند در عدد
شوطها و مردد شود میان کم بودن و تمام بودن سعیش صحیح
است جواب سعی او باطل است سؤال اکر مردد شود
میان زیاد کردن و تمام کردن چه حکم دارد جواب اکر
این تردید منافی با ابتدا کردن بصفا نباشد مثل شك در

میان

میان هفت شوط و نه شوط بعد از بودن در مروه سعی او صحیح
چیزی بر او نیست و اگر بر وجهی باشد که منافی با ابتدای از صفا
باشد مثل اینکه شک کند میانه هفت و هشت و حال آنکه در صفا است
باطل میشود سعی او **سؤال** اگر بیقین بنقصان نمود و حال اینکه
چهار شوط بجا آورده است تمام کند یا طرح نماید **جواب**
تمام نماید و اگر کمتر از چهار شوط اکر ده باشد احتیاط آنست
که اتمام کند و اعاده نماید اگر چه اظهر کفایت تمام است **سؤال**
اگر کسی قطع نماید سعی را جهت داخل شدن وقت نماز واجب یا
سعی وقت یا از برای حاجت مؤمن یا از برای تدارک نماز طواف
بعد از آنکه چهار شوط بجا آورده باشد چه باید بکند **جواب** تمام
کند سعی خود را از آنجا که قطع کرده است و اگر پیش از چهار
شوط قطع کرده است احوط اتمام و اعاده است اگر چه اقرب
کفایت کردن اتمام است **سؤال** جایز است سعی در حال سوار
و در محمل **جواب** عیب ندارد **سؤال** نشستن در اثنای
سعی جهة استراحت چه صورة دارد **جواب** اظهر جواز است
سؤال اگر مقدم داشت سعی را بر طواف از روی عمد تکلیفش
چیست **جواب** حرام است تقدیم و اگر مقدم داشت واجبست
که اول طواف را بجا آورد بعد از آن سعی را اعاده کند و همچنین بعد

چنین است حکم در صورت سهو **سؤال** اگر مقدم دارد سعی را بر بعض طواف از روی سهو چه کند **جواب** واجب نیست که طواف را از سر بگیرد بلکه سعی را تمام مینماید بعد از تمام نمودن طواف **سؤال** جایز است تاخیر سعی از روز طواف بغیر از آن روز **جواب** جایز نیست یا جایز است تاخیر در روز طواف تا آخر آن روز بلکه تا شب **سؤال** مریضی که خود ممکن نباشد سعی نماید چه کند **جواب** دیگری او را سعی میدهد یا نایب میشود دیگری از او بتفصیلی که در طواف گذشت **امر چهارم**

امر چهارم تقصیر است

در تقصیر است و آن جزء عمره است و واجب معین است در باره کسیکه از سعی عمره تمتع فارغ شود خواه تلبید نموده باشد یا نه **سؤال** تلبید عبارة از چه چیز است **جواب** عبارتست از اینکه عسل و صمغ بر سر مالد که موبها او بیکدیگر بچسبد که جرک و شپش میان آنها حاصل نشود **سؤال** جایز است برای کسیکه تقصیر نموده سر خود را بتراشد **جواب** بلی جایز است **سؤال** اگر تقصیر ننموده سر خود را بتراشد حکمش چیست **جواب** اقوی آنستکه مجزی از تقصیر نیست **سؤال** در سر تراشیدن تاود در اینصورت کفاره هست **جواب** اگر پیش از تقصیر سر تراشیده است شکی در وجوب قربانی

بر او نیست و اگر بعد از تقصیر بوده باشد مسئله محل تأمل است
بلی احوط قربانی کردن است چنانکه احوط وجوب آن است بر ناسی
و جاهل نیز اگرچه اقوی عدم وجوب آن است سؤال مسمای
تقصیر کفایت میکند جواب متحقق میشود مسمای او به بریدن
چیزی از موی یا ناخن هر کدام که بوده باشد سؤال تقصیر باید
بمقراض باشد جواب کفایت میکند بریدن اگرچه بناخن
یا بدندان باشد سؤال اگر تقصیر را ترک نمود تا داخل احرام
حج شد چه کند جواب اگر از روی فراموشی بوده باشد
عمره تمتع او صحیح است و لیکن باید یک گوسفند قربانی نماید
و اگر از روی عمد بوده باشد در مسئله خلاف است سؤال
بعد از تقصیر چه چیز بر محرم حلال میشود جواب حلال
میشود جمیع آنچه حرام شده بود بر او بسبب احرام مگر سر تراشیدن
و اگر طواف نساء در عمره تمتع واجب باشد بعضی بواسطه
او حلال میشود و بعضی بواسطه تقصیر و لیکن دلیل معتبری بر
وجوب نیست و لیکن مقتضای احتیاط بجا آوردن است سؤال
کسیکه وظیفه او عمره تمتع باشد از جهت تنگی وقت یا از جهت
عارض شدن حیض قادر بر اتیان عمره تمتع نشد چه کند
جواب اگر احرام بسته است عدول میکند بسوی احرام
حج

حج و اگر احرام نبسته است احرام می‌بندد از مکه از برای حج و اعمال
حج را با طواف نسا بجا می‌آورد و بعد از آن عمرهٔ مفرده بجا می‌آورد
مجزی می‌شود او را از آنچه بر او واجب شده است از حج تمتع **سؤال**
اگر عمره را باختیار خود باطل کند در حال ضیق وقت چه باید
کرد **جواب** ظاهر اینست که نیز منقلب می‌شود حج او بافراد
بعد از آن عمرهٔ مفرده بجا آورد لکن حکم بمجزی بودن آن از آن
چیزی که بر او واجب شده است محل اشکال است **مقصد دوم**
مقصد دوم
در بیان اعمال حج تمتع است و در آن چند فصل است **فصل**
اول در احرام است **سؤال** بعد از فراغ از اعمال عمره که
فصل اول
باید احرام ببندد بجهت حج در کجا احرام ببندد **جواب**
واجب است که احرام از شهر مکه ببندد **سؤال** افضل اوقات
احرام چه وقت است **جواب** افضل آنست که وقت زوال
روز ترویه که هشتم ذی الحجه است احرام ببندد **سؤال** جایز
است طواف پیش از احرام **جواب** مستحب است تقدیم طواف
بر احرام بنا بر اظهر و مستحب است در آن جمیع آنچه مستحب است
در احرام عمره **فصل دوم** در بیان وقوف در عرفات
فصل دوم
است **سؤال** بیرون رفتن از مکه بسوی عرفات واجب است
جواب بلی واجب است بیرون رفتن و بهتر آنست که در

روز

روز ترویه بیرون برود سؤال رفتن از مکه بمنی در روز
ترویه واجبست جواب مستحب است و بروند و فرود آیند
در منی و باشند تا صبح و بعد از آن واجبست حرکت بعرفات
سؤال حد منی چه قدر است جواب حد منی از عقبه است
تا وادی محسر سؤال میتوانند روز بار سه روز پیش از روز
ترویه بیرون برود جواب بلی جایز است در باره کسیکه
از ازدحام مردم بترسد یا از عارض دیگر خوف داشته باشد
سؤال شب عرفه را در منی بسر بردن تا فجر طالع شود واجب
است جواب واجب نیست بنا بر اقوی و مشهور و اقوی
آن است که شب در آنجا ماندن عبادتست پس باید با نیت کند
مثل غیر آن از عبادات و اعمال حج اگر چه بسبب ترک آن کفاره واجب
نمیشود سؤال نیتی که واجبست در وقوف چه نوع نیت
کند جواب واجبست که قصد کند وقوف عرفات را بجا
میآورم از ظهر امروز تا شب در حج تمتع از حجة الاسلام
از جهة اطاعت امر خدا سؤال چه وقت نیت کند جواب
وقت نیت اول وقت وجوب کون در عرفات است سؤال
وقوف در عرفات که واجب است مراد از او چه چیز است جواب
مراد از وقوف مجرد ماندن است در آن خواه بیدار باشد یا

خوابیده ایستاده باشد یا نشسته اگرچه بعض احوال بهتر است
از بعض دیگر سؤال میزان در شناختن عرفات چه چیز است
جواب اشخاصیکه در آن حدود ساکن هستند اهل خبره
باشند و قولشان معتبر است سؤال افضل موقف عرفات
کجا است جواب افضل دامنه کوه است سؤال اگر وقوف
کند در غیر عرفات مجزی است جواب مجزی نیست اگرچه
از حدود عرفات بوده باشد مثل بطن عرنه و نمره و ثویه و ذی
المجاز و یا پائین از اراک و امثال اینها از جاهائیکه در پیش
اهل خبره معلوم است که داخل در عرفات نیستند سؤال اگر
وقوف در عرفات را بجا آورد بدون نیت مجزی است یا نه
جواب اگر جنون یا بیهوشی یا مستی یا غفلت یا نادانی از اعتنا که
مستوعب شود حتی اگر تمام وقت را بخوابد بدون نیت آن
وقوف مجزی نیست سؤال اگر وارد عرفات شود و نداند
تا وقت خارج شدن چه کند جواب مجزی نیست چنانکه اگر
وقوف عرفات را در روز ترویه یا روز عید قربان بجا
آورد از روی غلط یا تقیه مجزی نیست بنا بر اظهر سؤال
اگر ثابت شد رؤیت هلال در نزد عامه و در نزد خاصه
ثابت نشد باین معنی که روز عرفه در نزد عامه روز ترویه

میشود

شود در نذر خاصه چه باید کرد **جواب** اگر مخالفت ایشان
در بیرون رفتن بسوی عرفات ممکن شود با خوابیدن باشد
در عرفات تا صبح که وقت عرفه را در آنجا ادراک کند یا آنکه بر وقوف
ورزد ار رجوع کند پیش از غروب بعرفات از برای ادراک وقوف
اختیاری عرفات یا بعد از غروب آفتاب از برای ادراک وقوف
اضطراری واجبست که چنان کند تا ادراک کند وقوف اختیاری
یا اضطراری پس برود بسوی مشعر و ادراک میکند وقوف
از او بجا میاورد اعمال العید را **سؤال** اگر اصلا ممکن از
وقوف نشد چه کند **جواب** اگر وقوف مشعر ممکن شود
کفایت میکند و اگر آنهم ممکن نشد حج او درین سال باطل است
سؤال واجبست که وقوف عرفات بعد از زوال بوده
باشد **جواب** بلی اگر وقوف پیش از زوال بجا بیاورد
مجزی نیست **سؤال** وقت اختیاری و اضطراری وقوف
عرفه را بیان فرمائید **جواب** وقت اختیاری از زوال
آفتاب روز نهم است تا غروب آفتاب روز و هر وقت از آن که
حاضر شود ادراک حج کرده است اما اضطراری از غروب
آفتابست تا صبح روز دهم **سؤال** واجبست استیعاب همه
وقت را در موقف بر وجه تحقیق **جواب** واجب نیست

بر سبیل

بر سبیل تحقیق بلکه باید در آن همه وقت را در موقف کند بجهت
عرفه پس ضرر ندارد مشغول شدن بمقدمات مستحبه در
حد عرفه سؤال واجبست وقوف عرفه منتهی شود بغروب
جواب بلی واجبست پس جایز نیست کوچ کردن از آنجا پیش
از غروب سؤال هرگاه دو نفر تنها ماه اول ذی الحجه را
دیدند و شهادت ایشان نشنوند واجبست بر ایشان که موافق
رؤیه خود وقوف را بجا آورند یا مثل بعض حاج نمایند جواب
واجبست عمل برؤیه خود نمایند هر چند مخالفت نمایند
مردم از ایشان و واجب نیست بر آنها که وقوف کنند بار دیگر
سؤال واجبست که وقوف را در دامنه کوه بجا آورند
جواب واجب نیست بلکه مستحبست چنانچه مستحبست
که غسل کند و خیمه خود را در نمره بزند در زمین هموار
و اینکه در حالت وقوف با طهارت باشد و اینکه جمع کند میان
نماز ظهر و عصر بیک اذان و دو اقامه و اینکه صرف کند اوقات
وقوف را در ذکر و دعا و بعضی این را واجب دانسته اند سؤال
اگر کسی بعضی از وقوف اختیاری را ترک نمود باین نحو که
بعد از زوال بیاید یا اینکه پیش از غروب بیرون برود
از عرفات و برگردد پیش از غروب برود و برنگردد حجش
صحیحست

صحیح است جواب اشکالی نیست در اینکه معصیت کرده است
اگرچه حجش در هر سه صورت صحیح است ولکن در صورت اخیر واجب
است بر او کفاره و آن یک شتر است و اگر عاجز شد از او هیجده روز
روزه بگیرد سؤال اگر از روی جهل بعض وقوف را ترک نمود
چه صورت دارد جواب حج او صحیح و کفاره بر او نیست و
ناسی هم در حکم جاهل است سؤال اگر عالم شد در صورت
جهل یا بخواطرش آمد در صورت نسیان چه کند جواب واجب
است بر او رجوع بموقف پیش از غروب با امکان سؤال
اگر وقوف اختیاری را از روی عمد ترک نمود حج او صحیح است
جواب حجش باطل است چون وقوف اختیاری بعد عرفه رکن
است سؤال اگر ترک شود وقوف اختیاری از روی اضطرار
باین نحو که فراموش نمود یا نرسید از جهت تنگی وقت یا بجهت
عارض شدن عذری چه کند جواب حج او صحیح و کفاره
هم لازم نیست و واجبست تدارک آن در شب عید اگرچه پیش
از طلوع صبح صادق بوده باشد در صورت تمکن از ادراک مشعر
پیش از طلوع آفتاب و اگر متمکن نشود اکتفا مینماید بوقوف مشعر
سؤال هرگاه معارضه کند اختیاری مشعر الحرام با اضطراری
عرفه کدام را اختیار نماید جواب اختیاری مشعر اولی است

و وقوف

و وقوف عرفات در فرض مذکور مجزی است یا نه بکند **سؤال**
اگر نیت نیابد و وقوف اضطراری عرفات را از روی عمد بعد از
فوت شدن وقوف اختیاری چه صورت دارد **جواب** حج
او باطل است **سؤال** اگر فوت شود وقوف اضطراری چنانچه
فوت شده است وقوف اختیاری حج او صحیح است در صورتی
که وقوف مشعر بعد از یافتن وقتی باشد **جواب** باطل نیست
حج اگر وقوف اختیاری مشعر را دریابد بلکه حکم چنین است
اگر وقوف اضطراری مشعر را دریابد **سؤال** شرط است در
وقوف طهارت و ستر عورت و استقبال **جواب** واجب نیست
هیچ یک از اینها اگرچه مستحب است **فصل ششم** در وقوف
مشعر است **سؤال** حرکت کردن از عرفات چه وقت واجب است
جواب واجب است کوچ کردن از عرفات بعد از غروب آفتاب
از جهت مقدمه بودن وقوف مشعر **سؤال** نماز مغرب و عشا
کجا بجا آورد **جواب** مستحب است که تأخیر نماید تا در
مشعر بجا آورد اگرچه ربع شب بلکه ثلثان بگذرد **سؤال**
نیت در وقوف مشعر واجب است **جواب** بلی واجب است به وجهی
که گذشت از اعتبار قصد و تعیین نیت وقوف محقق نمی‌شود
سؤال وقوف باید در مشعر باشد یا در عرفات از خارج
بامنهای

فصل ششم در وقوف مشعر

با منیهای او کفایت میکند جواب واجب است که در مشعر باشد
و جایز نیست وقوف ما بین مازمین و حیاض یا وادی محسر سؤال و
جایز است میل نمودن بطرف بالای کوه جواب جایز است با
ازدحام و بدون آن احوط ترک است سؤال وقت اختیاری
و اضطراری وقوف را بیان فرمایید جواب وقت اختیاری
وقوف مشعر الحرام از طلوع صبح روز عید است تا طلوع آفتاب
از روز و وقت اضطراری تا ظهر روز عید است سؤال
وقوف مشعر در وقت اضطراری مجرد مسمی کفایت میکند یا نه
جواب واجب در این وقت مجرد مسمی است اگرچه استمرار
احوط است سؤال مرد مختار میتواند قدری از شب را اضافه
نماید بر ما بین الطلوعین جواب احوط اضافه نمودن بر ما
بین الطلوعین است و وقوف شب را تا صبح سؤال در نیت وقوف
تجدید نیت لازم است جواب اگر قصد کرده باشد در
شب مطلق وقوف را احوط تجدید نیت است و اگر مقصود شب را
بسر بردن بوده است لازم است بجا آوردن نیت بعد از صبح سؤال
اگر نیت وقوف نمود در مشعر در وقت بعد از آن خوابید
یا دیوانه یا بیهوش شد چه کند جواب حجش صحیح است
سؤال اگر نیت وقوف را در غیر مشعر یا در غیر وقت وقو

نمود بعد از آن عارض شد از برای او یکی از امور مذکوره که وقوف
در مشعر را در وقت بهمان حال نداند اگر چه صورة دارد جواب
وقوف او در این صورت صحیح نیست سؤال طهارت در وقوف
مشعر شرط است جواب مستحب است طهارت مثل استحباب
غسل از برای وقوف سؤال شب را در مشعر بودن واجب است
جواب وجوب را نسبت ببعضی داده اند و این احوط بلکه
اقوی است سؤال کسیکه علم داشته باشد باینکه متمکن
نخواهد شد از ادراک وقوف بین الطلوعین و نیز بعد از آن
یا از ادراک او بخصوص واجب است وقوف شب را جواب
جایز نیست ترک او وقوف شب را اگر قائل شدیم بصحیح بودن
حج با وقوف شب چنانچه مذهب قوی است و اگر قائل نشدیم
جایز است ترک وقوف شب را مطلقا سؤال جایز است ترک
وقوف ما بین الطلوعین عمدا جواب جایز نیست و اگر کوچ
کرد پیش از فجر از روی عمد باید یک گوسفند قربانی کند سؤال
این قربانی از برای کوچ است یا از برای ترک وقوف ما بین الطلوعین
جواب در مسئله دو وجه است سؤال کسیکه فوت شده
باشد وقوف از او و پیش از طلوع آفتاب جایز است که ترک کند
وقوف بعد از طلوع آفتاب را جواب جایز نیست ترک

و وقوف

وقوف بعد از طلوع را ملکه تمام میکند حج خود را بان وقوف
سؤال کسیکه حج از او فوت شده باشد واجبست بر او وقوف
بعد از طلوع اما بر او جواب واجب نیست در باره او این
وقوف سؤال کسیکه ترک نماید عمدا وقوف در مشعر را در
شب عید و حج او چه صورت دارد جواب حج او باطل میشود
واگر از روی اضطرار بوده باشد حج او صحیح است اگر ادراک
کرده باشد وقوف اختیاری عرفه را سؤال هرگاه کسی ترک
نماید وقوف عرفه و وقوف مشعر را چه کند جواب حج او
باطل است خواه از روی عمد باشد یا از روی فراموشی یا
از روی جهل سؤال کسیکه تنها وقوف اختیاری عرفه را
ادراک نماید حجش صحیح است یا نه جواب حق صحیح است در باره
جاهل و ناسی و ساهی و عدم صحت است در باره عامد سؤال
کسیکه تنها وقوف اضطراری عرفه را درک نموده باشد چه
صورت دارد حجش جواب حج او صحیح نیست باتفاق علماء
سؤال هرگاه کسی تنها شب عید را در مشعر ادراک نماید
ان وقوف اضطراری مشعر است تکلیفش چیست جواب
اقوی حکم بصحت حج او است سؤال کسیکه تنها وقوف اختیاری
مشعر را ادراک کرد حجش صحیح است یا نه جواب حج او صحیح است
باجماع

باجماع علما اما رضی سؤال هرگاه کسی وقوف اضطراری نهاری
مشعر را تنها ادراک نماید چه صورت دارد جواب اگر وقوف
عرفات را عمدا ترک کرده است حج او باطل است و اگر از روی اضطرار
ترک کرده است در او خلاف است و اقوی عدم صحت حج او است
سؤال اگر ادراک نمود وقوف اختیاری عرفه را و وقوف اضطراری
مشعر را اگر در شب عمدا است درک نمود و وقوف نهاری مشعر
حجش صحیح است جواب حجش صحیح است اگر چه ترک از روی عمد
بوده باشد لکن عاصی خواهد بود اگر ما بین طلوعین را عمدا
ترک نماید و باید یک گوسفند قربانی کند چنانچه حجش اجماعا
صحیح است اگر درک نماید وقوف اختیاری عرفه و مشعر را اسو
کسی که وقوف اختیاری عرفه را با اضطراری نهاری مشعر را
ادراک نمود حجش صحیح است یا نه جواب اگر وقوف اختیاری
مشعر را عمدا ترک نموده باشد حج او باطل است اجماعا و اگر از
روی اضطرار ترک کرده است حج او صحیح است اتفاقا سؤال
اگر کسی درک کند وقوف اضطراری عرفه را با وقوف اضطراری
شب عید را در مشعر تکلیفش چیست جواب ترک وقوف
اختیاری عرفه اگر از روی عمد باشد حجش باطل است و الا
صحیح است سؤال ادراک کند وقوف اضطراری عرفه را

باو وقوف اختیاری مشعر حجش صحیح است یا نه جواب حج او صحیح
است اگر وقوف اختیاری عرفه را عمدا ترک کرده باشد سؤال
کسیکه دو وقوف اضطراری را درک نماید چه صورت دارد جواب
اقوی صحیح حج او است اگر دو وقوف را از روی عمد ترک نکرده
باشد و اگر از روی عمد یکی از دو وقوف اختیاری را ترک
کرده باشد حج او باطل میشود سؤال مدار در صحت و بطلان
حج در ترک وقوفین چه چیز است جواب حکم بصحت حج میشود
در صورت علم تعمد در جمیع صور مگر در صورت ادراک یکی
از دو وقوف اضطراری تنها و در صورت تعمد ترک یکی از دو
وقوف اختیاری یا اضطراری با فوت شدن اختیاری ان اگر
چه از روی عمد نباشد حکم ببطلان میشود مگر بدرک اختیاری
مشعر از برای کسیکه ادراک کند وقوف شب عید را در مشعر
سؤال کسیکه فوت شود از او حج بجهت فوت یکی از دو موقف
باعتبار باقی افعال حج بر او واجب است جواب ساقط میشود
باقی افعال حج از رمی جمرات و بیتوته در منی و قربانی و سر
تراشیدن و بدل میکند حج خود را بعمره مفرده و بجا
آوردن افعال عمره اگر ممکن شود از احرام بیرون میرود و دو
طواف نساء در این عمره لازم است جواب احوط بلکه اقوی

لزوم است سؤال بايد در اينصورت در منى بماند تا آنكه منقضى
شود ايام تشريق جواب لازم نيست بلكه مستحب است ماندن
در منى تا منقضى بشود ايام تشريق سؤال واجب است بر چنين كسى
حج در سال آينده جواب اگر مستقر شده باشد در ذمه با آنكه
مستمر بماند در احرام تا سال آينده واجب است سؤال كسيكه
محصور نشد جايز است ماندن بر احرام خود تا سال آينده مگر آن
احرام حج نمايد جواب جايز نيست اگر بر آن احرام ماند تا سال
آينده واجب است كه اول عمره را تمام كند بعد از آن آنچه را كه ذمه اش
مشغول است از افعال حج چه تمتع و چه غير آن بجا آورد سؤال
اگر رجوع به وطن خود نمود چه كند جواب لازم است بر او
كه عود نمايد بسوى مكه و محتاج نيست باحرام ديگر از ميقات
اگرچه زمان طول كشيده باشد سؤال اگر ممكن نشود او را
عود چه كند جواب حكم او حكم كسى است كه مصدود و ممنوع
شود از افعال عمره پس از براى او هست كه محل شود در بلد خود
بقربانى كردن و تقصير نمودن و اين در صورتى نيست كه معذور
باشد در ابقا بلكه اگر معذور نباشد انتظار برطرف شدن
عذر و ابقا بر احوط سؤال از براى او هست كه حج كند در
سال آينده بان احرام جواب جايز نيست بلكه بتجديد

ميكند

میکند احرام را بلکه اگر فرض او تمتع بوده باشد باید رجوع کند
بمیقات از برای احرام آن و اگر رجوع بمیقات متعذر شود رجوع
کند از خارج حرم از جایی که نزدیکتر باشد بحرم سؤال در وقتی
که در مشعر سنگهای جمرات را برچینند و مستحب است که یکیک
برچینند از زمین نه بطریق شکستن بعضی از بعض دیگر و نه بطریق
کندن از زمین و واجبست که هفتاد سنگریزه بوده باشد
و کمتر نباشد و اگر زیاده برچینند از باب احتیاط عیبی ندارد.
جایز است برچیدن آنها از غیر مشعر لکن واجبست که از زمین حرم
باشد و استثنا شده است از جمیع حرم مسجد الحرام و مسجد خیف
سؤال اگر سنگریزه‌ها را از مسجد برچیند حکم میشود
بفساد عمل او یا نه جواب در مسئله دو قول است احوط
آنها حکم بفساد است سؤال مراد از اینکه باید سنگریزه‌ها
از حرم باشد چه چیز است جواب یعنی باید منتسب بحرم باشد
باین نحو که از خارج منقول شدن آنها معلوم نباشد
سؤال شرط است بکر بودن سنگها جواب واجبست
که بکر باشند و بآنها رمی صحیح نشده باشد سؤال سنگریزه‌های
آجر و سفال و جواهر کفایت میکند جواب باید چیزی
باشد که سنگریزه صدق کند بر او و اینها خارج است از سنگ

سنگ ریزه و مجزی نیست اگرچه سنگ بزرگ باشد یا انکه
بسیار کوچک باشد که از مصداق این اسم بیرون باشد سؤال
شرط است طهارت انسنگها جواب خلاف است اقوی عدم اشتراط
طهارت است فصل چهاردهم در بیان مناسک منی در
روز عید پس واجبست کوچ کردن از مشعر در روز عید قربان
و فرود امدن همان روز در منی بجهت واجب بودن افعالی در
همان روز در منی و ذکر میشود مناسک و احکام منی در ضمن
سه باب باب اول در رمی جمره عقبه که جمره قصوی نیز گویند
وان نزدیکترین سه جمره است بسوی مکه و کسیکه از مکه بیرون
میرود بسوی منی پیش از جمرات دیگر بان میرسد وان در طرف
چپ راه است پس چون بمنی رسد شروع کند اولا برمی جمره عقبه
بان هفت سنگی که با خود از مشعر اورده است سؤال در
رمی نیت شرط است جواب بلی لازم است وان نیت با
قیود معتبره که پیش گذشت سؤال مقارنت نیت با عمل معتبر است
جواب بلی مقارنت معتبر است با دوام نیت تا اخر و کفایت
کند داعی و لازم نیست اخطار سؤال واجبست که رمی هفت
سنگ ریزه باشد جواب بلی واجبست و مجزی نیست اگر
کمتر باشد سؤال کیفیت انداختن را بیان فرمایید جواب

فصل چهاردهم در بیان مناسک منی

باب اول در رمی جمره

نوعی

نوعی بیندازد که در عرف انرا رمی بگویند پس کفایت نمیکند مجرد
گذاشتن یا از دست رها کردن سؤال واجبست که رمی بدست
باشد جواب بلی رمی بدست لازم است سؤال شرطست
رسیدن آن سنگ ریزها بجمره جواب رسیدن آنها بجمره لازم
است سؤال اگر سنگ ریزها را یکمرتبه بیندازد مجزی است
جواب لازم است که بترتیب انداخته شود و بر فرض مذکور
یکی محسوب میشود سؤال معتبر در انداختن سنگ ریزه است
یا خوردن آن جواب علماء ذکر کرده اند که مناط انداختن
آن سنگها است پس اگر بترتیب انداخته همه به یکمرتبه بجمره
رسید مجزی است و اگر بیکدفعه انداخته و بترتیب رسید بجمره
مجزی نیست سؤال خوردن سنگ ریزه باید بفعل اندازنده
باشد یا نه جواب لازم است که رسیدن سنگ بجمره بفعل
او باشد پس اگر بر حیوانی بدست او خورد و سنگ ریزه از او
رها شد و بجمره رسید مجزی نیست و همچنین فائده ندارد اگر
بیندازد و بیفتد بر حیوانی و آن حیوان حرکت کند پس آن سنگ
ریزه بسبب حیوان بجمره برسد سؤال اگر سنگ ریزه انداخت
و افتاد بر غیر جمره بعد غلطید و افتاد بر جمره یا پائین تر از
جمره افتاد و بعد از آن جست و افتاد بر جمره مجزی است جواب نخاد

مختار اخیر است اگر افتادن بسبب صدمه بوده باشد یا بیفتد بر زمین صلب و بجهد از آن زمین و بیفتد بر جمره **سؤال** اگر شک کند در شریک بودن حرکت غیر چه کند **جواب** بنا میگذارد بر اینکه اصل عدم تاثیر فعل غیر است اگرچه محل تامل است **سؤال** اگر شک کند در رسیدن بجمره و نرسیدن آن حکمش چیست **جواب** بنا را بر عدم میگذارد **سؤال** جایز است رمی در حال سواری و پیادگی **جواب** مشهور و مختار آن است که پیاده بودن در این حال افضل است از سواری **سؤال** وقت رمی چه وقت است **جواب** وقت آن تمام روز است و واجب است که رمی در روز بوده باشد اگر عذر داشته باشند جایز است پیش اندازند رمی را در شب **سؤال** واجب است که رمی پیش از قربانی و سر تراشیدن باشد **جواب** محل خلاف است و حکم او خواهد آمد

باب ثانی در قربانیست و بیان کیفیت ذبح و وقت و مکان آن **سؤال** بر چه کس واجب است قربانی **جواب** بر کسی که حج تمتع کند اگرچه حج او مستحب باشد و اگر چه از اهل مکه بوده باشد **سؤال** بر غیر آنکسی که حج تمتع میکند واجب است قربانی **جواب** واجب نیست خواه عمره بجا آورده باشد یا نه خواه حج واجب باشد یا مستحب خواه حج افراد باشد یا قران مگر

آن قربانی.

باب ثانی در قربانی

ان قربانی که در حج تزان از وقت احرام با خود میبرد **سؤال** اگر مملوک باذن مولای خود حج تمتع کند چه کند **جواب** مخیر است مولی میان انکه از جانب مملوک خود قربانی کند تا اینکه او را امر کند بروزه گرفتن **سؤال** اگر مولی از جانب او قربانی نکرد تا انکه وقت منتقی شد چه کند **جواب** واجبست بر او روزه **سؤال** عبد میتواند مبادره نماید بسوی روزه بدون اذن مولی **جواب** از برای او هست مبادره وجایز نیست از برای مولی که او را نهی کند از روزه گرفتن بنا بر اظهر **سؤال** مملوک اگر ازاد شد در وقتیکه حجش مجزی باشد از حجة الاسلام مثل اینکه یکی از دو موقف را درک کرده در حال ازادی واجبست بر او قربانی **جواب** چون حکم او حکم ازاد است واجبست بر او قربانی یا روزه و در صورة نبودن قربانی معین است صوم درباره او **سؤال** اگر بعد از موقفین و بعد از صوم ازاد شد واجبست قربانی **جواب** واجب نیست بر او قربانی در این هنگام **سؤال** اگر ازاد شد بعد از موقفین و پیش از روزه گرفتن چه کند **جواب** محل خلاف است **سؤال** واجبست در قربانی نمودن نیت **جواب** واجبست نیتی که مشتمل باشد بر قربت و تعیین جنس از ذبح یا نحر و قربانی

حج باشد یا کفاره و اگر وجوب باشد بر امعین نماید بهتر است
سؤال ذبح یا نحر را باید خود مباشر شود جواب لازم نیست
بلکه میتواند کسی دیگر را وکیل نماید سؤال هرگاه وکیل ذبح نماید
کی مباشر نیت شود جواب احوط در حال حضور موکل آن
است که هر دو نیت کنند اگرچه ظاهر کفایت نیت مباشر است مطلقا
سؤال واجبست که قربانی در روز عید باشد جواب
بودن در روز عید احوط بلکه اقوی است سؤال واجبست
که قربانی در منی باشد جواب بلی در غیر منی مجزی نیست اگر
چه در مکه باشد سؤال اگر قربانی در منی را ترک کرد تا آنکه
کوچ کرد از منی چه کند جواب باید برگردد بسوی منی و قربانی
بکند سؤال اگر متمکن نشود از برگشتن چه صورة دارد جواب
میفرستد قربانی خود را بسوی منی تا ذبح کنند از برای او در آنجا سؤال
واجبست که ذبح بعد از رمی جمره و پیش از سر تراشیدن و تقصیر
نمودن باشد جواب بعضی واجب دانسته اند و بعضی مستحب
و این اقوی است اگرچه اول احوط است سؤال قربانی باید
از چه جنس باشد جواب واجبست که قربانی یکی از سه جنس
باشد که شتر یا گاو یا گوسفند باشد سؤال در قربانی
کردن این سه جنس شرطی هست جواب بلی واجب است

که شتر

که شتر پنج سال را تمام کرده داخل در سال ششم شده باشد
و اگر گاو و یا بز بوده باشد یک سال را تمام کرده و داخل در سال
دویم شده باشد و احوط بلکه اظهر آنست که در سال سیم داخل
شده باشد و اگر گوسفند باشد باید جذع باشد و در تفسیر آن
خلافست میانهٔ اهل لغت عمل باحتیاط آنست که ذبح نماید
آنچه را در سن اعلی باشد که داخل در سال دویم شده باشد و
متولد او از دو جوان باشد سؤال واجبست که تام الاعضاء
باشد جواب بلی باید خالی از عیب باشد پس اگر چشمش کور
باشد یا لنگ یا ناخوش یا از پیری دندانهای او افتاده باشد
یا شاخ آن شکسته باشد و امثال اینها مجزی نیست سؤال
اگر شاخ بالای آن بشکند و شاخ اندرونی او که استخوان
سفید است باقی بماند مجزی است یا نه جواب بلی مجزی است
چنانچه اگر از اصل خلقت شاخ نداشته باشد اگرچه احوط
ترک آنست سؤال چونست که خایه او را کوفته باشد جایز است
قربانی او جواب اگر از او چیزی نیفتاده باشد مجزی است لکن
با کراهت سؤال چونست که ران یا گوش او را بریده باشند
مجزی است جواب مجزی نیست ولی اگر گوش او را شق کرده
باشند یا سوراخ کرده باشند و از او چیزی نیفتاده باشد

مجزیست

مجزی است سؤال جوانیکه هنوز دندان نیفتاده باشد جایز است
قربانی او جواب مجزی نیست مگر در حال ضرورة سؤال
اگر جوانرا خرید و پول او را داد بعد معلوم شد که عیب دارد
مجزی است جواب اگر عیب او پیش از ذبح معلوم شد چون عقد
اجزا است بلکه دور نیست که بگوییم مجزی نیست اگرچه بعد از ذبح
معلوم شود نقصان و عیب او سؤال اگر جوان پیدا نشد
مگر فاقد شرایط اکتفا باو نشود تا عید قربان روز سوم جواب دو
قول است اصح انها اکتفا باو است و احوط جمع است سؤال
اگر خرید جوانرا بعنوان فربه بودن بعد از ذبح معلوم شد که
لاغر بوده است مجزی است جواب دور نیست که مجزی باشد
اگرچه پیش از ذبح معلوم شود اگرچه احوط اجتناب است
چون واجب نیست که چنان لاغر نباشد که بر کردهای آن پیه نبوده
باشد سؤال اگر جوانرا خرید برای قربانی باعتقاد اینکه
لاغر است بعد ظاهر شد خلاف آن مجزی است جواب اگر پیش
از ذبح خلاف آن ظاهر شد مجزی است و اما بعد از ذبح پس در
آن دو قول است سؤال کسیکه قربانی علاحده پیدا نکند می
تواند شریک بشود با کس دیگر جواب در حج واجب کفایت
نمیکند مگر یک قربانی و شرکت مجزی نیست حتی در مقام

ضرورة

ضروره بلکه تکلیفا و روزه گرفتن است عوض قربانی خود

سؤال قربانی در روز عید در باره مردم در هر بلد مستحب است
در او شراکت نمودن جایز است جواب شرکت در او جایز است
چنانچه جایز است در آن قربانی که از اطراف بلاد فرستاده میشود
که در منی ذبح کنند و در این قربانی که حج افراد کننده تبرعا از
ابتدای احرام حج با خود میبرد اگر معین نشده باشد بسبب اشعار یا
یا تقلید پس در اینها یک قربانی از اشخاص متعدده مجزی است

سؤال واجب است که آن حیوان قربانی چشمها و پاها و شکم آن
سیاه بوده باشد و در عرفات حاضر شده باشد جواب واجب
نیست بلکه اینها مستحب اند چنانچه مستحب است که شتر و گاو ماده
باشند و گوسفند نر باشد و مکروه است قربانی نمودن شتر
و گاو نر و از جمله مستحبات آنست که نحر کند شتر را در حالتی که
بر پا ایستاده باشد و اینکه دستهای شتر را پایین زانو ببندد یا
ببندند و اینکه کسیکه شتر را نحر میکند از طرف راست شتر ایستاده
باشد و اینکه خود مباشر ذبح بشود و اگر خودش مباشر نشود
دست خود را با دست ذبح کننده مصاحب نماید

سؤال قربانی را
در چه صرف نماید جواب بعضی واجب دانسته اند که مالک خود
از گوشت آن قربانی بخورد ولی اقوی استحباب آنست اگرچه

احوط

احوط وجوب آنست و واجبست که بعضی از آنرا اطعام نماید
سؤال معروفست که قربانی را سه حصه نماید بچه نوع قسمت نماید
جواب احوط آنستکه یک حصه از برای خود و عیال خود
و حصهٔ دیگر تصدق نماید بر فقرا و حصهٔ دیگر را بکسانیکه در
صدد داخل نمودن قربانی نیستند و سؤال نمینمایند و بغیر مؤمن
ندهد در صورت امکان دادن بمؤمن سؤال متعارفست
در این زمان که قربانی منی را کسانی میبرند که ایمان ایشان معلوم
نیست طریقه خلاص چه نوع است جواب طریقهٔ خلاص آنست
که ثلث آنرا از برای خود بگیرد و ثلث دیگر را بفقیری که ایمان او
معلوم باشد از حجاج برسم تصدق بدهد و ثلث باقی را بهم
همه یاران خود بدهد از حجاج بعد از آن این دو نفر حصهٔ
خود را بدهند بانکسانیکه میبایند بمنی از برای تحصیل گوشت
قربانی سؤال اگر مؤمن ممکن نشد چه کند جواب جایز
است دادن بغیر مؤمن سؤال میتواند مستحق وکیل نماید
غیر خود را در قبض حصهٔ او جواب اظهر جواز است اگرچه
آن غیر خود مالک باشد سؤال میتواند چیزی از گوشت
بدهد بعنوان اجرت بکسیکه مباشر ذبح میشود از جانبا و
جواب جایز نیست دادن بعنوان اجرت بلکه مطلقا بنابر

احوط

احوط چنانچه جایز نیست که پوست و امثال آنرا خود مالک تصرف
نماید سؤال اگر گوشت را نیز نفروشد یا آنکه نماید یا فقرا را
بخورد چه صورت دارد جواب معصیت کار خواهد بود و ضامن
نیست که عوض آنرا در مصرف او صرف نماید بنا بر اظهر اگر چه احوط
آنستکه در حق غیر که عبارت از دو ثلث باشد از عهده برآید سؤال
معتبر است فقر در مصرف هدی جواب احوط اعتبار آن است
سؤال جایز است بیرون بردن گوشت از منی جواب خلافی
نیست در رجحان بیرون نبردن و ظاهر آنستکه این رجحان بر
وجه وجوب نیست استحباب سؤال بیرون بردن غیر گوشت
از پوست و پیه و شاخ و پاچه و غیر اینها جایز است جواب
جایز است بنا بر اقوی لکن احوط ترک است سؤال کسیکه احرام
حج تمتع را بسته و همراه ندارد قربانی و نه قیمت آن تکلیفش چیست
جواب واجبست ده روز روزه که بدل او است سؤال
لازم است تتابع در ده روز روزه جواب واجبست که
سه روز او را بر وجه تتابع در ماه ذی الحجه بگیرد مگر در صورتی
که روز ترویه و عرفه را روزه بگیرد که در این هنگام واجبست
که روز سیم را بعد از ایام تشریق بجا آورد و احوط آنستکه
در اینصورت اصل روزه را تاخیر نماید که سه روز را بعد از

عید روزه

عید روزه بدارد سؤال اگر روزه روز نهم و یا از او فوت شد
میتواند عوض را روزه بگیرد و دو روز دیگر را بعد از ایام تشریق
بجا آورد جواب جایز نیست که دو روز عوض را روزه بگیرد در
صورتیکه روز نهم و یا روزه نگرفته سؤال واجبست که این
سه روز روزه را پیش از عید بجا بیاورد جواب جایز است
تاخیر ولی مستحب است که پیش از عید بجا بیاورد سؤال اگر پیش
از عید بجا نیاورد تا کی میتواند تاخیر بیندازد جواب احوط
مبادرت است بعد از ایام تشریق اگرچه ظاهر جواز تاخیر است
تا آخر ذی الحجه سؤال جایز است این سه روز روزه را در ایام
تشریق بجا بیاورد جواب جایز نیست بلی جایز است که سیزدهم
ماه را اول سه روز قرار بدهد و متصل بگیرد اگرچه احوط تاخیر
از روز سیزدهم است سؤال این سه روز روزه را در غیر ذی
الحجه میتواند بجا بیاورد جواب جایز نیست واقع ساختن
در غیر ذی الحجه خواه پیش از ذی الحجه باشد یا بعد از آن سؤال
چه وقت این سه روز روزه واجب میشود جواب واجب می
شود بشروع کردن در تمتع و کفایت میکند در این باب تلبس نمودن
بعمره آن سؤال باید پیش از رجوع بمکه سه روز روزه بجا
بیاورد جواب واجبست که این صوم در مکه یا در منی

پیش از

پیش از رجوع باشد **سؤال** هرگاه عذری روی داد مثل فر
موشی یا موافقت نکردن رفقا یا غیر اینها از روزه گرفتن در
مکه یا در منی چه کند **جواب** مخیر است میان گرفتن روزه در
راه و گرفتن آن بعد از رجوع بسوی وطن **سؤال** هرگاه در
راه روزه را نگرفت معین است که در وطن بگیرد **جواب** معین
نیست و اگر روزه را نگرفت تا ماه ذی الحجه تمام شد روزه از
او ساقط میشود و واجبست که قربانی در سال آینده بفرستند
بمنی **سؤال** واجبست که با این قربانی قربانی دیگر بفرستند
از باب کفاره **جواب** واجب نیست ولی احوط آنست که آنرا
نیز بکند **سؤال** اگر بعد از گرفتن روزه متمکن شد از قربانی
لازم است قربانی **جواب** ساقط میشود از او قربانی خواه
عدم تمکن از جهت کم شدن باشد یا غیر آن بلکه اقوی سقوط
قربانیست بمجرد شروع در روزه اگرچه احتیاط آنست که تمام
شدن سه روز را مراعات نماید و احوط از آن آنست که در هر دو
صورت جمع نماید میان روزه و قربانی **سؤال** هفت روز
دیگر را چه وقت واجبست بجا بیاورد **جواب** بجا بیاورد
بعد از رجوع بوطن **سؤال** اگر ممکن نشد تتابع در میان سه
روز و هفت روز جایز است که بجا آورد **جواب** جایز است.

اگرچه احوط فصل است میان سه روز و هفت روز اگرچه بیک
روز افطار باشد سؤال شرط است تتابع در میان هفت
روز و روز جواب شرط نیست اگرچه بعضی از علما واجب
دانسته اند و واجب نیست میان ده هفت روز بعد از رجوع بوطن
سؤال اگر کسی در مکه اقامه کند باید انتظار بکشد رسیدن
قافله خود را بوطن یا آنکه روزه را بگیرد جواب باید انتظار
بکشد یا آنکه یکماه بگذرد در صورتیکه مدت رسیدن رفقا
او بوطن بیشتر از یکماه باشد اگرچه بعضی گذشتن یکماه را اعتنا
نکرده اند لکن مقتضای احتیاط آنست که مراعات نماید آن مدت را
که از یکماه و رسیدن رفقا بوطن بیشتر باشد و این در جائیست
که فورا واجب نشود و در وطن برسیدن رفقا کفایت میکند سؤال
مراد از اقامه که مذکور شد چه چیز است جواب حکم مذکور
در اقامه مدت معتنابه و اقامه دائمه هر دو میباشد و ابتدای
ماهیکه انتظار او را باید بکشد عبارتست از روز عزم اقامه
سؤال انتظار یکماه مخصوص است باقامه در مکه یا اقامه در
غیر آن همچنین است جواب ظاهر اختصاص باقامه مکه است
واما در غیر آن از راه و بلاد دیگر انتظار ماه معتبر نیست بلکه
لازم است انتظار کشیدن رسیدن رفقا خود را ببلد او سؤال

اگر کسی

اگر کسیکه ده روز روزه واجب شد بر او بمیرد پیش از آنکه بجا بیاورد
چه باید کرد جواب اگر قادر نشده باشد بر گرفتن چیزی از
روزه ده روز ساقط میشود از او روزه و بر ولی واجب نیست
که قضا کند از او و اگر قادر شد و بجا نیاورد پس در آن خلاف
است اظهر آنست که اگر سه روز را بجا آورد و مرده است قضا بر
ولی واجب نیست مطلقا و اگر هیچ بجا نیاورده قضای تمام ده
روز بر ولی واجب است و احوط قضا نمودن ولی است آنچه را
که در ذمه میت باقی است در صورتها ولی سؤال اگر کسیکه
قادر بر قربانی باشد بمیرد پیش از قربانی کردن تکلیف چیست
جواب باید قربانی را از اصل ترکه او بیرون بیاورند چون
از جمله حقوق مالیه است سؤال اگر ترکه او وفا بقیمت قربانی
نکند بلکه وفاء ببعض داشته باشد چه باید نمود جواب بعضی
گفته اند که ساقط میشود از او قربانی بالمره و در نزد حقیر حکم
بوجوب آنچیزیکه ترکه وفا بآن دارد واجبست سؤال اگر صرف
نمودن در جزء قربانی ممکن نشد آن وجه را چه کند جواب
در وجوب تصدق بآن یا رجوع آن بسوی وارث دو وجه
است سؤال اگر کسی فاقد قربانی و فاقد قیمت آن بوده باشد
ولکن رجاء حصول آنرا دارد جایز است در این صورت روزه بگیرد

بگیرد **جواب** جایز نیست که بعوض آن روزه بگیرد لکن احوط
آنستکه هر دو را بجا آورد **سؤال** اگر کسی فاقد عین قربانی
باشد و واجد قیمت آن باشد و اراده مراجعت بوطن هم دارد
چه کند **جواب** قیمت را در پیش کسی بگذارد که از برای او
قربانی بخرد در ماه ذی الحجه بیرون نرفته ذبح نماید و اگر فوت شود
بر این معنی نشد تأخیر نماید تا ذی الحجه سال آینده **سؤال** عدالت
در چنین نایبی معتبر است **جواب** احوط اعتبار عدالت است
اگر چه دور نیست که بگوییم کفایت میکند مطلق وثوق باینکه عمل را
بجا خواهد آورد و احوط از آن آنستکه بدهد بکسیکه علم داشته
باشد باینکه عمل را بجا خواهد آورد و با وجود این او را اعتماد
بداند **سؤال** اگر شخص موثق پیدا نشد چه کند **جواب**
قیمت آنرا با خود ببرد و در سال آینده از اصحاب کسیکه با او
وثوق داشته باشد میفرستند اگر چه احوط در این صورت
جمع میان سه چیز است باین نحو که قیمت را در نزد غیر موثق بگذارد
که از برای او قربانی بگیرد و ذبح نماید و در سال آینده با شخص
موثق دوباره قیمت قربانی را بفرستد و روزه بدل قربانی را
هم نیز بگیرد **سؤال** جایز است محل شدن چنین کسی و پیش
از اینکه ذبح را از جانب او بعمل بیاورند **جواب** بلی و دور نیست

که حکم

که حکم شود بجواز محل شدن پیش از ان ولی احوط محل نشدن او است تا بعد از ذبح که از جانب او بجا بیاورند **سؤال** اگر در صورة وجود قربانی فاقد قیمت باشد ولی قرض ممکن است واجب است قرض **جواب** در صورة امکان قرض واجبست قرض کند و همچنین اگر جنسی یا اسبابی داشته باشد که در عوض قربانی قبول کنند واجبست که بدهد یا بفروشد قربانی را بخرد **سؤال** اگر چیزی از ضروریات اسباب سفر را فروخته و قربانی خرید مجزی است **جواب** کفایت میکند و احوط آن است که روزه را نیز بگیرد **سؤال** واجبست کسب کردن از برای تحصیل قربانی **جواب** واجب نیست اگر چه آنکسب لایق بحال او باشد ولکن کسب کردن احوط است **سؤال** قدرة عبارة از قدرة در امکان است یا قدرة در بلد **جواب** مراد قدرة در امکان است نه در بلد خود **سؤال** اگر متمکن شود از فروختن چیزیکه در بلاد خود دارد واجبست که بفروشد و قربانی را بخرد **جواب** مادامیکه متضرر نشود واجبست اگرچه بعضی از علما را اعتقاد انست که واجبست فروختن اگرچه بکمتر از قیمت فروخته بشود ولکن احوط اعانت است چنانچه احوط جمع است ما بین تحصیل قربانی برا نوجه و روزه با

باب سیم در سر تراشیدن و تقصیر

باب سیم در سر تراشیدن و تقصیر نمودن است سؤال چیزیکه بر حاج واجبست سر تراشیدن است یا تقصیر جواب مرد مخیر است میانه این دو مگر اینکه سفر حج اول او باشد یا موی سر خود را بوسط سر جمع نموده و از السبه باشد پس در باره اینها طایفه سر تراشیدن متعین است در نزد جماعتی و بنا بر مشهور مخیر هستند و قول بتخییر اقوی است اگر چه تعیین احوط است و اما زن پس متعین است در باره او تقصیر سؤال چه قدر از سر تراشیدن و تقصیر کافیست جواب ظاهر اینست که مجرد مسمی کفایت میکند اگر چه مستحب است که تقصیر زن بقدر یک بند انگشت بوده باشد اما از موی سر خود ببرد سؤال واجبست که بریدن بمقراض یا باهن بوده باشد جواب لازم نیست بلکه مسمی آن کفایت میکند بهر نوع که بوده باشد حتی اگر بدندان یا بناخن ببرد نیز مجزی است سؤال کسیکه سر او موی نداشته باشد مثل اینکه کچل باشد یا سر خود را تراشیده باشد در عمره تمتع چه کند جواب تیغ را بر سر او کشند و احوط اینست که اینرا ترک نکند خصوصا کسیکه اول سفر حج او باشد چنانکه احوط بلکه اقوی اینست که اکتفا نکند بان تقصیر کردن بلکه جمع کند میانه اینها سؤال تقصیر کردن

تراشید

سر تراشیدن در کجا باید باشد **جواب** واجبست و فوق اینها
در منی **سؤال** اگر کسی پیش از آن کوچ کند و از منی بیرون رود
از روی عمد یا جهل یا نسیان چه کند **جواب** واجبست بر او
که برگردد بسوی منی از برای واقع ساختن اینها **سؤال** اگر
ممکن نباشد که برگردد باز بمنی چه کند **جواب** واجبست سر
تراشیدن یا تقصیر کردن در جائی که هست و اطراف شعرها بدو فرستاده
شود بر آن و مستحب است که در آن صورت موی را بمنی بفرستند که
در آنجا دفن شود و اگر فرستادن ممکن نشود استحباب ساقط
میشود **سؤال** کسیکه سر خود را در منی میتراشد واجبست که
در آنجا دفن شود **جواب** قول بوجوب دفن موی سر ضعیف
است ولی دفن مستحب است بلکه اولی آنست که در جای خیمه خود
دفن کنند **سؤال** واجبست که سر تراشیدن بعد از رمی جمره
و قربانی کردن باشد **جواب** قول بوجوب نسبت بجماعتی داده
شده است ولی پیش مذکور شد که تاخیر مستحب است **سؤال**
تاخیر سر تراشیدن یا تقصیر کردن در باره حاج تا چه وقت جا
یز است **جواب** تاخیر جایز است تا آخر ایام تشریق بنا بر اقوی
و جمعی واجب دانسته اند که در روز عید بجا آورد **سؤال**
واجب است سر تراشیدن یا تقصیر پیش از طواف زیارة بیت برند

بوده باشد جواب بلی واجبست پس اگر طواف را مقدم داشت بر سر تراشیدن واجبست اعاده نمودن طواف بعد از سر تراشیدن واجب میشود که یک گوسفند قربانی کند سؤال در صورت تقدم طواف بر سر تراشیدن واجبست اعاده نمودن طواف بعد از سر تراشیدن یا نه جواب اعاده طواف واجبست اگر چه فعل حرام کرده است در حال عمد و باید یک قربانی بکند سؤال اگر از روی نسیان طواف را مقدم داشت بر سر تراشیدن چه حکم است بر او قربانی جواب واجب نیست بر او قربانی و جاهل هم مثل ناسی است در عدم وجوب قربانی و عدم وجوب اعاده بنا بر اقوی سؤال حال کسیکه حج قران یا حج افراد بجای آورد مثل حال حج تمتع کننده است جواب جایز است بر غیر حج تمتع کننده مقدم داشتن طواف را بر سر تراشیدن سؤال آیا ملحق میشود به تقدیم طواف بر سر تراشیدن تقدیم آن بر رمی و قربانی کردن جواب در مسئله دو وجه است سزاوار آنست که احتیاط ترک نشود سؤال حج تمتع کننده بعد از فراغ از رمی و ذبح و سر تراشیدن و تقصیر بر او چه چیز حلال میشود جواب حلال میشود بر او هر چیزیکه حرام شده بود بر او حتی صید از جهت احرام نه از جهت حرم سؤال ثمره تفرقه میان دو جهت چه

جه ایـ

چیز است جواب ثمره ظاهر میشود در جواز خوردن انصبا
در مضاعف شدن کناره در زمانیکه بیرون رود از حرم پیش از
طواف سؤال حلال شدن صید موقوف بر طواف نسا نیست
جواب بعضی از علما موقوف دانسته اند و این موافق احتیاط است
سؤال بعد از رمی و ذبح و سر تراشیدن یا تقصیر نمودن
طیب و مباشره زنان هم حلال میشود جواب این دو بر حرمت
خود باقی میمانند و غیر از اینها حلال میشود سؤال حلال شدن
غیر طیب و مباشره زنان موقوف بر رمی و ذبح و سر تراشیدن
یا تقصیر کردنست جواب بلی حلیت اینها موقوف است بر این
سه چیز سؤال بر حج تمتع کننده چه وقت طیب حلال میشود
جواب بعد از بجا آوردن طواف حج و سعی میان صفا و مروه
سؤال بطواف تنها حلال میشود طیب جواب ظاهر این
است که حلال نمیشود بلکه موقوف است بایتان سعی هم نیز چنانچه حق
آن است که موقوف بنماز طواف هم باشد سؤال اگر مقدم بدارد
طواف و سعی را بر وقوف یا مناسک منی چنانچه وظیفه حج قران
و حج افراد کننده است مطلقا و وظیفه حج تمتع کننده است در مقام
ضروره حلال میشود بر او طیب جواب محقق نمیشود محل شدن
از طیب بایتان طواف و سعی بلکه موقوف است بسر تراشیدن یا

تقصیر کردن بعد از آن سؤال در حج تمتع کنند چه وقت حلال
میشود مباشرهٔ زنان جواب بعد از بجا آوردن طواف
نسا حلال میشود براو مباشره زنان و جمیع آنچیزها ئیکه بسبب
احرام حرام شده بود و بعد از طواف نسا چیزی براو حرام نیست
سؤال بعد از طواف و قبل از دو رکعت نماز طواف حلال
میشود مباشرهٔ زنان جواب اقوی آنستکه بعد از دو رکعت
نماز طواف حلال میشود سؤال حال زنان هم مثل حال مردان
است در مباشره جواب بلی چنانکه بر مردان حرام هستند زنان
مادامیکه مردان طواف نسا را نکرده اند همچنین مردان نیز
بر زنان حرام هستند مادامیکه زنان طواف نساء را نکرده
باشند سؤال حج قران و افراد کنند چه وقت محل میشوند
جواب حلال میشود براو بسبب سر تراشیدن یا تقصیر
کردن غیر از مباشرهٔ زنان هرچه باشد حتی طیب سؤال
فرق هست در این حکم مذکور میانه آنکه مقدم بدارند طواف
و سعی را بر باقی مناسک یا اینکه موخر بدارند جواب
ظاهر کلمات علما اطلاق است اگرچه در روس معتبر کرده است
حکم مذکور را بصورت مقدم داشتن طواف و سعی را سؤال
لبس مخیط و پوشیدن سر پیش از طواف حج و سعی عیب دارد جواب
مکروه هست

مکروه هستند تا وقتیکه طواف حج و سعی را بجا بیاورد چنانچه
مکروه است طیب تا وقتیکه طواف نسا را بکند تذنیب در
بیان رجوع بسوی مکه بجهة اتیان اعمالیکه بعد از اعمال منی
منی در ان واجبست و ان پنج چیز است طواف زیارت و دو رکعت
نماز که از برای او مقرر است و سعی و طواف نسا و نماز این طواف
سؤال چه وقت واجبست بر حاج رجوع بمکه بجهة اعمال
جواب واجبست که بعد از فراغ از مناسک منی برود
بمکه و مستحب است که حرکت در روز عید باشد سؤال رجوع
بمکه را تا چه وقت میتوانند تاخیر بیندازند جواب جایز است
تاخیر تا آخر ذی الحجه اگرچه بعضی گفته اند که تاخیر از روز عید
جایز نیست و بعضی گفته اند که جایز نیست تاخیر از روز سیزدهم
ماه و این دو قول ضعیف است سؤال این حکم مختص بحج
تمتع کننده است یا آنکه غیر هم شریک است جواب مختص بحج
تمتع کننده است و اما کسیکه حج قران یا افراد کند خلافی نیست
در جواز تاخیر مراجعه بمکه تا آنکه ماه ذی الحجه تمام نشده
است اگرچه تاخیر مکروه است سؤال پاره از اعمالیکه مستحب
است در این وقت بیان فرمایید جواب مستحب است غسل
از برای دخول مکه و مستحب است از برای کسیکه میرود بسوی

طواف

طواف حج که غسل کند و ناخنهای خود را بچیند و شارب خود را
بگیرد و اگر غسل طواف را در منی بکند جایز است و غسل روز از
برای طواف شب کافیست اگر از او حدثی صادر نشود و همچنین عکس
و مستحب است که بیاید نزد حجر الاسود و بدن خود را بان بمالد
و ببوسد و تکبیر بگوید سؤال بعد از دخول مکه چه چیز بر او
واجبست جواب واجبست که طواف را بهفت شوط بکند بعد از
آن نماز طواف را در مقام ابرهیم بجا بیاورد و بعد از آن برود
هفت شوط میان صفا و مروه سعی کند باین طریق که از صفا
ابتدا کرده و در مروه ختم کند چون چنین کند حلال میشود
بر او جمیع اینچیزهائیکه حرام شده بود بر او بسبب احرام مگر مباشرت
زنان پس بر میگردد بسوی خانه کعبه و طواف میکند بهفت
شوط پس دو رکعت نماز طواف میکند در پیش مقام ابرهیم
پس حلال میشود بر او مباشره زنان هم سؤال واجبست
تاخیر طواف حج و سعی حج را از وقوف عرفه و وقوف مشعر
جواب بلی واجبست تاخیر مادامیکه معذور نباشد پس اگر
معذور باشد مثل زنیکه از حایض شدن بترسد یا مریضی
که قوه برگشتن نداشته باشد یا شیخ فانی که از ازدحام مردم
خوف داشته باشد جایز است از برای او تقدیم طواف حج و

سعی

سعی و همچنین جایز است از برای کسیکه حج قران یا افراد بکند
سؤال طواف نسا را بچه کیفیت باید بجا آورد جواب مثل
طواف عمره و حج است در کیفیت و شرایط و احکام سؤال طواف
نسا واجبست بر اشخاصیکه صلاحیت مجامعت را دارند یا آنکه
بر همه کس واجبست جواب واجبست بر همه کس خواه مرد و خواه
زن و خواه طفل ممیز و خواه که قدرت بر مجامعت نداشته باشد یا اخته
بوده باشد سؤال اگر طفل ممیز طواف نساء را ترک نمود چه صورت
دارد جواب حرام است بر او مباشرة زنان بعد از بلوغ بلکه
بعضی گفته اند که پیش از بلوغ او را از استمتاع زنان منع نمایند
سؤال اگر ولی از برای چنین طفلی اقدام بعقد نکاح نماید صحیح است
سؤال طفل غیر ممیز اگر ولی او را طواف ندهد چه باید کرد
جواب مثل ممیز است در حکم مذکور و غیر ممیز و مجنون سؤال
جایز است مقدم داشتن طواف نسا را بر سعی جواب جایز نیست
چنانچه جایز نیست مقدم داشتن طواف نسا بر وقوف عرفه و
وقوف مشعر و سایر مناسک سؤال اگر از روی نسیان
مقدم داشت بر سعی یا بر وقوفین لازم است اعاده جواب
واجب نیست اعاده و مجزی است از آنچه در ذمه او بود و جاهل
در این باب مثل ناسی است بنا بر اقوی سؤال جایز است مقدم

داشتن طواف نسا بر و فوتیدن و سعی در صورت وجود عذر جواب
بلی جایز است تقدیم در صورت وجود عذر و ضرورت و از این باب
است خوف حیض سؤال بترک طواف نساء حج باطل میشود جواب
باطل نمیشود خواه از روی عمد باشد یا جهل و نسیان بلی واجب
است اتیان بان هر وقت که بوده باشد سؤال جایز است نایب
گرفتن در صورت عدم امکان مباشرت خود جواب بلی جایز
است در صورت عدم امکان و در صورت امکان و با مشقت در
این سؤال اگر بار طواف نسا بمیرد پیش از آنکه خود یا نایب
او در حال حیوة بجا آورد چه باید نمود جواب قضا میکند
از او ولی او یا غیر ولی بعد از وفات او سؤال بعد از آنکه حاج
اعمال خود را در مکه بجا آورد بعد چه کنند جواب واجبست
رجوع نمودن از مکه بمنی از برای آنچه باقی مانده است بر او از اعمال
سؤال در منی چند چیز واجبست که باید بعمل بیاورد جواب
دو چیز واجبست یکی شب ماندن در منی و دیگری سنگ
ریزه انداختن بسوی سه موضع که هر یک از آنها را جمره میگویند
سؤال بیتوته و شب را بسر بردن که بر حاج واجبست در منی
چند شب و چه وقت است جواب واجبست که شب یازدهم
و شب دوازدهم ماه ذی الحجه را در منی بسر برند و همچنین
واجب است

واجبست شب سیزدهم هرگاه در منی بماند تا اینکه غروب کند
آفتاب روز دوازدهم و داخل شود شب سیزدهم با آنکه در احرام
حج بلکه در احرام عمره بنا بر احوط از صید و مباشرهٔ زنان اجتناب
نکرده باشد بلکه احوط آنستکه هر کسیکه از او فعلی صادر شود
که موجب کفاره شود شب سیزدهم را از منی بیرون نرود و احوط
از آن آنستکه بیرون نرود از منی شب سیزدهم را کسیکه مرتکب مطلق
فعل حرام شده باشد در حال احرام بلکه احوط از جمیع آن است
که بیرون نرود در آن شب از منی کسیکه اول سفر حج او باشد
و با همهٔ اینها افضل ماندن آن شب است در منی در بارهٔ کسیکه
معتمر نشده باشد در حج او ماندن **سؤال** واجب است
نیت در بیتوته و شب بسر بردن **جواب** بلی واجبست قصد
فعل مخصوص که بیتوتهٔ آن شب باشد با قصد قربت و مجرد داعی
کفایت میکند **سؤال** نیتی که واجبست چه وقت باید بکند
جواب واجبست که نیت کند مقارن اول شب بعد از تحقق
غروب **سؤال** اگر شب را در منی بسر برد بدون نیت تکلیفش
چیست **جواب** معصیت کرده است در لزوم کفاره دو
وجه است و احوط دادن کفاره اگرچه اقوی عدم وجوب آنست
سؤال اگر ترک نماید بیتوته را در منی ضرر بحجش میرسد

جواب

جواب چیزیکه واجب میشود کفاره است و از یک گوسفند است
اگر یکشب را ترک کند و دو گوسفند باید قربانی کند اگر دو شب را ترک
کند و سه گوسفند باید قربانی کند اگر سه شب را ترک کند در صورتی
که شب سیم واجب شده باشد سؤال فرق هست در این حکم
مذکور میان عالم و جاهل و ناسی و مضطر یا نه جواب اخبار
و کلمات علما مطلق است بلی استثناء مضطر خالی از وجه نیست
اگرچه مقتضای احتیاط عدم استثنا است سؤال میتواند کسی
بیتوته را ترک نماید و در مکه بعبادت خدا مشغول شود جواب
بلی میتواند و ساقط میشود قربانی از او سؤال معتبر در سقوط
بیتوته منی آنستکه تمام شب را در مکه بعبادت بسر برد یا جزئی
از آن اگر مشغول شود بعبادت کفایت میکند جواب ظاهر
اخبار آنستکه معتبر تمام آنشب است پس بعضی از شب کفایت نه
خواهد کرد اگرچه بعضی قدر ضروره را از خوردن و آشامیدن
و خوابیدن استثنا کرده است ولی استثناء اخیر محل تامل است
سؤال اشتغال بعبادة در مکه معصیت را هم ساقط میکند
جواب ساقط میکند معصیت را چنانچه قربانی را ساقط
میکند اگرچه بیتوته نمودن در منی اولی و افضل است سؤال
اگر کسیکه از مکه بیرون بیاید و بمنی نرسیده در اثنای راه بخوابد

مسقط

مسقط از بیتوته در منی میشود جواب از اخبار صحیحه ظاهر
میشود که مسقط است و لکن بنای علما رضوان الله علیهم بر
خلاف آن است و حق با ایشان است سؤال قدر واجب از بیتوته
که در منی باید محقق بشود چه قدر است جواب ظاهر کفایه
کردن است از بیتوته بودن در آنجا تا شب نصف شود پس جایز است
بیرون رفتن از منی بعد از نصف اول از شب که مبدا آن غروب و
منتهای آن نصف شب است و ممکن است قول بکفایت نصف آخر
اگرچه مقتضی احتیاط اقتصار بر اول است و افضل ماندن است
تا طلوع صبح سؤال جایز است در صورت بیرون رفتن از
منی بعد از نصف شب که برود داخل مکه شود جواب جایز است
اگرچه جماعتی حرام دانسته اند در این صورت داخل شدن را در
مکه قبل از طلوع فجر و این قول ضعیف است اگرچه موافق احتیاط
است سؤال جایز است ترک بیتوته نمودن در منی بجهت عذر
جواب بلی جایز است ترک آن برای صاحب عذر و از جمله عذر
است خوف بر نفس یا عرض یا مال و از جمله اعذار است پرستاری
مریض که خوف دارد بر او از ماندن در منی سؤال این عذرها
مسقط معصیت میباشد جواب بلی مسقط معصیت است
اگرچه اقوی آنست که قربانی ساقط نمیشود سؤال رمی جمرات

ثلث کرد منی واجبست چه وقت باید بجا بیاورد جواب
واجبست در روزهائیکه در شبهای آنها بیتوته در منی واجبست
پس در هر روز از ایام تشریق که شب آنرا در منی بوده واجب است
سنگریزه انداختن بهر یک از سه جمره و قول باستحباب ضعیف است
سؤال واجب در رمی جمرات انداختن چند سنگریزه است
جواب واجبست که در هر جمره هفت سنگ ریزه بیندازد
سؤال ترتیبی که واجبست در رمی جمرات عبارة از چه چیز است
جواب واجبست که ابتدا نماید برمی جمره اولی بعد از آن جمره
وسطی بعد از آن جمره عقبه سؤال اگر مخالفت نماید و ترتیب را
بنحو مذکور بجا نیاورد مجزی است جواب مجزی نیست لکن
واجبست که رجوع کند بسوی آنچه بآن ترتیب حاصل میشود سؤال
این جمره بعد را مقدم بدارد بر سه سنگ ریزه انداختن بجمره
قبل یا که زیاد باین معنی که چهار سنگ بجمره قبل انداخته شروع بجمره
بعد نموده باید بو کرد یا نه جواب در این صورت تمام
میکند آنچه را که از جمره قبل مانده است بدون اعاده چیزی از
عمل جمره بعد سؤال فرق هست میان عالم و جاهل و ناسی در
این حکم جواب ظاهر اینست که همه در این حکم مساوی هستند
سؤال اگر کسی رمی جمرات را شب بجا بیاورد مجزی است

جواب

جواب چون واجبست که رمی روز عید یا ایام تشریق باشد
رمی در شب مجزی نیست مگر آنکه معذور باشد مثل خائف و
شبان و بنده که مالک امر خود نباشد که طلبکار او روز
مهلت ندهد سؤال زن و مریض و طفل هم باید در روز
رمی جمرات را بجا بیاورند جواب بعضی تجویز کرده اند و
بعضی از اخبار هم استفاده میشود جواز از برای مثل سؤال
رمی جمرات که در روز واجبست چه وقت روز باید بجا بیاورد
جواب روز عبارتست از ما بین طلوع آفتاب و غروب آن و
افضل آنست که از اول وقت زوال واقع بسازد سؤال اگر فرا
موش کند یکی از جمرات ثلث یا دو تای از آنها را از روزی چه
کند جواب قضا کند از آن بعد از آن روز و واجبست که تعجیل
نماید در قضای آن در فردای آن روز و واجب نیست قضا نمودن
جمره که بعد از جمره فائته میباشد اگر چه مقتضای احتیاط قضای
آنست سؤال هرگاه فائت را عمدا ترک کرده باشد در وقت
قضا باید ما بعد آن هم قضا نماید جواب بلی واجبست که
ما بعد فائت را نیز قضا کند در صورت عمدی سؤال اگر
تمام جمرات را در یک روز فراموش کند چه کند جواب
واجبست بر او که قضا کند تمامی آنها را در فردای آن روز و اگر

واگر تمامی آنها را فراموش کند دو روز قضا میکند آنها را
در روز سیم سؤال روزیکه میخواهد قضای جمرات را
بجا بیاورد اول قضا را بجا بیاورد بعد وظیفه همان روز را
یا بعکس جواب واجبست ترتیب را روزیکه قضا میکند
پس اول وظیفه روز گذشته را بجا بیاورد بعد از آن وظیفه
همان روز را و همچنین اگر وظیفه دو روز از او فوت شده
باشد بنا بر احوط بلکه اظهر پس بایستد اول وظیفه روز اول
بعد از آن وظیفه روز دوم بعد از آن وظیفه روز سیم را
بجا بیاورد سؤال اگر فراموش کند رمی جمرات را تا آنکه
کوچ کند از منی و داخل مکه شود چه بکند جواب واجبست
بر او که رجوع کند بمنی و بجا بیاورد فوت شده را مادامیکه ایام
تشریق تمام نگذشته باشد سؤال اگر بیرون رود از مکه و
ممکن نشود او را رجوع نمودن بسوی آن مقام تکلیفش چیست
جواب واجبست بر او قضا در سال آینده اگر خود حج
کند و اگر خود حج نکند واجبست که نایب بگیرد کسیرا که بجای
او رمی کند و ظاهر آنستکه عامد و مضطر ملحق میباشند
بناسی چنانکه جمعی گفته اند و مقتضای احتیاط این است و آنچه
مذکور شد حکم ترک تمامی جمرات بود و مثل آنست در حکم

ترک جمرات از یکروز بلکه ترک جمره در جمله تمامی ایّام یا در جملهٔ
جمره یکروز بلکه انداختن یک سنگریزه یا بیشتر از روی عمد یا سهو
یا جهل و دور نیست که این حکم اجماعی بوده باشد و شک نیست
که قضا کردن موافق احتیاط میباشد سؤال اگر فوت
شود از شخص یکجمره وانرا نداند چه کند جواب لابد اعاده میکند
سنگ انداختن را به سه جمره بر وجهی که ترتیب متیقن است حکم اگر
فوت شود از او چهار سنگریزه انداختن یکجمره وانرا معین نتواند
کرد و اما اگر کمتر از چهار سنگ انداختن از او فوت شده باشد
تکرار میکند سنگ انداختن را بعدد فایت بر سه جمره و در این
ترتیب لازم نیست سؤال اگر از هر جمره یکی یا دو تا یا سه تا
فوت شده باشد چه کند جواب واجبست ترتیب از جهة متعدد
بودن خود فایت بالاصاله سؤال اگر از او سه سنگ انداختن
فوت شده باشد و شک کند که البته از یکجمره است یا بیشتر تکلیفش
چیست جواب بهر یک سه سنگ میاندازد بترتیب و اگر فایت
چهار سنگ انداختن باشد و نداند که از یکی است یا از سه تا
عمل را از سر بگیرد سؤال جایز است بعوض معذور مثل مریض
مباشر رمی جمرات شدن و همچنین عوض طفل غیر ممیز و کسیکه
پیش از رمی جمرات بیهوش شده باشد جواب علما رضوان الله علیهم

علیهم نیز بوده اند که جایز است و مقتضای تعبیر ایشان بجواز آن است
که بالاصاله بر کسی واجب نیست که بعوض معذور مباشر شود فعلی را
که بر نفس او عند عدم بر معذور واجب بود و این کلام حق است سؤال
واجبست بر خود معذور در حالتیکه شعور داشته باشد نایب
گرفتن یا چون جواب واجب نیست مگر آنکه مایوس شود از زوال
عذر سؤال یا واجبست بر دیگری که معذور را در صورت امکان
بردارد و بسوی جمرات ببرد و بعد از عدم امکان از جانب او نایب
شود در رمی جمره یا اینکه این ترتیب مستحب است جواب میگوییم
ظاهر اصحاب ما رضوان الله علیهم دوم است و شرط نیست در صحت
رمی از بدل اذن اصل و نه عقل بنا بر اظهر پس جایز است که دیگری
از جانب معذور آن فعل را بجا بیاورد اگرچه معذور اذن نداده باشد
بلکه عقل نداشته باشد سؤال اگر عذر معذور بعد از فعل
بدل مرتفع شود با بقای وقت واجبست بر او که خود دوباره
بجا آورد یا نه جواب واجب نیست اگرچه احوط در صورت امکان
اتیان است چنانچه احوط تحصیل اذن است از معذور اگر غیر
بجای او رمی جمرات نماید بلکه احوط آنستکه با علم امکان
ولی از جانب او رمی کند و بعد از عدم امکان غیر ولی با اذن ولی
مباشر آن فعل شود سؤال اگر معذور نایب بگیرد بعد از آن

بیهوش

بیهوش شود یا نائب معزول میشود جواب بنابر قول بعضی نائب
او معزول نمیشود لیکن اقوی باطل شدن نائب گرفتن معذور
است در اینصورت اگرچه جایز است نائب شدن از باب تبرع بنابر اظهر
سؤال در صورتیکه نائب بگیرد کدام یک از نائب و منوب عنه
مباشر نیت باشد جواب احوط آنستکه هر دو مباشر نیت شوند
و احوط آنستکه صبی و غیر او را ولی مباشر می کند در صورت
امکان اگرچه نیت را باید خود ولی مباشر شود و اولی آنستکه
منوب عنه سنگریزه را در دست نائب بگذارد که او بیندازد تا
آنکه منوب عنه خود را شبیه بر می کند بانداز سؤال غیر از
این اعمال مذکوره در منی چیز دیگر واجب هست جواب واجب
همان بود که ذکر شد ولی مستحب است ایام تشریق را زیاده از
قدر واجب از برای رمی در منی ماندن و همچنین مستحب است نماز
خواندن در مسجد خیف سؤال آیا مخیر است حاج در میان آنکه
کوچ کند از منی بعد از رمی جمرات در نفر اول که عبارتست از
دوازدهم ماه ذی الحجه یا آنکه تاخیر کند تا نفر ثانی که عبارتست
از سیزدهم این ماه جواب بلی این تخییر ثابت است فی الجملة لکن
جواز نفر اول مشروط است بدو شرط اول اینکه در حال احرام
خود از صید و مباشرت زنان اجتناب کرده باشد و کسیکه این دور

دور الاجتناب نکرده جایز نیست از برای او کوچ در نفر اول دوم
انکه غروب نکند افتاب روز دوازدهم در حالتیکه او در منی بوده
باشد که اگر افتاب غروب بکند و او در منی باشد جایز نیست از
برای او حرکت کردن بلکه واجبست که شب سیزدهم را در انجا بسر برد
سؤال اگر از جای خود حرکت کند و افتاب غروب کند پیش از
انکه از حدود منی گذشته باشد چه کند جواب واجبست
بر او که شب را در منی بماند بلی اگر خارج شود از حدود منی پیش از
غروب افتاب بعد از ان برگردد بسوی ان از برای حاجت باید
لازم نیست بر او شب را در انجا ماندن سؤال اگر برگردد بسوی
منی پیش از غروب افتاب و در انجا افتاب غروب کند میتواند
برگردد یا نه جواب لازم نیست بر او ماندن در انجا شب بنا
بر اقوی اگر چه احوط انستکه شب را در انجا بسر برد سؤال اگر
برگردد بمنی بجهت تدارک واجبی که از او فوت شده باشد و در
انجا افتاب غروب کند لازم است ماندن جواب دور نیست
که بگوئیم واجبست بر او شب را در انجا بسر بردن سؤال کسیکه
در نفر اول کوچ کند در نفر ثانی جایز است از برای او کوچ
کردن پیش از زوال و بعد از ان سؤال کسیکه در نفر اول
کوچ میکند از منی چه کس است جواب کسی استکه اجتناب کرده
باشد

از منی خارج شده باشد یا اراده [illegible] کوچ کردن پیش از زوال [illegible] الظهر [illegible] کوچ کنند

باشد از صید و مباشرهٔ زنان در احرام حج قطعا و در احرام عمرهٔ
تمتع نیز بنا بر احوط و اقوی **سؤال** مراد از اجتناب صید و
مباشرهٔ زنان در حال احرام چه چیز است **جواب** مراد از اجتناب
صید کشتن آن است و از اجتناب مباشرهٔ اجتناب از مجامعت ایشان
و ملحق نیست باین دو امر سایر افعال محرمه که متعلق بصید و نسا
میباشند مثل خوردن صید و لمس زنان بشهوة اگرچه احوط
الحاق آنچیزیست که موجب کفاره بشود بعد از محل شدن و پیش
از فراغ از افعال منی و همچنین هر چیزیکه در حال احرام حرام است
سؤال بعد از فراغ از رجوع کردن بسوی مکه از منی و
داخل شدن کعبه چه باید بکند **جواب** اگر باقی مانده باشد
از او چیزی از اعمال واجبه از طواف و سعی یا بعضی از اینها و
اینها را مؤخر کرده است از پیش تر کردن واجب است بر او رجوع
کردن بمکه از برای اتمام اعمال خود و اگر چیزی از اعمال واجبه
باقی نمانده است مستحب است از برای او که رجوع کند بمکه بجههٔ
وداع و داخل شدن کعبه و سایر اعمال مستحبه و ادعیهٔ مأثوره
که در کتب مبسوطه مذکور است **سؤال** اماکن متبرکه که در
مکه میباشد که سنت است زیارت آنها بر کسیکه در مکه مشرفه
است بیان فرمایند **جواب** آن اماکن بسیار است ولی از

جمله

جمله آنها شش موضع را بیان میکنیم **اوّل** محلّ ولادت حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلّم نقل شده است که تولد آنجناب در
خانهٔ شد که بحسب ارث منتقل باو شده بود و الحال مسجدی
است که از آن زقاق المولد گویند مناسب است که در آن موضع
شریف بقصد تیمن و تبرک نماز بگذارد و بقصد تعظیم آنموضع زیارت بوسد
و خواندن زیارت انسب و در آنمکان مناسب است **دوم**
منزل خدیجهٔ کبری است در همان سمت که موضع تولد آنجناب واقع
است و آنمکانی بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلّم مدتها
در آنجا بودند با خدیجه و در آنجا اولاد خدیجه ع که از آنجمله
فاطمهٔ زهرا سلام الله علیها است متولد شدند و در آنجا خدیجه فوت
شد و حضرت رسول ص تا هجرت در آنجا بودند و الحال آنمسجد است
و در آنجا محرابیست میگویند که موضع عبادت حضرت رسول ص
بوده است پس شرافت آنموضع از چندین راه است مناجات با قاضی
الحاجات در آنمکان شریف بسیار مناسب است **سیم** مقبر
ابیطالب است که عم جناب رسول ص و والد جناب امیر المؤمنین ع
است واقع است در سمت منی مشرف شدن در آنمکان و فاتحه
خواندن در سر قبر آنجناب مناسب است **چهارم** زیارت قبر
خدیجه است و آن در حجون است نزدیک بدامن کوه در همان

سمت که

سیم آنکه قبر جناب ابیطالب در همان سمت واقع است لکن قبر جناب
خدیجه نزدیکتر است بمکه معظمه و جناب رسول ص احترام خدیجه را
زیاد منظور میداشتند پنجم غاریست که در جبل حرا واقع است
و آن موضعی است که حضرت رسول ص در ابتدای وحی در آنجا عبادت
می‌نمودند ششم غاریست که در جبل ثور واقع است و آن غاریست
است که آنحضرت از ترس مشرکین در آن مخفی شدند و آن غاریست
که در قرآن مذکور است و از آنجمله مسجد ارقم است و آنخانه ایست
که مسجد در او واقع است مشهور است بدار خیزران و در آنجا پنهان
شد رسول الله صلی الله علیه و آله در اول اسلام و از جمله مستحبات
مؤکده ختم قرآن است در مکه در حدیث وارد است که کسیکه ختم
قرآن در مکه نماید نمیرد تا آنکه ببیند رسول خدا را ص و ببیند
منزل خود را در بهشت و مستحب است که حاج اول بمکه مشرف
شوند بعد بمدینه طیبه چنانچه در حدیث صحیح وارد شده است
و سنت است بر قاطبه ناس سیما بالاضافه الی الحاج مشرف شدن
بزیارت روضه مطهره و آستانه منوره فخر عالمیان و سید المرسلین
صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین از جناب امام جعفر صادق ع
مرویست که جناب رسول خدا ص فرمودند که هر کس بقصد حج
بمکه مشرف شود و بزیارت من در مدینه مشرف نشود من او را در

روز قیامت

قیامت تا و کسیکه بزیارة من آمد واجب میشود بر من شفاعت او و کسیکه
واجب شده در حق او شفاعت من واجب میشود از برای او بهشت

مقصد سیم در بیان احکام مصدود و محصور است **سؤال**
مراد از محصور چه چیز است **جواب** مراد از محصور در اینجا کسی
که منع کند او را مرض نه غیر آن از اتمام افعال حج بعد از متلبس شدن
بآن و مراد بمصدود آنکسی است که دشمن یا کسیکه در حکم او است
او را مانع شود **سؤال** بعد از شرکت این دو در اصل جواز
محل شدن در حال ممنوع شدن از اکمال مناسک امتیاز در
میان اینها در چند حکم حاصل میشود **جواب** امتیاز اینها
بچند چیز است اول حلال میشود از برای مصدود جمیع محرمات
احرام حتی مباشرة زنان بخلاف محصور که مباشرة زنان حلال
نمیشود بر او دوم آنکه مصدود ذبح میکند قربانی خود را
در مکانیکه در آنجا صد محقق شده است بنابر اقوی بخلاف
محصور که باید قربانی خود را بفرستد بسوی مکه اگر در عمره بوده
باشد و بسوی منی اگر در حج بوده باشد سیم شرط در احرام
از برای محصور نفع میبخشد از جهت جواز تعجیل در محل شدن
بخلاف مصدود در نظر بانکه تعجیل در محل شدن از برای او
بدون شرط کردن نیز جایز است **سؤال** اگر رجع شود صد

مقصد سیم در بیان احکام مصدود و محصور

احصار

احصار در مکلف باین نحو که هم مریض شده و هم دشمن او را منع کرد
چه کند **جواب** مخیر است در اخذ حکم هر کدام که بخواهد خواه
هر دو بیکدفعه عارض شوند یا آنکه یکی بعد از دیگری عارض شود
اگرچه احوط عمل کردن است بقدر جامع میان دو حکم این دو عنوان
سؤال اگر عارض شد صد بعد از فرستادن محصور قربانی خود را
یا عارض شد احصار بعد از ذبح نمودن مصدود قربانی خود را
و حال آنکه هنوز تقصیر نکرده اند چه باید کرد **جواب** از
جهت نظر بترجیح جانب سابق از دو وصف است در زمان اگر
چه اشاره شد که احوط عمل کردن بقدر جامع دو عنوان است
سؤال هرگاه مصدود شد مکلف بعد از احرام و از برای
او راهی نشد غیر از آن راهیکه از آن ممنوع است یا آنکه راه
دیگر هست ولی ممکن نیست از برای او رفتن از آن راه یا بواسطه
کمی نفقه یا بجهة نبودن رفیق چه کند در این صورت **جواب** حج
واجبست بر مکلف اکمال حج یا عمره در صورتیکه متلبس شد باحرام
آنها مگر آنکه مصدود شود پس محل میشود در جائیکه صد
رخ داده از هر چیزیکه حرام شده بود بر او حتی مباشرت زنان
خواه در اول شرط تحلل کرده باشد یا نه **سؤال** تحلل در این
حال موقوفست بر ذبح کردن یا نحر نمودن قربانی یا نه **جواب**

اقرب

احوط بلکه اقوی توقف حل است بقربانی مگر اینکه شرط تحلل کرده
باشد پس سقوط قربانی در اینصورة خالی از وجه نیست سؤال
اگر قربانی را بخود برده باشد اقتصار میشود باو یا محتاج است
بضم قربانی دیگر جواب احوط بلکه اقوی اینستکه قربانی دیگر
با وضم نماید و قصد تحلل بکند بهر دوی اینها سؤال لازمست
کرد را اول احرام شرط نماید با خدای خود که اگر دشمن او را منع
نماید از اتمام دقربانی کردن محل شود جواب احوط اینستکه
شرط کند اگرچه اقوی عدم انست سؤال تحلل چنین کسی موقوف
است بر خصوص تقصیر یا سر تراشیدن جواب اقوی اینستکه
موقوف نیست بر خصوص یکی از اینها یا بر یکی غیر معین اگرچه
احوط اینستکه تقصیر معتبر شود بلکه احوط اینستکه هر دو معتبر
شوند سؤال جایز است تحلل مصدود بمجرد صد اگرچه امید
زوال عذر داشته باشد جواب جمعی از علماء گفته اند جایز است
اگرچه ظن بزوال ان داشته باشد و جماعتی گفته اند که جایز نیست
تحلل مصدود مگر بعد از مأیوس شدن از زوال عذر دپیش از
خروج وقت اقوی اول و افضل ثانیست سؤال بر مصدود
واجبست تحلل در صورة عروض صد جواب تحلل مصدود
بر سبیل رخصت است نه بر وجه وجوب پس جایز است از برای

اودر

او در احرام حج و عمره متمتع بها باقی مانند بر احرام انها تا وقتیکه محقق شود فوات پس محل میشود بعمره مفرده چنانکه شان کسی است که فوت شود از او حج **سؤال** در این صورة واجبست بر او اکمال افعال عمره **جواب** بلی واجبست اگر ممکن شود و اگر اکمال عمره ممکن نشد محل میشود بقربانی در حصر و در وقتیکه منع مستمر بماند **سؤال** در جائیکه منع مستمر بماند چه کند **جواب** باقی میماند بر احرام عمره تا وقتیکه افعال انرا بجا اورد **سؤال** در عمره مفرده چه کند **جواب** تحلل میکند از او وقتیکه اکمال متعذر شود چون در او فوت محقق نمیشود از جهة انکه وقت معین ندارد و میتواند در تمام سال بجا بیاورد **سؤال** جائز است که تاخیر بیندازد محل شدن را تا وقتیکه مایوس شود از زوال عذر **جواب** بلی جائز است تاخیر و در صورة یاس از زوال عذر محقق میشود حل بقربانی کردن **سؤال** منع از مناسک و اعمال انها صد محقق میشود **جواب** اشکالی نیست در اینکه صد محقق میشود در حج و در عمره بحاصل شدن مانع از جمیع انچه غیر از احرام است **سؤال** صد از بعض مناسک و اعمال انچه صورة دارد **جواب** ظاهر اینستکه نیز چنین است از جهة صدق کردن صد از حج بسبب صد از بعض اعمال ان که تمام نمیشود حج بدون

ان

آن و همچنین است حال در عمره پس اشکالی نیست در تحقق صد
در حج بسبب منع از موقفین و همچنین بسبب منع از یکی از آنها
اگر از آن دسته بوده باشد که فوات آن موجب بطلان حج است **سؤال**
اگر ممنوع شود بعد از درک موقفین از اعمال منی در روز عید
نه از اعمال مکه چه کند **جواب** اگر ممکن شود نائب گرفتن تا
آن اعمال را بجا آورد لازم است که نائب بگیرد و بعد از آن که
نائب آن اعمال را بجا آورد اعمال منی از او ساقط میشود **سؤال**
اگر نائب گرفتن ممکن نشود چه کند **جواب** اقوی آن است که در
باره او تحلل جایز است خصوصا در صورتیکه در سال آینده قادر
بر اتیان اعمال منی بوده باشد و احوط در این صورت آن است که قربانی
خود را ذبح کند و بر حکم احرام باقی بماند تا وقتیکه قادر شود بر
رمی جمرات و ذبح در منی هر چند که بر وجه نائب گرفتن بوده باشد
پس اگر وقت آنها گذشته باشد باقی افعال حج را که در مکه میباشد
بجا بیاورد و محل میشود بعمره بعد از اتیان بآن افعال **سؤال**
اگر منع شود از ذبح کردن چه کند **جواب** بعضی گفته اند چنین
شخصی از قبیل کسی است که قادر بر قربانی نیست پس باید روزه
بگیرد بجای او و اگر ممکن نشود ودیعه گذاشتن قیمت آن را در نزد
کسی تا آخر ذی الحجه بعوض او قربانی کند لکن این قول خالی :

ضعف

ضعف نیست واقوی در حکم اینصورة همان است که مذکور شد
در حکم ممنوع از رمی وذبح سؤال اگر ممنوع شد از افعال مکه
ومنی چه باید کرد جواب اقوی در بارهٔ او جواز تحلل میباشد
وهمچنین است حکم هرگاه تنها از افعال مکه ممنوع شود سؤال
هرگاه بعد از اتیان افعال منی ممنوع شد تنها از مکه خواه بعض
افعال ان یا تمام افعال ان تکلیفش چیست جواب اگر ممکن شود
طواف وسعی را نایب کردن حج او تمام است واگر ممکن نشد تحلل
میکند بقربانی واحوط انستکه بر احرام خود بماند نسبت بصید و
مباشرة زنان وطیب واحوط از ان انستکه باقی بر حکم احرام
نسبت بامور مذکوره قربانی نیز ذبح کند سؤال اگر منع شود
زن از حج کردن از مکه بسوی منی بجهة اتیان مناسک منی بعد از
اتیان با افعال مکه چه کند جواب صد محقق نمیشود در اینصورة
پس صحیح است حج او و نایب بگیرد در رمی اگر ممکن شود والا قضا
کند تدارک انرا هر وقتیکه ممکن شود واما عمره پس محقق میشود صد
دران بمنع از دخول بمکه قطعا وهمچنین محقق میشود بمنع از افعال
مکه بعد از داخل شدن دران بلکه از سعی تنها وکلام در حصر
از این جهة مثل کلام در صد است بدون تفاوة سؤال بعد
از تحقق صد حج ساقط میشود یا نه جواب اگر سال اول استطاعت

او بوده

او بوده حج ساقط میشود بشرط اینکه بعد از آن هم استطاعت از
او فوت نشود و اگر حج در ذمه او مستقر شده بود پیش از صد سال
با آنکه استطاعت او باقی نماند تا سال آینده اگر سال استطاعت
او بوده حج از او ساقط نمیشود بعبد سؤال اگر راه دیگر بوده
باشد که بتوان رسید بحج از آن راه در این صورت صد محقق میشود
بمجرد منع از یکراه مصدود جواب صد محقق نمیشود هر چند آن راه دیگر
دور باشد سؤال اگر نرسد در این صورت بجهت دوری راه
از فوت شدن حج جایز است که محل شود جواب جایز نیست که
محل شود زیرا که صد محقق نشده است بلکه از آن راه میرود تا وقتی
که فوت محقق شود بعد از آن محل میشود بعمره مفرده چنانکه
شأن کسی است که از او حج فوت شود با عدول میکند از عمره تمتع
بسوی عمره مفرده سؤال اگر قبل از سلوک آن طریق و محقق
شدن علم وصول بالفعل علم برساند باینکه اگر از این راه
برود نخواهد رسید چه کند جواب احوط بلکه اظهر آنست که
مجرد علم کافی نیست در تحلل بلکه باید تحلل کند بعمره سؤال اگر
کسی را حبس کنند از جهت قرضی که قادر است بر ادای آن صد محقق می
شود در این حال جواب اسم مصدود بر او صدق نمیکند
بخلاف اگر حبس کنند بجهت قرضیکه قادر نیست بر اداء آن بجهت

صدق

صدق اسم سؤال اگر کسی را چنین کرده اند که از او مالی بگیرند که
قادر بران نیست یا انکه دادن او موجب تلف نفس میشود مصدود است
جواب بلی چنین کسی مصدود است و اما اگر قادر بر دادن باشد
هر چند کم و چه زیاد مصدود نیست و احکام مصدود بر چنین شخصی
جاری نیست اگر چه بگوئیم که واجب نیست بر او دادن مال که از او
میخواهند بگیرند سؤال اگر حج کرده مصدود و محل نشد تا
انکه وقت حج گذشت چه کند جواب معروف بین علما رضوان
الله علیهم انستکه جایز نیست از برای او محل شدن بهدی بلکه
محل میشود بعمره و بعضی گفته اند که تحلل بهدی در باره او جایز است
بجهة صدق مصدود و ممکن است که اجماع در مسئله باشد لکن این
کلام محل تامل است سؤال اگر مصدود منع از مکه بعد از
فوت شدن حج تکلیفش چیست جواب بعضی گفته اند که محل می
شود از عمره بقربانی کردن و این قول نیز محل تامل است سؤال
اگر بعد از محل شدن مصدود مانع رفع شود چه کند جواب
عمل را از سر میگیرد اگر وقت باقی باشد و اگر تنگ باشد منقلب
میشود بسوی افراد سؤال اگر دفع مانع موقوف باشد
ببذل مال بکسی که ضرر بحال او نداشته باشد لازم است بذل جواب
بلی واجبست بذل مال و حکم صد بر او جاری نمیشود و اگر ضرر

بحال

محال او دانسته باشند در وجوب بذل الکلام است و لکن حکم
مصدود بر او جاری نیست **سؤال** اگر ممکن شود محاربه با دشمن
تکلیف چیست **جواب** اگر ظن غالب بشدن نداشته باشد مصدود
است و با ظن بغلبه صدق نمیکند بر او اسم مصدود **سؤال** در
این صورت محاربه جایز است یا واجب **جواب** ظاهر عدم وجوب
آن است مطلقا و در صورت ظن ابتلا منع محاربه جایز است اگرچه
احوط اجتناب از آن است مگر در صورتیکه دشمن ابتدا کند بقتال
پس واجب است دفع او با قدرت **سؤال** اگر کسی فاسد کند حج خود را
از روی عمد چه صورت دارد **جواب** واجبست بر او که یک شتر
قربانی کند و بکفارات دیگر بر او لازم است از برای بیرون رفتن
از احرام و باید سال آینده باز حج کند مطلقا خواه اگر حج اول
مستحب بوده باشد بنا بر اظهر و اگر حج اول حج اسلام بوده باشد
پس احوط قضای آن است با اتیان حج عقوبت **سؤال** اگر محل
شود در صورت افساد باعتقاد آنکه مصدود میباشد لکن
بعد از آن دشمن مرتفع شود و وقت باقی باشد چه کند **جواب**
واجب میشود که قضا کند حج را اگر فاسد کرده است در همان
سال و اگر از آن محل نشده باشد حج را تمام میکند و سال آینده
قضا میکند اگرچه اصل حج مستحب بوده باشد **سؤال** بنا

بر قول

بر قول بتوقف محل شدن مصدود بر قربانی کردن کجا قربانی را
بکند جواب ظاهر اینست که مخیر است میان آنکه در همانجا قربانی
کند یا آنکه بفرستد بمکه یا منی و احوط آنست که آنرا بفرستد و خود
در حکم احرام باقی بماند تا قربانی او بمحلش برسد سؤال آیا بدل
هست از برای قربانی که از برای محل شدن میکند جواب بدل
ندارد پس اگر عاجز شد از آن و از ثمن آن باقی بماند بر احرام خود
تا وقتیکه فوت شود عمل [illegible] شود تا محل شود بعمره اگر ممکن شود
و اگر عمره ممکن نشود باقی بماند بر احرام خود تا وقتیکه متمکن شود
از عمره یا از قربانی سؤال مصدود و محصور در حکم مذکور
شریکند جواب حکم محصور همچنین است بنا بر احوط اگر
چه دور نیست که بگوئیم محصور میتواند محلل نماید بروزه هیجده
روز و احوط در روزه هیجده روز تتابع است اگر چه واجب نیست
بنا بر اظهر سؤال قربانیکه واجبست بر محصور در وقت محل
شدن باید در جائیکه محصور شده است ذبح کند یا بفرستد بمنی
جواب اظهر اینست که واجبست بفرستد قربانی خود را بمنی که
در آنجا ذبح کند اگر حاج بوده باشد و فرقی نیست در اینکه قربانی
را از ابتدای احرام با خود برده یا آنکه بعد از محصور شدن بخرد
سؤال اگر معتمر بوده باشد چه کند جواب باید قربانی را
بمکه

بمکه بفرستد و محل نشود تا وقتیکه قربانی بمحل آن برسد و احوط
از برای متمتع آنست که دو قربانی بفرستد یکی بمکه و دیگری بمنی
چنانچه احوط آنستکه قربانی مکه را در آن فضای وسیعی که در
برابر کعبه میباشد ذبح نماید **سؤال** محتاج بتقصیر و سر تراشیدن
هست **جواب** بعد از آنکه قربانی بمحل رسید باید در همانجا
که ممنوع شده است ذبح کرده در صورت عدم امکان از فرستادن
تقصیر میکند یا سر میتراشد اگرچه اول احوط است خصوصا در
حج تمتع و محل میشود از هر چیز از محرمات احرام مگر مباشرت
زنان **سؤال** مباشرت زنان چه وقت حلال میشود **جواب**
حلال نمیشود تا آنکه سال آینده حج کند مگر آنکه احرام از برای حج
مستحبی بوده باشد لیکن در این صورت اگر نائب بگیرد که عوض او
طواف نسا کند حلال میشود بر او مباشرت زنان و دور
نیست که الحاق شود واجب غیر مستقر بمستحب **سؤال** اگر عاجز
شد از حج کردن در سال آینده چه کند **جواب** جمعی از علما
گفته اند که موقوف است حلال شدن زنان بر حج کردن او در
سال آینده اگرچه عاجز باشد و نائب گرفتن کفایت نمیکند
اگرچه اظهر حلیت مباشرت زنان است بنائب گرفتن در صورت
عجز ولی احوط قول اول است **سؤال** اگر وجوب حج با جادم

باید

بایند دیها بنحو آنها بوده باشد حکمش چیست **جواب** احوط
بلکه اقوی اینستکه مثل واجب اصلی است در حکم و اما آنچه که
تبرعا بعوض شخص دیگر بجا آورده شود پس از قبیل حج مستحب است
اگرچه واجب بوده باشد بر کسیکه از عوض او تبرعا بجا آورده
میشود بنابر اظهر **سؤال** هرگاه قربانی خود را یا قیمت آنرا
فرستاد و محل شد و بعد از آن ظاهر شد که از برای او قربانی
نکرده اند محل شدن او باطل میشود **جواب** باطل نمیشود
محل شدن او بلکه باقی میماند بر حمل و لکن سال آینده باید قربانی
بفرستد **سؤال** آیا واجب است بر او خود را باز داشتن از محرمات
احرام دوباره از حال فرستادن قربانی تا روز موعود یا نه
جواب اظهر اولی است بلکه احوط اینستکه خود را باز دارد
از مباشره زنان بلکه از سایر محرمات احرام از حال انکشاف
عدم ذبح نسک **سؤال** اگر شخص مصدود یا محصور قربانی خود را
فرستاد پس زایل شد آنچه عارض شده بود از مرض یا دشمن
چه کند **جواب** واجبست که برود بجهة ادراک مناسک
اگر وقت فوت نشده باشد باین معنی که بتواند ادراک کند
یکی از دو موقف را بر وجهیکه صحیح بوده باشد حج او **سؤال**
اگر حج از او فوت شده باشد چه کند **جواب** بعمره مفرده

محل

محل میشود و واجب است قضای حج اگر واجب باشد و مستحب است قضا اگر حج مستحب بوده باشد سؤال اگر مستمر شد احصار تا آنکه نایب او قربانی را ذبح کرد و جایز شد بیرون آمدن از احرام با وجود این تاخیر انداخت تحلل را تا آنکه احصار او زایل شد و ممکن شد از عمره چه کند جواب احوط آنست که بعمره نیز تحلل نماید اگرچه دور نیست که بگوئیم که لازم نیست سؤال اگر عاجز بهم رساند بعد از فوت شدن حج بعد از فرستادن قربانی و زایل شدن عذر پیش از آنکه تقصیر کند چه کند جواب احوط آنستکه تحلل کند بعمره نیز مطلقا اگرچه دور نیست عدم لزوم آن اگر زوال عذر بعد از ذبح نمودن باشد سؤال معتمر اگر تحلل نماید چه کند جواب باید قضا کند عمره خود را در وقت زوال عذر بی فوت تامل سؤال حج قران کننده اگر محصور شد چه باید بکند جواب تحلل نماید و جایز نیست در سال آینده در باره او مکرر حج قران کردن اگرچه حج او اولا و مستحب بوده بنابر اظهر و همچنین است حکم هر گاه مصدود شود بنابر احوط و همچنین احوط آن برای غیر حج قران کننده نیز آنستکه احرام بر بندد بمثل آنچه از احرام آن بیرون رفته است اگرچه واجب نباشد بنابر اظهر سؤال اگر مریض او حج تمتع بود و او حج

قران کرد بجهة ضرورة بعد از ان محصور شد چه کند **جواب** احوط
انستکه یکدفعه بعنوان حج تمتع قضا کند و یکدفعه دیگر بعنوان حج
قران اگرچه دوم واجب نیست بنا بر اظهر **تکملة** در بیان احکام
متعلقه بحج افراد و قران **سؤال** اگر کسانیکه وظیفهٔ ایشان حج
قران یا افراد بود متعذر شوند از اتیان بوظیفهٔ خود چه کنند **جواب**
جایز استکه عدول کنند بسوی تمتع و جایز نیست عدول بتمتع در
حال اختیار بنا بر احوط بلکه اقوی **سؤال** اگر حج تمتع را قصد کند
یکی مثلا از روی نسیان یا از روی جهل چه صورة دارد **جواب**
اگر فرض واقعی خود را قصد کرده بگمان انکه حج تمتع فرض واقعی
است عمل او صحیح است چون منصرف میشود بفرض واقعی و قائم مقام
او میشود که اگر خصوص تمتع را قصد کرده است عمل او صحیح نیست
و حج بر ذمهٔ او باقیست بنا بر احوط بلکه اقوی **سؤال** شروط حج
افراد را بیان فرمایند **جواب** نیت را باید بکنند چنانکه گذشت
و باید در اشهر حج بوده باشد و احرام به بندد از برای او از میقات
یا از طرف خانه خود اگر از میقات نزدیکتر باشد بمکانیکه افعال
حج در او واقع میشود پس میرود بسوی عرفات و وقوف در انجا بجا
میاورد پس میرود بمشعر و وقوف در انجا بجا میاورد پس میرود
بمنی و اعمالی که در انجا لازم است بجا میاورد پس میرود بمکه

وطواف

وطواف میکند بعد از ان سعی میکند بعد از ان طواف نسا را بجا
میاورد بعد از ان بر میگردد بسوی منی از برای ایشان سایر
اعمالیکه واجبست و ان چنانچه کذشت و احوط انستکه عمره نیز بجا
اورد بعد از ان اکرچه دور نیست که کفته شود که عمره واجب نیست
مکر در صورتیکه نسبت بان نیز استطاعت علیحده داشته باشد
سؤال در صورتیکه عمره بر او واجب شود از اچه وقت بجا باورد
جواب بعد از حج بجا بیاورد بنا بر احوط بلکه اقوی مکر در
صورت ضرورت که مقدم میدارد عمره را بر حج سؤال جایز است
از برای او که احرام به بندد از برای عمره از خارج حرم که نزدیکتر
باشد بحرم از جاهای دیکر جواب بلی جایز است و افضل آن
استکه از میقات احرام به بندد بلکه جایز است که احرام به بندد
از جاهائیکه در میان میقات و منتهای حرم واقع است اکرچه
احوط اجتناب است از ان سؤال عمره در باره او واجب فوری است
جواب واجب است فورا و صحیح است تاخیر در غیر اشهر حج اکرچه
بسبب تاخیر معصیت کار است سؤال شرایط و افعال حج قران را
بیان نفرمائید جواب حج قران نیز مثل حج افراد است مکر
انکه امتیاز حاصل میشود از برای ان بهمراه بودن قربانی در
حال دخول در احرام سؤال کسیکه حج قران یا افراد میکند

داخل

داخل مکه شود جایز است درباره او طواف مندوب جواب بلی
جایز است بلکه طواف مکه واجب شده باشد بنذر و شبه آن هم نیز جایز
است سؤال حج تمتع کننده اگر احرام به بندد از برای حج میتواند
طواف مندوب و منذور بجا آورد جواب اقوی آنستکه
طواف مندوب و منذور و نحو آن نکند و اگر یکی از آنها را از
روی نسیان یا جهل بجا آورد بر او چیزی نیست سؤال جایز
است حج تمتع کننده طواف مندوب و منذور و نحو آنرا پیش از
احرام حج و بعد از تقصیر بجا آورد جواب بلی جایز است
طواف پیش از احرام و بعد از تقصیر و بعد از سعی اگرچه اولی ترک
آن است بلکه جایز است طواف مندوب کردن از برای حج تمتع کننده
پیش از سعی و بعد از طواف واجب یا پیش از آن اگرچه احوط اجتناب
از آن است سؤال تلبیه گفتن بعد از نماز هر طواف واجب است
جواب احوط بلکه اقوی تلبیه گفتن است بعد از نماز هر طواف
خصوصا درباره حج قران کننده و شبه او از کسانیکه جایز نیست
از برای ایشان عدول از حج بسوی عمره و اگر از روی جهل یا
نسیان طواف کند واجب نیست بر او تلبیه بنا بر اقوی اگرچه احوط
تلبیه گفتن است سؤال میتواند حج افراد کننده عدول کند به
سوی تمتع در وقتیکه داخل مکه میشود جواب بلی جایز است

از برای

از برای او عدول اگر معین نشده باشد بر او افراد لیکن اگر تلبیه کند
بعد از طواف و سعی [illegible] احرام او منقلب میشود بسوی افراد و اگر تلبیه
را پیش از طواف و سعی بگوید ضرر نمیرساند بعدول کردن او از
افراد بسوی حج تمتع **سؤال** فرق هست در جواز عدول از حج
افراد بسوی حج تمتع میان آنکه از ابتدای عمل قاصد عدول باشد
یا آنکه بعد از شروع نمودن در عمل قصد کند **جواب** فرقی
نیست در جواز عدول در این دو صورت **سؤال** جایز است
از برای کسیکه حج قران میکند عدول کردن بسوی حج تمتع **جواب**
جایز نیست بنابر احوط بلکه اقوی اگرچه قربانی او تلف شود پیش
از رسیدن بمکه **سؤال** واجبست بر او که عوض قربانی که
تلف شده است قربانی دیگر بگیرد و ذبح کند **جواب** واجب
نیست **سؤال** کسیکه حج افراد میکند میتواند عدول بسوی عمره
مفرده بکند در حال اختیار **جواب** جایز نیست از برای او
عدول **سؤال** مکی و امثال او میتوانند از منزل خود بیرون
روند و از میقات تجاوز نمایند و بخواهند که از آنجا احرام
نمایند **جواب** جایز نیست از برای ایشان از میقات گذشتن
مگر با احرام و احوط آنست که احرام به بندند بقصد حج و وظیفه
ایشان نیست و جایز نیست از برای ایشان احرام بستن از برای حج

تمتع اگر

تمتع اگرچه استطاعت او در حال دوری از مکه حاصل شده باشد
بنا بر احوط بلکه اقوی سؤال کسیکه دو منزل داشته باشد چه
باید بکند جواب لازم میشود او را حکم آنمنزلیکه غالباً در
آنجا مقیم است بنا بر اقوی سؤال اگر در مقدار زمان اقامت
مساوی باشند چه صورت دارد جواب مخیر است میان دو وظیفه
و احوط آنستکه اختیار کند حج تمتع را و احوط از آن جمع کردنست
میان تمتع و غیر آن سؤال اگر از حیثیت تساوی و تفاوت
حال مشتبه شود چه کند جواب جمع کند میان هر دو بنا بر
احوط بلکه اقوی و اگر جمع متعذر شود اختیار کند حج تمتع را سؤال
معتبر در استطاعت از کدام بلد است جواب از بلدیکه غالباً
در آن سکنی دارد و در صورت تساوی در مقدار زمان اقامت
معتبر استطاعت است از دورترین منزلهای او بنا بر اظهر لکن
احوط آنستکه وقتیکه از منزل نزدیک از برای او استطاعت حاصل
شد بنحویکه وظیفه آنمنزل است از انواع حج بجا آورد و بعد
از آنکه از منزل دور از برای او استطاعت حاصل شده دوباره
حج کند بمقتضای وظیفه آنمنزل سؤال اگر زمان اقامت در
یک منزل زیادتر باشد از زمان اقامت در منزل دیگر لکن نه بمرتبه
که عرفاً غلبه صدق کند تکلیفش چیست جواب احوط آنستکه
جمع

جمع کند میان دو وظیفه سؤال معتبر در زن اقامه چه چیز است
جواب مناط وطن است و اعتبار وی بغیر او نیست مثل کسیکه
محبوس باشد در دو بلد بغیر نیت خوان سؤال واجب است قربانی
در منی بر کسیکه حج قران یا حج افراد میکند جواب واجب نیست
اگرچه مستحب است در باره ایشان اضحیه سؤال جایز است جمع
میان حج و عمره بیک نیت جواب جایز نیست خواه قصد کند
که اندوا از قسم افراد بوده باشد یا تمتع یا قران چه احرام را از برای
مثل اینها نخلید کند بدون نیت چه نکند و چه محل شود در
میان اینها و چه نشود سؤال اگر جمع کرد اینها را در نیت و احد
حکمش چیست جواب صحیح نیست یکی از اینها بنا بر اظهر اگرچه
احوط اتمام آن است بعنوان تعیین یا تخییر بعد از آن اعاده اینست
سؤال جایز است نیت کند دو حج یا دو عمره را جواب جایز
نیست اگر چنین کند هر دو باطل میشوند اگرچه احوط اتمام و اعاده
است فائدة در بیان پاره از احکام متعلقه بحرم بدانکه حرم
مکه چهار فرسخ در چهار فرسخ است و آن محدود است جد
و علامات و حرام است بر محل از صید در حرم آنچیز یکه حرام است
بر محرم در غیر حرم سؤال هرگاه کسی صید را بکشد در حرم
چه صورة دارد جواب ضامن است قیمت او را اگرچه محل
باشد

بیان احکام حرم

باشد و احوط جمع است میان قیمت و فدا سؤال اگر جماعتی که
محل بوده باشند شریک شوند در کشتن صید حکمش چیست جواب
کفایت میکند از همه ایشان یک قیمت بخلاف آنکه هرگاه همگی محرم
باشند پس بر هر یک عوض تام لازم میشود سؤال جایز است
از برای محرم در حرم کشتن پشه و شپش و کیک جواب بلی جایز
است و همچنین کشتن هر حیوانیکه از برای محرم جایز است مثل موش
و افعی و سایر موذیات سؤال هرگاه شخصی وارد بیاورد
بر حیوانات حرم که غیر از کشتن باشد چه صورت دارد جواب
لازم میشود تفاوت میان قیمت صحیح و معیوب آن حیوان که بآن
عیب احداث کرده است سؤال اگر پر کبوتر حرم را بکند چه
باید بدهد جواب واجب میشود بر او تصدق بر مسکین بآن
دستکه پر را بآن کنده است و کفایت میکند مسمای تصدق
و اگر مکرر بکند چه از یک کبوتر یا دو کبوتر واجب میشود بر او
تکرار در تصدق و اگر پر را کندن موجب نقصان قیمت شود
و اگر نشود واجبست که تفاوت قیمت را تصدق نماید سؤال
کبوتر حرم را در خارج حرم میتوان صید نمود جواب جایز
نیست صید کبوتر حرم و جایز است کشتن صیدیکه از خارج
به حرم برود اگرچه احوط ترک آنست سؤال اگر ببندد
پای

پای حیوانرا درحالیکه پای ان درحل بوده وان حیوان داخل حرم شود جایزاست بیرون اوردن از حرم **جواب** جایز نیست بیرون اوردن چنین حیوانی از حرم **سؤال** اگر صیاد در حرم باشد و صید در خارج حرم یا بعکس یا انکه بعض صید در حرم و بعض ان در خارج جایز است صید کردن **جواب** حرام است در این صورتها صید کردن چنانچه حرام است صید چیزی اینکه در پای درختی باشد که ریشه ان در حرم و شاخهای ان در خارج حرم یا بعکس باشد **سؤال** اگر داخل کند صیدی را در حرم چه صورت دارد در حرم **جواب** واجب میشود رها کردن او و حرام است ذبح ان و اگر فرار کند از دست او و تلف شود ضامن نیست **سؤال** اگر داخل کنند در حرم مرغی را که پرهای او را بریده باشند چه کند **جواب** واجب است حفظ ان تا وقتیکه پرهای او بلند شود و اگر رها کند صیدی را از حرم واجب است که بر گرداند او را بسوی حرم و اگر تلف شود پیش از بر گردانیدن ضامن است **سؤال** کسیکه در حال احرام در حرم است حکمش چیست **جواب** هرچه واجب شده بود بر محرم در حل بسبب صید کردن و بر محل در صید کردن در حرم جمع میشود در باره محرمیکه در حرم صید کند و حکم براین قرار است تا اینکه کفاره

پیدا شود

بیک شتر یوسا بلکه مطلقا بنابر اظهر و احوط **سؤال** اگر ذبح
کند صید را در حرم چه صورت دارد **جواب** میته خواهد
شد خواه صید کننده محل باشد یا محرم ولی اگر محل صید کند
او را در خارج حرم و ذبح کند او را در انجا بعد از ان داخل حرم
کند حلال است **سؤال** شخص مالک میشود صید در حرم را
جواب بلی مالک میشود اگرچه واجبست بر او رها کردن
سؤال رها کردن صید یکه واجبست مخصوص بان صید یست که
در نزد او حاضر است یا انکه تعمیم دارد **جواب** مختص است بصید
حاضر نه صیدی را که در وطن خود گذاشته و خود داخل حرم
شده است واجب نیست رها کردن او **سؤال** قطع اشجار
و گیاه حرم چه صورت دارد **جواب** واجبست که بر گرداند
انرا بسوی مکان و کفاره در درخت بزرگ یک گاو است
و در درخت کوچک یک گوسفند و در اجزاء ان قیمت ان است
سؤال اگر شک کند در بزرگی و کوچکی درخت چه باید کرد
جواب ملحق میشود بکوچک مثل الحاق متوسط باو و معتبر
در بزرگی و کوچکی حکم عرف است **سؤال** اخذ لقطه حرم
چه صورت دارد **جواب** اظهر حرمت اخذ است اگرچه
محتمل است که حکم کنیم بجواز اخذ به نیت رسانیدن آن به
صاحبش

صاحبش واحوط بلکه اقوی آنستکه مالك نمیشود انرا اگرچه کمتر
از درهم بوده باشد پس باید یکسال انرا تعریف کند و بعد از ان
تصدق کند بان اگر صاحبش پیدا نشود **سؤال** اگر کسی مرتکب
شد کاری که حد یا تعزیر برا او واجب شد یا خود را مورد قصاص کرد
و پناه برد بسوی حرم خدا چه باید کرد **جواب** تنگ میگیرند
برا او در خوردن و آشامیدن تا آنکه از حرم بیرون بیاید
و انرا بگیرند و حد یا تعزیر برا او جاری کنند یا قصاص از او
استیفا نمایند و اگر در حرم مرتکب یکی از افعال مذکوره
شود بمقتضا فعل او با او رفتار میکنند **سؤال** مسجد
رسول خدا صلی الله علیه و اله و مشاهد ائمه علیهم السلم ملحق
هستند بحرم در حکم مذکور **جواب** دور نیست که حکم
بالحاق بشود **سؤال** منع کردن حجاج و معتمرین را از منزل
کردن در خانهای مکه چه صورة دارد **جواب** منع اینها
مکروه است و شیخ طوسی حکم بحرمت کرده است و این قول موافق
احتیاط است و اول کسیکه حجاج را از منزل کردن در خوانه
منع کرد در مکه معویه بود **سؤال** بلندتر کردن عمارات
مکه از کعبه چه صورة دارد **جواب** مکروه است اگرچه
مسجد بوده باشد بلکه بعضی حرام دانسته اند و احوط ترك
آنست

البته **سؤال** اگر مردم حج و زیارة پیغمبر صلی الله علیه و آله را ترک کنند چه باید

نمود **جواب** از برای والی هست که اجبار نماید ایشان را بران

و خبری هم درین باب وارد است و ظاهر آنستکه اجبار بر هر دو لازم

نیست بلکه این امر بر سبیل کفایه میباشد پس اجبار میکنند الی حجی را

و اگر چیزی نداشته باشند از بیت المال مدد میکند و اولی آنستکه

گفته شود اگر مردم ترک کنند اقامت و سکنی را در حرمین والی اجبار

میکند جمعی را بران **خاتمه** در کفارات و آنچه متعلق است بان در سه

مقام است **مقام اول** در بیان کفاره مرتبها و جمعها

و مخیرها آنهاست **سؤال** هرگاه کسی شتر در غرا بکشد کفاره

او چه چیز است **جواب** کفاره ان یک بدنه است بنا بر احوط

و آن عبارة از شتر ماده است اگرچه دور نیست که شتر نر هم مجزی

باشد **سؤال** اگر از بدنه عاجز شد چه کند **جواب** (قیمت)

آنرا میدهد و گندم میخرد و بر هر مسکین دو مد تصدق میکند

بنا بر احوط بلکه اقوی **سؤال** اگر قیمت بدنه قاصر باشد از

وفا کردن بشصت مسکین لازم است که اضافه نماید **جواب**

لازم نیست اضافه تا آنکه وفا بشصت مسکین بکند اگرچه اضافه

نمودن موافق احتیاط است **سؤال** اگر قیمت بدنه زیاد بر

باشد از مقدار اطعام شصت مسکین زیاده را چه کند **جواب**

بر او واجب

در بیان کفارات مقام اول

براو واجب نيست دادن زياده را سؤال اگر عاجز شود از قيمة
بدنه چه كند جواب بجاى هر دو مد يك روز روزه بگيرد بلكه
احوط شصت روز روزه گرفتن است هرچند كه قيمت سوقيمة بدنه
كمتر باشد از وفا نمودن باطعام شصت مسكين سؤال اگر حصة
يك فقير كسر شود و بقدر يك مد مثلا باو قسمت برسد چه كند
جواب احوط آنستكه بجاى آن كسر يك روز روزه بگيرد اگرچه
دور نيست كه بگوييم كه بعوض آنكسر روزه گرفتن واجب نيست
سؤال اگر عاجز شود از تمام شصت روز چه بايد بكند جواب
بايد هيجده روز روزه بگيرد و واجب نيست زياده از هيجده روز
عاجز شود احتياطا هرچه مقدور است بگيرد اگرچه واجب نيست
بنا بر اظهر سؤال اگر يكماه مثلا روزه گرفت بعد عاجز
شد چه كند جواب دور نيست كه بگوييم هيجده روز روزه
براو واجب است مگر آنكه نيت كرده باشد آنچه را كه بر ذمه او است
بگمان آنكه آن عبارة است از دو ماه پس در اين هنگام هرچه از
او واقع شده است مجزى است بنا بر اظهر سؤال تتابع در
روزه دو ماه و روزه هيجده روز لازم است جواب
تتابع در اينها لازم نيست سؤال در كشتن گنجشك و قبره
كه آنرا بفارسى چكاوك ميگويند و صعوه كه آنرا بفارسى برقه

[illegible]

[illegible]

چين

چه می‌گویند چه لازم میشود **جواب** کفاره کشتن اینها یک
مد از طعام است و احوط ضم نمودن یک گوسفند است با و از جهة
احتراز کردن از مخالفت صدوقین **سؤال** کفاره کشتن قطاة و
کبک و دراج چه چیز است **جواب** بکره است که از شیر بریده
باشند و خود بچرد **سؤال** در کشتن حمام که مرغیست مطوق
مطوق سبز یا سرخ یا سیاه که محیط باشد بگردن آن یا مرغیست که
منقار خود را باب نهاده باتصال آب را میخورد خلاف مرغهای
خانگی که قطره قطره آب را میخورند چه چیز واجب است **جواب** در
قتل حمام باید یک گوسفند قربانی کند بلکه از کلام بعضی از علما
ظاهر میشود که حکم ثابتست از برای مطلق طائر نه خصوص حمام
و این حق است بجهة دلالت نص صحیح بر آن **سؤال** کشتن ملخ را
در احرام موجب چه میشود از کفاره **جواب** کفاره او عبارة
است از یک کف طعام یا یک دانه خرما بر وجه تخییر و احوط جمع است
میان اینها **سؤال** اگر ملخ را بکشد و بخورد چه باید بدهد
جواب یک قربانی بر او لازم میشود بنا بر احوط بلکه اقوی
و احوط آنست که گوسفند قربانی کند و احوط آنست که یک خرما
و یک کف از طعام بر آن ضم کند **سؤال** اگر ملخ بسیار باشد
پس همه اینها را بکشد چه لازم میشود بر او **جواب**

لازم

لازم است بر او یک گوسفند قربانی کردن بلکه احوط مرغانان
است بمجرد زیاد شدن از یک ملخ وضم نمودن یک کف از خرما ابوی
ان احوط است سؤال اگر از جهت وفور ملخ در اثنای راه نتوانند
خود را حفظ نمایند از کشتن چه باید بکنند جواب در این هنگام
بر او چیزی نیست سؤال اگر کسی شکستن تخم شتر مرغ را در آن جوجه
بود که بحرکت آمده بود و بسبب شکستن تخم جوجه تلف شد چه باید
بدهد جواب بکثر ماده جوان با بلوغ قربانی بکند سؤال
اگر حرکت جوجه در میان تخم معلوم نبود بعد از شکستن تخم چه کند
جواب احوط در باره او آنستکه بعدد تخمهای شکسته شتر ماده
جمع کند و همچنین بعدد آنها شتر نر جمع کند و نرها را در میان
آنها رها کند هر چه از آنها متولد شود قربانی خانه خدا کند،
اگر چه دور نیست که بگوییم از نر آنقدر لازم است که کفایت بدهد
ماده ها را بحسب عادة سؤال اگر از امر مذکور عاجز شود تکلیفش
چیست جواب بعوض هر تخم یک گوسفند قربانی بکند و اگر
از آن نیز عاجز شود سه روز روزه بگیرد سؤال آیا واجبست
ترتیب کردن بچههائیکه حاصل میشوند جواب ترتیب لازم
نیست بلکه جایز است صرف نمودن آنها از جهت تولید و مصرف
آنها سؤال کفایت میکند مجرد رها کردن نر در میان ماده ها

جواب

جواب کفایت نمیکند بلکه لازم است که مشاهده کند جنس
نر را بر هر یک از ماده‌ها و بداند که تمام ماده‌ها صلاحیت حمل دارند
و فرقی نیست در شکستن تخم میان آنکه خودش بمباشره بشکند یا به
توسط چهار پای خود آنرا بشکند **سؤال** شکستن تخم قطا در حرم
در حالتیکه جوجه در میان آن بحرکت آمده باشد چه باید بدهد **جواب**
واجب است که بعوض هر یک یک گوسفند جوان قربانی کند و احوط
بلکه اقوی آنست که قابل حمل بوده باشد **سؤال** اگر در وقت
شکستن تخم جوجه در میان او بحرکت نیامده بود چه کند **جواب**
کفاره او رها کردن قوچها است در میان گوسفندان ماده که عدد
آنها مساوی عدد تخم شکسته باشد هرچه حاصل شود قربانی خانه
خدا کند و اگر عاجز شود حکم او حکم کسی است که تخم شتر مرغ را بشکند
بنا بر احوط و اقوی و احوط جاری کردن حکم قطا است بر تخم کبک
و دراج اگرچه دور نیست جاری کردن حکم حمام بر آن **سؤال**
در کشتن جوجه حمام چه لازم میشود **جواب** مخیر است در دادن
بکره یا بک بزغاله **سؤال** اگر کسی پا بگذارد بر روی تخم کبوتر
کفاره اش چیست **جواب** بنا بر احوط باید بکره قربانی کند
اگرچه جوجه در میان آن حرکت نیامده باشد اگرچه دور نیست
که حکم جوجه بر او جاری بشود **سؤال** اگر تخم را بشکند بطوری
که جوجه

که حیوحید درمیان انجرکت مینه باشلچه باید بدهد جواب
بر محرم یک درهم است و بر محل در حرم ربع درهم و بر محرم در حرم
یک درهم و ربع است سؤال فرقی هست در احکام مذکوره میان
کبوتر اهلی و کبوتر حرم جواب فرق نیست و احوط آنستکه
بقیمت کبوتر حرم دانه از برای کبوتران حرم بخرد و احوط آنستکه
کندم بوده باشد اگرچه دور نیست که غیر آن نیز مجزی بوده باشد
چنانکه دور نیست که مجزی باشد تصدق کردن بان نیز و معین است
تصدق نمودن بان نیز و معین است تصدق نمودن بقیمت کبوتر
اهلی و اگر مملوک باشد ضامن است از برای مالک نیز قیمت سوقیه
آن را نیز بنابر اظهر سؤال در کشتن زنبور چیزی باید داده
شود جواب در مسئله اقوال بسیار است لکن از اخبار
دلالت بر وجوب کفاره بر نمی‌آید و احوط در صورت عمد تصدق
کردن است بکفی از طعام از برای یک زنبور و اگر متعدد باشد پس
بعوض هر یک یک کف بدهد و احوط آنستکه در کشتن زنبورهای
متعدده یک صاع بدهد مگر آنکه بعوض هر یک یک کف دادن نقوی
زیاده تصدق شود احوط آنستکه اگر بسیار باشد علاوه بر
آن یک گوسفند نیز قربانی کند اگرچه دور نیست که در مقام حصول
استحباب اکتفا بدادن چیزی از طعام میتوان کرد سؤال

در غیر این طیور مثل کبوتر از سایر مرغها چه باید بدهد جواب
در غیر آنچه ذکر شد از طیور یک گوسفند باید قربانی کند و در
جوجههای اینها بکره یا بزغاله و در تخم اینها بکند هم باید بدهد
مقام دویم در کفاره وحوش و غیر اینها از حیوانات
سؤال کفاره کشتن گاو کوهی را بیان فرمایید **جواب** باید
یک گاو اهلی قربانی کند چنانچه در حمار وحشی هم نیز یک گاو اهلی
باید قربانی کند **سؤال** اگر عاجز شود از عین آنچه کند **جواب**
قیمتش را بدهد گندم بخرد و تصدق نماید و بهر مسکین دو مد
بدهد تا سی نفر و زیاده بر آن واجب نیست **سؤال** اگر از قیمت
او هم نیز عاجز شود تکلیفش چیست **جواب** عوض هر دو مد یک
روز روزه بگیرد و اگر از آن نیز عاجز شود شش روز روزه
بگیرد **سؤال** اگر کسی آهو بره بکشد بر او چه لازم میشود **جواب**
یک گوسفند و دور نیست که بکشد یا بکشد و نیز مجزی باشد
از گوسفند **سؤال** اگر عاجز شود از گوسفند و غیر آن که مجزی
بود چه کند **جواب** قیمت گوسفند را گندم میدهد و
از آن تصدق مینماید و بهر مسکین دو مد میدهد تا ده نفر و
زیاده از آن واجب نیست **سؤال** اگر از قیمت هم عاجز شود
چه باید نمود **جواب** عوض هر دو مد یک روز روزه
بگیرد

کفاره ...

بکیرد اگر از آن نیز عاجز شود سه روز روزه بگیرد سؤال در
کشتن روباه و خرگوش چه لازم میشود که باید داد جواب
کفاره اینها یک گوسفند است و حکم عاجز شدن از گوسفند بر
وجهی است که در آهو ذکر شد بنا بر اظهر و تتابع در این روزها
واجب نیست سؤال کفاره کشتن سوسمار و خار پشت و موش
دشتی چه چیز است جواب بکیر غاله و جماعتی ملحق کرده اند
با اینها امثال اینها را و این قول تعالی از وجه نیست و احوط آن
است که بزغاله نیز باشد سؤال در کشتن چلپاسه چه چیز لازم
میشود جواب جمعی یک کف از طعام را واجب دانسته اند و جمعی
نفی کفاره کرده اند و این اظهر است اگر چه اول احوط است سؤال
در کفاره کشتن شیر اختلاف است میان علما چه باید داد جواب
قول بعدم کفاره بعید نیست اگر چه دور نیست که بگوئیم یک
قوچ لازم میشود در کشتن در حرم بلی احوط آنست که آنکه کفاره
در غیر حرم نیز بیک نشود حتی اگر شیر قصد او را نداشته باشد
سؤال چیزها ئیکه در شرع فدیه خاصی از کفاره نرسیده است
چه باید داد جواب باید قیمت آنها اعتبار شود و هم
چنین است حکم در تخمها ئیکه از برای آنها تقدیر خاص نیست
و همچنین است حال در جوجه و مضاعف میشود قیمت در
صورتیکه

صورتیکه محرم بوده باشد در حرم مادامیکه نرسیده باشد بقیمت
شتر و قیمت سوخته ثابت میشود باخبار دو عادل سؤال در
مرغ آبی و قاز و کلنک و امثال اینها چه باید داد جواب اکثر
از دو امر از گوسفند و قیمت آن و همچنین است حکم در هر مرغیکه
از برای آن کفاره مخصوص نیست اگرچه دور نیست که حکم بقربانی
کردن یک گوسفند بشود در جمیع مذکورات سؤال چیزهائی
که قیمت ندارد مثل شپش و مگس و امثال اینها از چیزهائی
که حرام است متعرض شدن آنها چه باید داده شود جواب
دادن چیزی لازم نیست ولی در فعل او معصیت است و باید
استغفار کند سؤال شتر و گاو و گوسفند بره مماثلت
نوعیه در اینها کفایت میکند در اسقاط کفاره یا آنکه زیادة
معتبر است جواب مماثلت نوعیه عرفیه کفایت میکند پس
جایز است که در عوض صید معیب معیبی را که مثل آن باشد
در نوع عیب قربانی کند مثل اینکه عوض صید کور کور را بدهد
بلکه جایز است مطلق معیوب مثل آنکه در عوض کور لنک بدهد
بلکه جایز است که در مقابل صحیح معیوب بدهد و افضل دادن
صحیح است اگرچه در عوض معیب باشد سؤال هرگاه صدمه
برساند بصید حامل که بچه خود را سقط کند و بعد از آن

هردو

[illegible] هر دو بمیرند چه باید بدهد جواب فدا باید داد مادر ایشان
[illegible] ان و بچه را مثل ان از حیوان کوچک و اگر هر دو زنده مانند چیزی
[illegible] بر او نیست و اگر یکی از ان دو معیوب بشد تفاوت میان معیوب و صحیح
و اگر یکی از انها مرد و دیگری زنده ماند کفاره مرده بر او واجب است
نه زنده سؤال اگر چنین صید بچه خود را بی روح سقط کرده
از ان زحمت و الا عزی عارض شد چه صورة دارد جواب در
این صورة داخل در عنوان معیوب است باید در ان تفاوت قیمت بدهد
اگر شک کنند در حیوة بچه ان حیوان چیزی بر او نیست سؤال
مجرد ایجاد سبب نمودن مثل بستن در بسوی انچیزیکه رسیده بود
منع کشتن ان بمباشره مثل کشتن بمباشرت است در لزوم کفاره
جواب ثابت نشده فداء بمباشره کشتن واضح است و اما گرفتن
و ایجاد سبب نمودن پس اینکه اگر مؤدی بهلاک و تلف شد
فداء لازم است و اگر مؤدی بهلاک نشد و انها را رها نمود
پس ظاهر اینست که در ان فدا نیست بلکه مجرد معصیت ثابت میشود
اگر چه احوط فدا دادن است بمطلق گرفتن و حبس کردن و حکم تخم
حکم حیوان است در انچه ذکر شد سؤال کفاره ثابت میشود
در خوردن اینها در صورتیکه غیر او را صید کرده باشد یا اینکه
خود صید کرده باشد در حال محل بودن یا نه جواب ثابت

میشود

میشود کفاره چنانچه ثابت میشود بطریق کشتن صید تنها شمرده
و تسبیب **سؤال** اگر کسی تیری بسوی صید انداخت و باو نخورد
یا آنکه شک کرد که آیا تیر با آن برخورده است یا نه چه باید بدهد **جواب**
چیزی بر او نیست و همچنین است حکم هرگاه بداند که تیر با آن برخورده
است لکن اثر نکرده است یا آنکه شک کنند در تأثیر آن **سؤال** اگر
دو نفر تیر بیندازند بسوی صید و یکی از ایشان خطا کند چه حکم
دارد **جواب** مقتضی حدیث خاص حکم بلزوم فدا است و این حکم
مختص بدو نفر است و جاری نیست در زیاده بیشتر از دو نفر خواه
مصیب متعدد باشد و خواه مخطی و همچنین فدا لازم است در صور
تیر انداختن و مجروح نمودن صید و غائب شدن او و نحو آنکه معلوم
نباشد **سؤال** اگر شریک شوند دو نفر محرم یا بیشتر در کشتن
صید چه چیز واجب است بر اینها **جواب** بر هریک از اینها فدای
کامل لازم میشود **سؤال** اگر صید مملوک خود را با خود داخل
در حرم نمود از ملک او بیرون میرود **جواب** بیرون رفتن
از ملک او مذهب جماعتی است و جمعی دیگر گفته اند که از ملک او بیرون
نمیرود ولی واجب است رها کردن آن و ثمره این خلاف ظاهر میشود
در جائیکه کسی آن صید را بگیرد یا بر او جنایتی واقع سازد بنا بر
اول ضامن نیست از برای مالک چیزی بخلاف ثانی که ضامن است

مقرر

بقادر جنایت نصرت قوی ثانی دو قول است سؤال اگر
این صید را رها نکرد تا مرد چه صورة دارد جواب باید عوض
آنرا از باب کفاره قربانی کند و بفقرا بدهد و بیرون بمرود از مال
او صیدیکه در خوانه خود دارد سؤال اگر صیدی در دست او
باو دیعه یا عاریه باشد و دزد بصاحبش ممکن نباشد چه کند
جواب بعضی گفته اند که رد کند بولی او که وکیل یا حاکم شرعست
واگر ممکن نشود رد باینها بشخص عادل تسلیم نماید ولی دلیل
بر این قول نیست سؤال هرگاه صیدی را بخرد یا هبه شود باو
مالک میشود و میتواند بخرد جواب در حال احرام است
داخل نمودن صید بملک خود و اگر کرد مالک میشود و فعل حرام
کرده است و دور نیست که بگوئیم بارث مالک میشود اگرچه واجب است
براو رها کردن سؤال هرگاه محرم صیدی را بکشد دو نکاه دارد
و دیگری ذبح کند واجبست براو کفاره جواب بلی واجبست
خواه ذبح کننده محل باشد یا محرم سؤال اگر بغلط چهارپای
او بصید یا ملخ چه صورة دارد جواب ضمانی براو نیست و
ضامن است هر جنایتی که از حیوان او صادر شود در صورتیکه سوار
شونده او عامل باشد سؤال هرگاه نشان بدهد محرم صیدی
در حل یا در حرم چه صورة دارد جواب ضامن است اگر بکشد

او را کسی

نیز اکسیکه صید را بان نشان داده خواه کشنده محرم باشد یا
محل یا محل در خارج حرم صید را بمحرم نشان بدهد فدا لازم
نیست **سؤال** اگر سگ شکاری یا باز خود را تحریص کند بگرفتن
صید چه صورت دارد **جواب** اگر بکشد صید را ضامن میشود
سؤال هرگاه یکی از چیزهائیکه موجب کفاره است در بارهٔ
محل در حرم یا در بارهٔ محرم در خارج حرم از کسی صادر شود که محرم
باشد در حرم چه صورت دارد **جواب** لازم میشود براو دو
کفاره مادامیکه کفاره آن عمل بیشتر نباشد که اگر کفاره دو ایر سه
بوده باشد مثل کشتن شتر مرغ مثلا اکتفا بهمان میشود **سؤال** در
ضمان قیمت یا فدا فرق هست میان انکه عمدا اقدام بر موجب کفاره
کرده باشد یا سهوا **جواب** فرق نیست میان عمد و غیر عمد مگر
در ثبوت معصیت در عمد و عدم ثبوت ان در غیر ان بنا بر اقوی
و همچنین فرق نیست میان اختیار و اضطرار مگر در انچه گذشت
از حکم ملجی که در احتراز از ان مشقت باشد **سؤال** هرگاه مکرر
شود صید از محرم چه حکم دارد **جواب** هرگاه از روی عمد
باشد ضامن میشود کفاره را در هر دفعه و اگر از روی عمد باشد
ضامن نمیشود مکرر دفعه اولرا بنا بر اقوی لکن این حکم در صید
است که در حال الحرام اتفاق بیفتد و اما صید در حرم که ضامن
میشود

شود از محل پس ظاهر انستکه حکم از مکرر شدن کفاره است مطلقا و همچنین حکم مذکور مختص میباشد بعمد بعد از عمد و باحرام واحد

سؤال فدائیکه باید داده شود از حیوان یا طعام یا قیمت بدچه باید صرف شود **جواب** واجبست صرف در راه خدا خواه صید مملوک باشد یا غیر مملوک بلی در صورة اولی بایدکه قیمت انرا بمالک بدهد پس فداء اگر حیوان نباشد تصدق میباید و اگر حیوان باشد باید اول انرا ذبح کند بنیت کفاره بعد از ان تصدق کند بر فقیر و واجب نیست تعدد در فقیر مگر در جائیکه بر وجه مخصوص در شرع رسیده باشد مثل الطعام شصت مسکین در محل ان و مخیر است در فداء کبوتر حرم میان تصدق کردن بان و دانه خریدن از برای کبوتران حرم و دویم افضل است

سؤال قربانیکه از برای صید لازم میشود بکجا باید ذبح یا نحر نمود **جواب** اگر معتمر باشد احوط انستکه در مکه در برابر کعبه و اگر حاج باشد در منی اگرچه دور نیست که جایز باشد ذبح یا نحر در همانجا که کفاره باو متعلق شده است و جایز استکه معتمر تاخیر کند انرا تا منی و جایز نیست تاخیر از منی و اگر در انجا ممکن نشود قربانی کند در هنگام رسیدن بجای خود و برین قرار است حکم طعام و نحو ان و احوط انستکه قربانی در همانجا که ممکن میشود اگرچه واجب

نیست

نیست بنا بر اظهر **سؤال** اگر قربانی کردن گوسفندی بذمه او
تعلق بگیرد و از آن عاجز شود چه کند **جواب** واجبست بر او
که ده فقیر را طعام بدهد و اگر از آن نیز عاجز شود سه روز روزه
میگیرد و احوط آنستکه آنسه روز را در حج روزه بگیرد **سؤال**
علامه در کتاب منتهی فرموده است که مصرف احسان حجاج از قربانی
و غیر آن مساکین حرم میباشند و همچنین است حکم در صدقات
ایشان مراد از مساکین حرم کیانند **جواب** ظاهر اینستکه مراد
آنکسانی هستند که در حرم حاضر میباشند خواه از اهل حرم بوده
باشند یا غیر اهل حرم **سؤال** کفاراتیکه در حرم لازم میاید
مصرف او چیست **جواب** مصرف آنها فقراء و مساکین هستند
و احوط آنستکه آنها را نیز بمساکین حرم صرف نمایند **مقام**
سیم در کفاره استمتاع از زنان و سایر کفارات است **سؤال**
کسی مجامعت کند با زوجه خود بعد از احرام حج با علم بحکم و تعمد
چه صورت دارد **جواب** علما گفته اند حج او فاسد میشود
و واجب میشود بر او چهار چیز اول تمام کردن حج است دوم
یکشتر کفاره دادن سیم حج نمودن در سال آینده اگرچه حج
اول مستحب بوده باشد یا آنکه بنیابت باشد چهارم تفریق
در میان ایشان است **سؤال** تفریق هست در حکم مذکور

مقام سیم در کفاره

میان

میان زوجه دائمه و منقطعه **جواب** فرق نیست و احوط آنست که
الحاق شود بزوجه در حکم مذکور کنیز خود و همچنین کنیز غیر که
تحلیل کرده باشند او را بوی چنانکه احوط الحاق اجنبیه وطی شده
ذکور و حیوانات نیز میباشد اگرچه اقوی عدم الحاق است **سؤال**
فرق هست در وطی میان وطی در دبر و قبل **جواب** مشهور
میان علما رضوان الله علیهم عدم فرق است و این قول اقوی است
سؤال آیا حج اول فرض میباشد و دویم عقوبت یا بعکس **جواب**
در میان علما خلاف است اگرچه اول اظهر است و ظاهر میشود
فائده در نیت عمل و در حکم کسیکه اجیر حج شده باشد از برای
سال اول بخصوصه یا آنکه نذر کرده باشد در همان سال پس بنا
بر اینکه فرض اول بوده باشد استحقاق اجرت دارد و مخالفت
نذر نکرده بخلاف آنکه فرض دویم باشد **سؤال** اگر زوجه او هم
در احرام بوده و برغبت خود اقدام بر جماع نماید چه صورت دارد
جواب لازم میشود بر او آنچه مذکور شد که بر مرد واجب است
و اولی آنست فرض در لزوم امور مذکوره بر زوجه انصورتی
است که اقدام از جانب او باشد با علم بحکم و تعمد فعل بدون
آنکه مرد عالم او عامد باشد **سؤال** اگر زوجه را اکراه نماید
بر امر مذکور چه صورت دارد **جواب** حج او صحیح و کفاره
بر او نیست

بر او نیست بلکه کفاره او با کفاره خود هر دو بعهده مرد است و بر
زوجه لازم نیست که در سال بعد حج کند و اما تفریق فرق نیست
میان آنکه زوجه مکرهه باشد یا مطاوعه سؤال مراد از تفریق
که لازم است چه چیز است جواب مراد از تفریق آنست که زوج
و زوجه خلوت نکنند پس باید که با یکدیگر ننشینند مگر آنکه با
ایشان ثالثی باشد و بعضی ثالث را مقید کرده است بآنکه ممیز
باشد پس در تحقق افتراق اعتبار بغیر ممیز نیست و این کلام نیکو
است و حکم تفریق چنانچه در حج اول ثابت میباشد همچنین
در حج ثانی قضائی نیز ثابت است سؤال آخر وقت تفریق چه
وقت است جواب اخبار در این باب مختلف است و احوط
هم آنست که تا رجوع کند بمکانیکه در آن اقدام بر آن فعل محرم
کرده اند سؤال اگر از راه دیگر برگردد چه کند جواب
بعد از اتمام مناسک افتراق لازم نیست و باید دانست که آنچه گذشت
از احکام مختص کسی است که مختار و عامد و عالم بحکم و با احرام
خود بوده باشد اما غیر صاحب این اوصاف پس بر او چیزی نیست
بلکه حج خود را اتمام میکند و عمل او مجزی است سؤال اگر
کسی دیگر اکراه کند مرد را بر مجامعت یا اکراه کند زوجه را یا
هر دوی ایشان را چه صورت دارد جواب بهیچ وجه کفاره

لازم

لازم نمیشود و انچه گذشت از وجوب اتمام و لزوم قضا و کفاره
و نفر بودر صورتیست که جماع بعد از تلبیه احرام و پیش از وقوف
مشعر بوده باشد و اما اگر پیش از تلبیه یا بعد از وقوف مشعر بوده
باشد تنها کفاره بر او لازم است لکن لزوم کفاره در اینصورت
وقتی است که مجامعت قبل از تجاوز نمودن از چهار شوط طواف نسا
بوده باشد اما اگر بعد از ان نموده باشد پس بر او کفاره نیست
سؤال اگر شخص محل غنی مجامعت کند با کنیز خود که داخل احرام
شده باشد باذن او چه صورت دارد جواب کفاره کنیز بر
عهده اوست و مخیر میباشد در قربانی کردن یک شتر یا یک گاو
یا یک گوسفند سؤال اگر شخص فقیر مرتکب این عمل بشود چه
کند جواب اگر قدرت نداشته باشد مگر بر قربانی کردن
یک گوسفند مخیر است میان ان و روزه و کفایت میکند روزه
یک روز و بعضی گفته که کمتر از سه روز کفایت نمیکند و این قول
احوط بلکه اقوی است در صورت انتفاء عجز یا علم یا اذن چیزی
بر مولی نیست سؤال فرق هست در کنیز میان انکه یا اکراه
اقدام بر مجامعت نموده باشد یا بطوع و رغبت جواب
الظاهر تخییر و فتاوی اکثر علما مقتضی عدم فرق است و بعضی
گفته اند که واجبست قضا و کفاره بر کنیز بکه بطوع و رغبت

اندام بران کرده باشد پس باید یکشتر قربانی کند و اگر ممکن نشود
از قربانی کردن بجای آن هیجده روز روزه بگیرد پس واجبست
بر ولی که اذن بهد او را در کفاره و متحمل شود مصارف آنرا
و این قول احوط است سؤال اگر کسی در حال احرام با ذکر خود
بازی کند پس منی بیرون بیاید چه کند جواب باید یکشتر
قربانی کند خواه در حال بازی کردن با ذکر قصد بیرون
آمدن منی باشد یا نه سؤال کسیکه بقصد و استمنا از خود
منی بیرون بیاورد بغیر بازی کردن با ذکر از اسباب ملاعبه
با زوجه یا دست زدن ببدن او یا نظر کردن بسوی او یا بسوی
اجنبیه و امثال اینها چه صورت دارد جواب باید یکشتر
قربانی کند سؤال کسیکه زوجه خود را ببوسد در حال
احرام حکمش چیست جواب اگر بوسیدن او بشهوه بوده
باشد و منی از او بیرون بیاید واجبست بر او که یکشتر قربانی
کند و همچنین است حکم در صورت بوسیدن بشهوه لکن منی
بیرون نیاید سؤال اگر ببوسد زوجه خود را بدون
شهوه و منی بیرون آید چه باید کرد جواب واجبست بر
او که یک گوسفند قربانی کند سؤال کسیکه دست ببدن
زوجه خود بمالد با شهوه چه صورت دارد جواب باید

ير

یک گوسفند قربانی کند اگر منی بیرون نیاید و اگر بیرون آمد پس
واجبست که علاوه بر گوسفند یک شتر قربانی کند و اگر دست به
بدن زوجه بمالد بدون شهوت بر او چیزی نیست اگرچه منی بیرون
بیاید **سؤال** اگر نظر کند بر زوجه خود از جهت نظر چیزی
بر او هست **جواب** چیزی بر او نیست خواه بشهوت باشد یا بدون
شهوت و اگر با نظر انزال شود در صورت اقتران نظر بشهوت
واجبست که یک شتر قربانی کند و در صورت عدم اقتران آن
بشهوت چیزی بر او نیست **سؤال** اگر کسی بغیر زوجه خود از
زنهای اجنبیه نظر کند و از او منی بیرون بیاید چه باید بدهد
جواب اگر غنی باشد باید یک شتر قربانی کند و اگر متوسط
باشد یک گاو قربانی کند و اگر فقیر باشد یک گوسفند قربانی
کند و در غیر آنچه مذکور شد از اقسام استمتاع کفاره نیست
سؤال اگر کسی صدای زن اجنبیه را بشنود یا آنکه ببیند اجنبیه را
که کسی با او جماع میکند یا آنکه کسی وصف کند اجنبیه را از
برای او و از او منی بیرون بیاید چیزی بر آن هست **جواب**
در این صورت کفاره بر او نیست مگر آنکه خودش با این احوال
قاصد بیرون آمدن منی بوده باشد و منی هم بیرون آید
پس محتمل است که بگوییم که در این هنگام بر او واجبست که یک

شتر

شتر قربانی کند سؤال کسیکه جماع کند در احرام عمره پیش
از سعی چه لازم میشود جواب اگر عمره او عمره مفرده باشد
فاسد میشود و واجبست بر او که یک شتر قربانی کند و باید
عمره را قضا کند و اما عمره حج تمتع پس اقوی آنست که حکم آن حکم
عمره مفرده است بلکه ظاهر آنست که تفریق نیز در آن واجبست
بلکه ظاهر وجوب تفریق است در مطلق عمره و همچنین واجبست
قضای حج نیز در عمره تمتع بنا بر صورتیکه عمره را پیش از
حج بجا آوردن ممکن نشود بجهت ضیق وقت سؤال اگر شخص
محرم عقد نکاح بخواند از برای مرد دیگر و معقود له دخول
کند بمعقود علیها چه صورت دارد جواب واجب میشود
بر عاقد که یک شتر قربانی کند چنانچه واجب میشود بر زوج
که یک شتر قربانی کند سؤال کسیکه استعمال کند طیب را که
در حال احرام استعمال آن حرام است چه باید بدهد جواب
واجبست که یک گوسفند قربانی کند مطلقا خواه ببدن خود
بمالد و خواه داخل طعام یا شراب خود نماید و خواه بو کند
چنان دست بزند که چیزی از آن بدست او بچسبد و چه هوا
بوی او را بیاورد و او استشمام کند و خواه خود را بآن
حقنه کند و خواه از آن سرمه چشم خود کند و غیر از اینها از

انواع

انواع استعمالات اگرچه دور نیست حکم بعدم لزوم کفاره در زعفر
خوردن و بدن مالیدن و کفاره نیست برا و در خلوق کعبه اگر
چه دران زعفران هست و نه در فواکه و ریاحین و امثال آن
سؤال اگر کسی ناخن خود را بچیند چه باید بدهد جواب
واجبست برا و که مقابل هر ناخن یک مد طعام بدهد سؤال
اگر ناخنهای دستها و یا پاهای خود را در یک مجلس بچیند کفارهٔ او
چیست جواب یک گوسفند قربانی کند و اگر ناخن هر
یک از دستها و پاها را در مجلس علیحده بگیرد دو گوسفند
قربانی کند سؤال حکم ناخن انگشت زاید چه چیز است
جواب احوط الحاق انست بانگشت اصلی در حکم وجوب
مد و یک گوسفند اگرچه دور نیست که بگوئیم در زاید مد لازم
نیست سؤال اگر بعض ناخنهای خود را بچیند و کفارهٔ
انرا بدهد و بعد از ان باقی ناخنهای خود را بچیند چه صورت
دارد جواب احوط انست که جمع نماید میان یک مد از برای هر
ناخن و یک گوسفند یا دو گوسفند از برای جمیع اگرچه دور نیست
که بگوئیم یک گوسفند یا دو گوسفند مجزی است سؤال
اگر در اثنای ناخن چیدن یک گوسفند قربانی کند بقصد کفارهٔ
دستها و پاها و بعد از ان ناخنهای دستها و پاها را تماما

بچیند

بچیند در یکمجلس چه صورة دارد جواب هست چیست بر او که یك گوسفند دیگر قربانی کند بنا بر احوط اگر چه دور نیست که بگوئیم قربانی یك گوسفند دیگر بر او لازم نیست سؤال بعض ناخنها مثل تمام ناخن است جواب احوط اینست و بنا اگر چه دور نیست بگوئیم که در بعض ناخن کفاره نیست بر او تا آنکه تمام کند چیدن همه آن ناخن را اگر چه در دو وقت باشد سؤال اگر ناخنهای هر دو دست را با ناخنهای یکپا بچیند یا بعض ناخنهای دو پای خود را بچیند در یکمجلس چه صورة دارد جواب کفاره آن یك گوسفند است و اگر باقی ناخنها را در مجلس دیگر بچیند پس بر او یك گوسفند دیگر لازم است سؤال بعض باقی را در مجلس دیگر بچیند چه باید بدهد جواب لازم است که از برای هر ناخن یکمد طعام کفاره بدهد و اگر ناخنهای یکدست و یکپا را بچیند پس بر او بعدد انگشتان مد طعام لازم میشود و بر این قیاس هرگاه ناخنهای دست را بچیند و یکناخن از آنها را مثلا باقی بگذارد یا آنکه ناخنهای پاها را بر این قرار بچیند و بدانکه آنچه گذشت از کفاره در صورة عمد است و اما در صورة نسیان یا سهو یا جهل کفاره بر او نیست سؤال کسیکه فتوی بدهد محرم را بناخن چیدن پس او ناخن بچیند بفتوای آن مفتی پس از آن خون

در آید

در اینحکمش چیست **جواب** واجبست بر مفتی که یک کوسفند قربانی
کند و همچنین است حکم اگر نقل کند فتوی را بسوی محرم بنا بر اظهر و
ظاهر عدم اشتراط احرام مفتی است و همچنین شرط نیست اهلیت مفتی
از برای افتاء **سؤال** اگر مفتی متعدد باشد چه صورت دارد **جواب**
اگر بقول یکی از ایشان عمل کرده بر او واجبست یک کوسفند و اگر
بقول همه عمل کرده پس بر جمیع ایشان یک کوسفند واجب میشود
بطریق اشتراک بنا بر احوط و احوط از آنست که هر یک یک کوسفند
قربانی کنند و اگر فتوی را بکسی بکوید که او بدیگری باو عمل نماید
بر مفتی نیز یک کوسفند لازم است بنا بر اظهر **سؤال** اگر عمداً ناخن
خود را بجنون اندازد بر مفتی چیزی هست **جواب** بر او چیزی
لازم نمیشود و اگر فتوی بدهد او را بجنون انداختن یا بغیر آن از
محرمات بر او چیزی نیست بنا بر اظهر **سؤال** اگر مستفتی ادعا
کند چون افتادن ناخن خود را چه صورت دارد **جواب** واجب
نیست بر مفتی تصدیق او اگر چه احوط آنستکه او را تصدیق نماید
سؤال کسیکه رخت دوخته پوشد در حال احرام چه باید بدهد
جواب باید یک کوسفند قربانی کند مطلقا حتی اگر مضطر
شود بپوشیدن آن بجهة دفع سرما یا کرما اگر چه در صورة اضطرار
معصیت نکرده باشد و استثنا از بر جامه محل تامل است و در

بنیز کم

نیستنکه بگوییم پوشیدن موزه در حال ضرورة بلکه مطلقا موجب
کفاره نیست اگرچه احوط ثبوت کفاره است از برای جمیع اینچیزیکه
حرام است پوشیدن آن در حال اختیار مثل زره که بافته شده باشد
و بخوان اگرچه از ثوب نگویند و حکم استدامه پوشیدن مثل
ابتدا است سؤال هرگاه لباس دوخته را از روی نسیان
پوشید بعد از آن متذکر شد چه صورة دارد جواب واجبست
کند آن را اجماعا لکن کفاره ندارد و اگر تاخیر انداخت بعد از تذکر
کفاره بر او لازم میشود سؤال اگر دو لباس متحد در صنف را
یکدفعه پوشید بر او چه چیز است جواب یک کفاره لازم
میشود و اگر دو لباس و اگر از دو صنف میباشند یکدفعه پوشید
ظاهر اینست دو کفاره لازم میشود سؤال اگر لباس واحد را
دو مرتبه پوشید چه صورة دارد جواب اگر بعد از پوشیدن
اول و قبل از دوم کفاره داده باید از برای دوم کفاره دیگر بدهد
و اگر نداد یک کفاره از برای هر دو کافیست خواه دو لباس را
در یک مجلس پوشیده باشد در دو مجلس سؤال اگر هر دو لباس در
صنف مختلف باشند با آنکه بعد از دفعه اول کفاره داد و پوشید
چه کند جواب کفاره متعدد میشود و اگر چنین نباشد متعدد
نمیشود و واجب نیست کفاره در صورة پوشیدن لباس دوخته
ازروی

از روی نسیان یا جهل سؤال اگر سر خود را بتراشد بواسطه
آنکه از تب بوی ضرر رساند نیز تراشیدن او چه صورت دارد جواب
باید یک گوسفند قربانی کند یا سه روز روزه بگیرد یا بر شش
مسکین تصدق کند باینمعنی که بهر یک از ایشان دو مد طعام
بدهد سؤال اگر سر تراشیدن او از جهت اذیت نبوده باشد
چه باید بدهد جواب باید یک گوسفند قربانی کند و فرق
نیست در هر دو صورت میان تراشیدن تمام سر و بعض آن کم
باشد یا زیاد مگر آنکه بسیار کم باشد مثل یک مو یا دو یا سه موی
اگرچه ممکن است که در این صورت نیز حکم بثبوت کفاره شود بلکه
اقوی اینست سؤال اگر موی را از غیر سر بتراشد چه باید بدهد
جواب واجبست بر او که یک گوسفند قربانی کند و همچنین
است حکم در ازاله موی سر یا غیر آن بدون تراشیدن مگر در
جائیکه نص خاص وارد شده است چنانچه میاید انشاء الله تعالی
سؤال اگر موی زیر هر دو بغل را بکند چه صورت دارد جواب
باید یک گوسفند قربانی کند و اگر موی یکی از آنها را بکند
سه مسکین را باید طعام بدهد سؤال محرم اگر موی ریش
خود را یا سایر اعضای خود را که غیر موی زیر بغل باشد
بکند خواه کم باشد خواه زیاد یا آنکه دست بسر یا بر ریش یا

غیر اینها

غیر آنها بما الدلیل بکو با بشر بیفتد چه صورت دارد **جواب** واجب
است بر او یک کف یا دو کف از طعام یا سویق تصدق کند یا آنکه
بیکدانه خرما کرفته تصدق نماید و فرقی نیست در حکم مذکور
میان افتادن موی در حال وضو یا غسل یا غیر اینها بنا بر اقوی
سؤال در حال راه رفتن اگر سایه کند در سر خود چه باید
بدهد **جواب** واجبست بر او یک کوسفند قربانی کند و فرق
نیست که کاو یا شتر نیز مجزی باشد و فرق نیست میان حال اختیار
یا اضطرار بنا بر احوط بلکه اقوی **سؤال** اگر مکرر بر سر خود
سایه انداختن کفاره مکرر میشود بمکرر شدن موجبات **جواب**
مکرر نمیشود کفاره مکر آنکه در یک احرام نباشد مثل آنکه یکی
در احرام عمره و دیکری در احرام حج واقع شود و احوط آنستکه
بکویم که با اختلاف مکرر میشود کفاره **سؤال** اگر مرد سر خود را
بپوشد چه باید بدهد **جواب** یک کوسفند باید قربانی
کند و ظاهر آنستکه مکرر میشود کفاره بمکرر شدن موجب
اگر بعد از موجب سابق کفاره داده باشد بخلاف آنکه
نداده باشد پس مکرر نمیشود در این هنکام و مکرر نمیشود
بمتعدد بودن آنچیزیکه سر خود را بان پوشانیده است و فرق
نیست در لزوم کفاره میان حال اختیار و اضطرار از آنچه

مذکور شد معلوم میشود که در ارتماس نیز قربانی لازم است سؤال اگر سر خود را بپوشاند بگل یا برداشتن چیزی بر سر چه صورت دارد جواب مبنی است بر حرمت و عدم حرمت آن واحوط بلکه اقوی حرمت و لزوم کفاره میباشد سؤال اگر سر خود را بپوشاند و سایه بان نیز درست کند چه صورت دارد جواب برای دو قربانی لازم است بنا بر احوط بلکه اقوی و اگر بعض سر خود را بپوشاند برای کفاره نیست مگر آنکه بانی بسیار کم بوده باشد بنا بر اظهر اگر چه احوط کفاره است مطلقا سؤال کفاره از برای فسوق که دروغ گفتن است چه چیز است جواب چیزی نیست بر فاعل آن مگر استغفار و سزاوار آنستکه بعد از آن تلبیه کند و تصدق بچیزی اگر چه یک کف از طعام باشد و اولی آنستکه یک گاو قربانی کند و اگر با ارتکاب دروغ گفتن دشنام نیز بکسی دهد احوط آنستکه یک گاو قربانی کند اگر چه واجب نیست بنا بر اظهر سؤال جدال یعنی لا و الله و بلی والله گفتن از روی صدق و راستی باشد کفاره هست برای او جواب کفاره نیست برای او مگر در صورتیکه زیاد از دو دفعه باشد پس لازم استکه یک گوسفند قربانی کند مطلقا بنا بر اظهر اگر چه احوط آنستکه یک گوسفند بکر قربانی

کند

کذا اگر سه دفعه دیگر قسم بخورد و اگر از روی دروغ باشد
پس در یکدفعه آن یک قربانی لازم است و در دو دفعه آن یک گاو
و احوط آنستکه در اینصورت گوسفندی یا بزی با گاو قربانی کند و در
سه دفعه آن یک شتر و احوط آنستکه گوسفند را نیز در اینصورت ترک
نکند و همچنین است حکم در بیشتر از سه و شرط نیست در واجب شدن
کفاره بسه دفعه قسم خوردن متوالی و پی در پی بودن اینها بنا
بر احوط بلکه اقوی **سؤال** کسیکه مضطر شود بسوی قسم خوردن
از برای اثبات حق یا نفی باطل چیزی بر او هست **جواب** آنست
آنستکه کفاره نیست و همچنین در قسمیکه در طاعت خدا و بجهت
صله رحم و اکرام مؤمن بوده باشد **سؤال** وجوب قربانی
کردن یک گاو بسبب دو دفعه قسم خوردن و وجوب قربانی
کردن شتر بسه دفعه در چه صورت است **جواب** در صورتیست
که از قسم سابق کفاره نداده باشد پس اگر از هر یک کفاره داده
باشد در سیم نیز یک گوسفند لازم میشود نه غیر آن و اگر یکی
کفاره داد و دو تا ماند یک گاو قربانی کند **سؤال** قاعده
کلیه این مسئله را بیان فرمائید **جواب** قاعده او آنستکه باید
عدد مذکور ملاحظه شود خواه در ابتدا و خواه بعد از کفاره
پس کفاره یکمرتبه یک گوسفند است و کفاره دو مرتبه یک گاو است و کفاره

و کفاره سر مرتبه بیشتر است و کفاره نیست در غیر اینها مذکور
شد از ترک احرام مکرر دندان کندن که بنا بر روایت ضعیفه
کفاره آن یک گوسفند و قربانی کردن است و احوط مراعات آن است
سؤال اگر متعدد شود اسباب مختلفه کفاره مثل صید کردن
و مجامعت نمودن و رخت دوخته پوشیدن و ناخن گرفتن و
استعمال طیب کردن چه صورت دارد جواب از برای هر یک یک
کفاره لازم است خواه در یک وقت بعمل آید خواه در اوقات
متعدد چه کفاره اول را داده باشد چه نداده باشد سؤال
تکرر وطی چه محقق میشود جواب بعود نمودن بسوی مجامعت
بعد از اخراج تمام ذکر اگرچه در یک حال بوده باشد سؤال
اگر سر خود را بتراشد بعد از آن مو بروید و بعد از آن دوباره
بتراشد کفاره مکرر میشود جواب کفاره آن مکرر میشود
بنا بر احوط بلکه اقوی سؤال اگر بعض سر را وقت صبح بتراشد
و بعض دیگر را وقت ظهر و همچنین تا اکمال نماید سر تراشیدن را
چه صورت دارد جواب احوط آنستکه کفاره را مکرر
کند بشمار صورتیکه کفاره اول را داده باشد سؤال
اگر سر و زیر بغل و زهار خود و امثال آنرا بتراشد چه صورت
دارد جواب از برای هر یک یک کفاره است مطلقا اگرچه

همه را یک

همه اینها در وقت واجب عرفی واقع شوند بنا بر احوط بلکه اقوی
و همچنین مکرر میشود بمکرر شدن طیب بوسیدن زنان و نظر
و لمس و استمنا و پوشیدن سر و سایه بر سر کردن بنا بر احوط
بلکه اقوی سؤال جاهل و صغیر و مجنون و غیر متعمد در این
امور چیزی لازم میشود بر اینها جواب کفاره نیست بر اینها
مگر در صید و در افتادن موی ریش بسبب دست بردن بر ریش و
بخوان چنانکه گذشت سؤال اگر محرم بپوشد یا بخورد آن
چیزی را که حلال نیست پوشیدن یا خوردن آن از چیزها همه
از برای کفاره اینها بر وجه خصوص در شرع مقدار معین مقرر
نشده است چه صورت دارد جواب مثل خوردن گوشت
مرغ مثلا باید یک گوسفند قربانی کند سؤال کفاره که
متعلق بمجنون میشود چه نوع است جواب کفاره تعلق
بمال او میگیرد پس اگر از برای او افاقه حاصل شد خودش
از مال خودش میدهد و اگر از برای او افاقه حاصل نشد
ولی او از مال او میدهد و اما مجنونیکه ولی او داخل احرام
کرده باشد در حال جنون پس کفاره آن بر ولی است مثل غیر
بالغ سزاوار آنست که ختم شود کلام بذکر احکام متعلقه
بمدینه طیبه بدانکه مستحب مؤکد است زیارت قبر جناب پیغمبر ص

در زیارة همه مردم خصوصًا در زیارة حجاج بلکه اجبار میکنند
امام عم یا نایب خاص یا نایب عام او ابتنا بر زیارت چنانکه مذکور
شد و در افضلیت ابتداء بمکه وختم بمدینه و عکس آن اخبار مختلف
است ولی اگر در حال قصد مکه مرور او بمدینه بیفتد اشکالی
نیست در افضلیة ابتدای بمدینه زیراکه ترک زیارة در این
هنگام نوعی از جفا میباشد و در غیر این صورة دلیلی بر ترجیح
نیست و بالجمله سنت است غسل بجهة دخول در مدینه خواه
متصل بدخول بوده باشد یا قبل از آن و همچنین غسل سنت
است بجهة دخول در مسجد النبی ص و زیارة النبی و اگر در
حین غسل اول نیت هر سه غسل نماید ان شاء الله مجزی خواهد
بود و بعضی از اعاظم علما فرموده اند که داخل مسجد رسول
خدا ص شود از در حضرت جبرئیل و اند در نسبکه از جانب بقیع
مفتوح میشود و بجهة منتجنا بحضرت امام رضا ع عرض
کردند از کیفیت سلام بر جناب رسول خدا ص نزد قبر مقدس
آنحضرت فرمود که بگو السَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ
وَآلِهِ السَّلَامُ عَلَیکَ یا حَبِیبَ اللهِ السَّلَامُ عَلَیکَ یا صَفوَةَ
اللهِ السَّلَامُ عَلَیکَ یا اَمِینَ اللهِ اَشهَدُ اَنَّکَ قَد نَصَحتَ
لِاُمَّتِکَ وَجَاهَدتَ فِی سَبِیلِ رَبِّکَ وَعَبَدتَهُ حَتَّی اَتَاکَ الیَقِینُ

فجزاك الله افضل ما جزى نبيا عن امته اللهم صل على محمد
وال محمد افضل ما صليت على ابرهيم انك حميد مجيد و مسح
است و بقبله عمود ه و منكب ايسر را بجانب غير مقدس جناب
رسول خدا و منكب ايمن را بجانب منبر اسر و د عمود ه و بكويد
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمدا
عبده و رسوله و اشهد انك رسول الله و اشهد انك محمد بن
عبد الله و اشهد انك قد بلغت رسالات ربك و نصحت
لامتك و جاهدت في سبيل الله و عبدت الله حتى اتاك اليقين
بالحكمة و الموعظة الحسنة و اديت الذي عليك من الحق
و انك قد رؤفت بالمؤمنين و غلظت على الكافرين فبلغ
الله بك افضل شرف محل المكرمين الحمد لله الذي استنقذنا
بك من الشرك و الضلالة اللهم فاجعل صلواتك و صلوات
ملائكتك المقربين و عبادك الصالحين و انبيائك المرسلين
و اهل السموات و الارضين و من سبح لك يا رب العالمين
من الاولين و الاخرين على محمد عبدك و رسولك و نبيك
و امينك و نجيك و حبيبك و صفيك و خاصتك و صفوتك
و خيرتك من خلقك اللهم اعطه الدرجة و الوسيلة في
الجنة و ابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون و الاخرون

اللهم

اللّهمّ انّك قلت ولو انّهم اذ ظلموا انفسهم جاءوك فاستغفروا
اللّه واستغفر لهم الرّسول لوجدوا اللّه توّابا رحيما وانّي
اتيتك نبيّك مستغفرا تائبا من ذنوبي وانّي اتوجّه اليك
بنبيّك نبيّ الرّحمة محمّد صلّى اللّه عليه وآله يا محمّد انّي اتوجّه
بك الى اللّه ربّي وربّك ليغفر لي ذنوبي بعد از ان دو رکعت نماز
زیارت بکند و حوائج خود را از درگاه خداوند عالم مسئلت
نماید و سنّت است که بسیار نماز در ان مسجد نماید خصوصاً در
روضه که عبارت از ما بین منبر و قبر شریف آنحضرت است در
طول و اما در عرض بعضی تحدید نموده اند که از منبر است تا جهار
ستون متوالی از مسجد و در حدیث معتبر بلکه صحیح مرویست که
چون از دعا کردن نزد قبر شریف آنحضرت فارغ شوی برو
نزد منبر پس دست بران بمالد و دو گوشه پایین منبر را دست
زده بچشمهای خود بمالد که باعث شفای چشم میشود و حمد
وثنای الهی را نزد منبر بجای بیاورد و حاجتهای خود را از
درگاه با رفعت خداوند عالم مسئلت نماید و از جمله آداب
مؤکّده در مدینه مشرّفه زیارت سیدة نسا است و چونکه
جناب حضرت امیر عم بمقتضای وصیت معصومه معصومه را
در شب دفن فرمودند مخفی لهذا در موضع قبر شریف آن

سیدهٔ نسا مدفون باشد

سیدة

سیده نسا اختلاف کرده اند بعضی گفته اند که در حجره شریفه
خود دفن شده و بعضی گفته اند که در روضه که ما بین قبر شریف
جناب رسول خدا ص و منبر آنحضرت است دفن شده و بعضی گفته
اند در بقیع دفن شده ولی اقوی اول است چنانچه مشهور ما بین
سنی و شیعه است و لکن اولی آنست که زیارة آن معصومه در هر سه
مکان شود بلکه در بقیع در سه موضع زیارة آن معصومه نمایند
یکی زیارة نمایند آن معصومه را با ائمه بقیع دوم قبریست پیش
صندوق ائمه بقیع علیهم السلام و حال در بقیع متداول شده
است که مواجه آن قبر می ایستند و زیارة آن معصومه مینمایند
و بعضی این قبر را قبر فاطمه بنت اسد که مادر جناب امیر المؤمنین
است میدانند و سیم در بیت الاحزان و در تمام این سه جا زیارة آن
معصومه در این مواضع نمودن اگرچه بی عیب است لکن مظنون
بظن قوی آنست که قبر شریف آن معصومه در خانه شریف او میباشد
که حال صندوق در آن مکان میباشد و ظهور آثار عظمت و
جلال در آن مکان دلیل قوی بر این مطلب است و زیارة آن معصومه
در کافی چنین مذکور است اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا سَیِّدَةَ نِسآءِ العا
لَمِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا والِدَةَ الحُجَجِ عَلَی النّاسِ اَجْمَعِینَ اَلسَّلامُ
عَلَیْکِ اَیَّتُهَا المَظْلُومَةُ المَمْنُوعَةُ عَن حَقِّها اَلسَّلامُ عَلَیْکِ
اَیَّتُها

اَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَظْلُومَةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِضْعَةَ النَّبِيِّ ص
بعد از ان بگو اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَمَتِكَ وَابْنَةِ نَبِيِّكَ وَزَوْجَةِ وَصِيِّ
نَبِيِّكَ صَلٰوةً تُزْلِفُهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ اَهْلِ
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرَضِينَ پس هر حاجت که داری بخواه بدانکه سنت
است در مقام حضرت جبرئیل که گفت ثانی ذا نام اسند عابحق
اَيْ جَوَادُ اَيْ كَرِيمُ اَيْ قَرِيبُ اَيْ بَعِيدُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ و از جمله اداب زیارت
ائمه بقیع ع است یعنی جناب حضرت امام حسن و امام زین العابدین
و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام ثقة الاسلام
در کافی ذکر فرموده بعد از انکه در بقیع بقبر این بزرگواران
رسیدی قبر ایشان را پیش روی خود قرار بده و بگو السَّلَامُ
عَلَيْكُمْ يَا اَئِمَّةَ الْهُدٰى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ التَّقْوٰى السَّلَامُ
عَلَيْكُمْ يَا حُجَجُ عَلٰى اَهْلِ الدُّنْيَا السَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الْقُوَّامُ
فِي الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ الصَّفْوَةِ السَّلَامُ
عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ النَّجْوٰى اَشْهَدُ اَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ عَنِ اللّٰهِ وَنَصَحْتُمْ
وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللّٰهِ وَكُذِّبْتُمْ وَاُسِيءَ اِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ
وَاَشْهَدُ اَنَّكُمُ الْاَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ وَاَنَّ
طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَاَنَّ قَوْلَكُمُ الصِّدْقُ وَاَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ

بیان زیارت حضرت فاطمه علیها السلام

بیان زیارت ائمه بقیع

فَلَمْ

فَلَمْ تُجَابُوا وَاَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَاَنْتُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ وَاَرْكَانُ
الْاَرْضِ وَلَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللّٰهِ يَنْسَخُكُمْ فِي اَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ
وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ اَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدَنِّسْكُمْ جَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءِ
وَلَمْ تَشْرَكْ فِيكُمْ فِتَنُ الْاَهْوَاءِ طِبْتُمْ وَطَابَ مَنْبَتُكُمْ اَنْتُمُ
الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ دَيَّانُ الدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ اَذِنَ
اللّٰهُ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ
رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا اِذِ اخْتَارَكُمْ لَنَا وَطَيَّبَ خَلْقَنَا
بِمَا مَنَّ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وِلَايَتِكُمْ وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ وَ
بِفَضْلِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَصْدِيقِنَا اِيَّاكُمْ وَهٰذَا مَقَامُ مَنْ اَسْرَفَ
وَاَخْطَاَ وَاسْتَكَانَ وَاَقَرَّ بِمَا جَنَى وَرَجَا بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ
وَاَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْكَى مِنَ النَّارِ فَكُونُوا لِي
شُفَعَاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ اِلَيْكُمْ اِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ اَهْلُ الدُّنْيَا وَاتَّخَذُوا
آيَاتِ اللّٰهِ هُزُوًا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو
وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنُّ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَ
عَرَّفْتَنِي بِمَا ائْتَمَنْتَنِي عَلَيْهِ اِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَجَحَدُوا
مَعْرِفَتَهُمْ وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِمْ وَمَالُوا اِلَى سِوَاهُمْ فَكَانَتِ
الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ اَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ
فَلَكَ الْحَمْدُ اِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي مَذْكُورًا مَكْتُوبًا

وَلَا

ولا تحرمني ما رجونه ولا تخيّبني فيما دعوته بحرمة محمّد و
آله الطّاهرين وصلّى الله على محمّد وآل محمّد بعد از آن هر دعا
كه خواهی بكن و از جملهٔ زيارات جامعه كه در جميع روضات مقدّسه
منسوبات تلاوه نمود اينست السّلام على أولياء الله وأصفيائه
السّلام على أمناء الله وأحبّائه السّلام على أنصار الله وخلفائه
السّلام على محالّ معرفة الله السّلام على مساكن ذكر الله السّلام
على مظاهر أمر الله ونهيه السّلام على الدّعاة إلى الله السّلام
على المستقرّين في مرضات الله السّلام على المخلصين في طاعة
الله السّلام على الأدلّاء على الله السّلام على الّذين من
والاهم فقد والى الله ومن عاداهم فقد عادى الله ومن
عرفهم فقد عرف الله ومن جهلهم فقد جهل الله ومن اعتصم
بهم فقد اعتصم بالله ومن تخلّى منهم فقد تخلّى من الله أشهد
الله أنّي سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم مؤمن بسرّكم
وعلانيتكم مفوّض في ذلك كلّه إليكم لعن الله عدوّ آل
محمّد من الجنّ والإنس وأبرء إلى الله منهم وصلّى الله على محمّد
وآله و بهترين زيارات در هريك از اماكن مشرّفه و روضات
مطهّرهٔ هريك از ائمّه عليهم السّلم زيارت جامعهٔ كبيره است كه كامل
ترين زيارات است و مناسب اين است كه پس از فراغ از زيارت

ائمّهٔ بقيع

ائمه بقیع ع زیارة کند قبر ابرهیم فرزند رسول خدا ص در بقیع
و همچنین قبر عبد الله بن جعفر و فاطمه بنت اسد و قبور سایر
صحابه و تابعین که در آنمکان شریف مدفون میباشند بعد از آن
برود بجانب احد و زیارة نماید حمزه و سایر شهدا را و در زیارة
جناب حمزه میگوئی السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَمَّ رَسُولِ اللهِ وَخَیْرَ الشُّهَداءِ
السَّلمُ عَلَیْکَ یا اَسَدَ اللهِ وَاَسَدَ رَسُولِهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ
جاهَدْتَ فِی اللهِ وَنَصَحْتَ لِرَسُولِ اللهِ وَجُدْتَ بِنَفْسِکَ وَطَلَبْتَ
ما عِنْدَ اللهِ وَرَغِبْتَ فِیما وَعَدَ اللهُ بعد از آن دو رکعت نماز
میکنی و ثواب او را هدیه مینمائی بآنحضرت و در زیارت سایر
شهدای احد چنین وارد شده است که بعد از آنکه نزد قبور
ایشان رسیدی در آنجا بایستی و بگوئی السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَهْلَ الدِّیارِ
اَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ وَاِنّا بِکُمْ لاحِقُونَ و اگر توانی در آنجا سوره
از قرآن تلاوة نما و ثواب او را هدیه کن بارواح شریفه ایشان
که مناسب است و در کافی مرویست بسند صحیح که جناب رسول
خدا ص وقتیکه میرسیدند بقبور شهدا میفرمودند السَّلمُ
عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدّارِ بدانکه اماکن مشرفه چند
است در مدینه که اتیان بآنها و عبادة در آنها مطلوبست اول
مسجد قبا است که مشهور است مسجد ذی القبلتین دویم فضیح

در بیان زیارت حمزه و سایر شهدای احد

در بیان اماکن مشرفه که در مدینه طیبه واقع است

در حدیث معتبر وارد شده است در وجه تسمیه این مسجد بخدمت
جناب امام جعفر صادق ع عرض کردند که بچه سبب این مسجد را
مسجد فضیح مینامند فرمودند چونکه نخلی که در ان هست مسمی
بفضیح است باین سبب این مسجد را فضیح مینامند و در این مسجد رد
شمس شد تا جناب امیر المؤمنین علیه السلام نماز را در وقت
در دلت نماید مشربه ام ابرهیم است یعنی غرفه مادر ابرهیم
فرزند رسول خدا ص و در روایتی وارد شده است که شخصی
بخدمت جناب امام جعفر صادق ع عرض کرد که ما میرویم به
مساجدیکه در اطراف مدینه است بکدام یک ابتدا کنیم جواب
فرمودند که ابتدا کن بمسجد قبا پس نماز بسیاری بکن در ان
مسجد بعد از ان برو بمشربه ام ابرهیم و نماز کن در ان که مسکن
جناب رسول خدا است و مصلی انجناب بوده بعد از ان می
روی بمسجد فضیح پس دو رکعت نماز در ان مسجد بکن بدانکه
مسجد قبا مسجد یست در قبا و اول مسجد یست که جناب رسول
خدا ص در ان مسجد نماز کردند بعد از هجرت از مکه معظمه و
مراد از مسجدیکه در سوره برائة مذکور است که فرموده لمسجد
اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه همین مسجد است
این مسجد معروف است و اهل قبا غالب شیعه اند و این مسجد

در سمت

در سمت جنوب مدینه واقع است بمسافت دو میل از جناب رسالتمآب مرویست که هر کس در مسجد قبا دو رکعت نماز کند ثواب یک عمره باو میدهند و مسجد فضیخ که واقع است در سمت شرقی مسجد قبا و آن مسجد نیز معروف است چهارم مسجد احزاب است که در سمت دیگر مدینه واقع است و مسجد فتح نیز میگویند و آن مسجدیست که دعا کرد در آن جناب پیغمبر در روز احزاب پس خدا نعمت باو فتح و نصرت کرامت کرد و آن واقع است بر قطعه از کوه سلع که بدو پله بر آن بالا میروند و در جانب قبله او از طرف پائین دو مسجد دیگر هست یکی از آنها منسوبست بامیر المؤمنین و دیگری بسوی حضرت سلمان علیه الرحمة و سنت است که در مسجد احزاب این دعا خوانده شود یا صریخ المکروبین و یا مجیب دعوة المضطرین اکشف غمی و همی و کربی کما کشفت عن نبیک همه و غمه و کربه و کفیته هول عدوه فی هذا المکان و در بعض اخبار تصریح نیز بهم رسیده است باین نوع که مستحب است ابتدا کردن بمسجد قبا پس غرفه مادر ابرهیم بعد از آن مسجد فضیخ بعد از آن احد و ابتدا کند در احد بمسجدی که نزدیک سنگلاخ است بعد از آن قبر حمزه بعد از آن قبور شهداء بعد از آن مسجدیکه در مکان دو سبع است بعد از آن نماز در نزد

تبرد

بنور شهدا بعد از آن مسجد فتح و از جمله اعمال مستحبه موکده
روزه گرفتن سه روز است در مدینه طیبه خواه قصد اقامه
عشره ایام داشته باشد یا نه و روزه این سه روز در حق مسافر
جایز نباشد و این سه روز روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه
میباشد و روزه این سه روز از برای طلب کردن حاجات
خود و اعتکاف کند در مسجد مدینه و بسیار نماز کند در آن
و شب چهارشنبه در نزد ستون ابی لبابه که آن ستون توبه است
نماز کند و روز چهارشنبه در نزد آن بنشیند و در شب پنج
شنبه در نزد آن ستونیکه پیش ستون ابی لبابه است به نشیند
و آن مقام جناب رسول خدا است صلی الله علیه و آله آن شب را و فردای
از آن در نزد آن بماند بعد از آن بیاید نزد ستونیکه پیش مقام
پیغمبر است پس شب جمعه و روز جمعه را در نزد آن نماز کند و
تا میتواند در این روزها بچیزی از امور دنیا تکلم نکند مگر
بقدر ضرورت و بیرون نرود از مسجد مگر از برای شغل لازم
و نخوابد شب و روز را اگر تواند و اگر نتواند اکتفا کند در
خوابیدن بقدریکه دفع کند ضرر را از بدن خود و اگر در شب
و روز کم بخوابد عیب ندارد و در روز جمعه حمد کند خدا را
و ثنا کند بر او و صلوات بفرستد بر پیغمبر ص و سؤال کند حاجت
خود را

استثنا شده است اگرچه صوم نافله در حق مسافر ۱۲

خود را و بگوید در جمله دعاهای خود اللّهمّ ما کانت لی الیک
مِن حاجةٍ شرعتُ انا فی طلبها والتماسها او لم اشرع وسألتکها
اَو لم اسألکها فانّی اتوجّه الیک بنبیّک نبیّ الرحمة فی قضا
حوائجی صغیرها و کبیرها و وجه اشتهار این استوانه باستوانه
ابی لبابه و استوانه توبه آنستکه ابو لبابه با جمعی دیگر در بعضی سفرها
که جناب رسول خدا بجهاد تشریف میبردند تخلف نمود و خود را
از شرافت رکاب آنسرور محروم نمود بعد ملتفت شده نادم شد و
لحوق بآنحضرت ممکن نبود آمد خود را بآن ستون محکم بست
و سوگند یاد نمود که آب و طعام نخورد تا آنکه بمیرد یا خداوند
عالم توبه او را قبول فرماید و در بعضی احادیث وارد شده
است که تا هفت روز چنین بود و از شدت عطش و جوع بیهوش
شد جناب رسول خدا از سفر معاودت فرمودند نظر بعادت
شریفه داخل مسجد شدند بجهة نماز بعد از ملاحظه ابی لبابه
و غیره از حال ایشان تفحص فرمودند حقیقت حال ایشانرا بعرض
آنسرور رسانیدند و عرض کردند که ابو لبابه قسم یاد نموده
که تا جناب رسول خدا بدست مبارک خود او را وا نکنند
خود را وا نکرده باشد حضرت فرمودند من هم سبقت
بر امر حق تعالی نمینمایم تا خطابی از جانب خداوند عالم برسد بعد از

بعد از آن آیه بشارت قبول توبه نازل شد و آخرون اعترفوا بذنوبهم
خلطوا عملاً صالحاً و آخر سيئاً عسى الله ان يتوب عليهم ان الله
غفور رحيم آنوقت جناب رسول خدا بدست مبارک خود بند را
گشودند و مستحب است که در وقتی که میخواهی از مدینه بیرون روی
غسل بکن بعد از آن مشرف میشوی بقبر جناب رسول خدا ص بعد
از زیارت آنسرور دعا و طلب حوائج خود را از خلاق عالم و
در مقام وداع آنحضرت چنین میگوئی اللّهمّ لا تجعله
آخر العهد من زيارة قبر نبيك فان توفيتني قبل ذلك فاني
اشهد في مماتي على ما شهدت عليه في حيوتي ان لا اله
الا انت و ان محمداً عبدك و رسولك صلى الله عليك يا
رسول الله و لا جعله الله آخر تسليمي عليك و مخفی نماند که سزاوار
است که بجهت یمن و برکت ذکر نمائیم در خاتمه این کتاب بعض ادعیه
ماثوره که وارد شده است خواندن آنها در اوقات مخصوصه
و در اماکن شریفه بدانکه مستحب است در وقت شروع در غسل
احرام تا وقت غسل کردن که این دعا را بخواند بسم الله و بالله
اللّهمّ اجعله لي نوراً و طهوراً و حرزاً و امناً من كل خوف
و شفاءً من كل داءٍ و سقمٍ اللّهمّ طهرني و طهر لي قلبي و
اشرح لي صدري و اجر على لساني محبتك و مدحتك

والثناء

وَالثَّناءَ عَلَيكَ فَإنَّهُ لا قُوَّةَ لي إلّا بِكَ قَدْ عَلِمْتُ أنّ قِوامَ
دِيني التَّسْلِيمُ لِأمْرِكَ وَالإتِّباعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ
وَآلِهِ و مستحب است در وقت پوشیدن جامهٔ احرام این دعا را بخواند
الحَمْدُ لِلّهِ الَّذي رَزَقَني ما أُوارِي بِهِ عَوْرَتي وَأُؤَدّي فيهِ فَرْضي
وَأعْبُدُ فيهِ رَبّي وَأنْتَهي فيهِ إلى ما أمَرَني رَبّي الحَمْدُ لِلّهِ
الَّذي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَني وَأرَدْتُهُ فَأعانَني وَقَبِلَني وَلَمْ يَقْطَعْ لي
وَجْهَهُ أرَدْتُ فَسَلَّمَني فَهُوَ حِصْني وَكَهْفي وَحِرْزي وَظَهْري
وَمَلاذي وَمَلْجَأي وَمَنْجاي وَذُخْري وَعُدَّتي في شِدَّتي وَ
رَخائي و بعد از آن شش رکعت نماز احرام بعمل آورد و مستحب است
که بعد از شش رکعت نماز احرام این دعا را بخواند اللّهُمَّ إنّي
أسْألُكَ أنْ تَجْعَلَني مِمَّنِ اسْتَجابَ لَكَ وَآمَنَ بِوَعْدِكَ وَاتَّبَعَ أمْرَكَ
فَإنّي عَبْدُكَ وَفي قَبْضَتِكَ لا أُوقى إلّا ما وَقَيْتَ وَلا آخُذُ
إلّا ما أعْطَيْتَ وَقَدْ ذَكَرْتَ الحَجَّ فَأسْألُكَ أنْ تَعْزِمَ لي عَلَيْهِ
عَلى كِتابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُقَوِّيَني عَلى ما
ضَعُفْتُ وَتُسَلِّمَ مِنّي مَناسِكي في يُسْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ وَاجْعَلْني
مِنْ وَفْدِكَ الَّذينَ رَضِيتَ وَارْتَضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ اللّهُمَّ
إنّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعيدَةٍ وَأنْفَقْتُ مالي ابْتِغاءَ مَرْضاتِكَ
اللّهُمَّ فَتَمِّمْ لي حَجّي وَعُمْرَتي و مستحب است که در وقت نیت عمره

عمره تمتع ابتدا عمار بخواند اَللّهُمَّ اِنّی اُریدُ التَّمَتُّعَ بِالعُمرَةِ اِلَی الحَجِّ
عَلی کِتابِکَ وَسُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ فَاِن عَرَضَ لی
شَیءٌ یَحبِسُنی فَحُلَّنی حَیثُ حَبَستَنی لِقَدَرِکَ الَّذی قَدَّرتَ عَلَیَّ
بعد از آن نیت احرام که اول اجزاء عمره است نماید و در حدیث
وارد شده که در مقام تلبیه باین نحو بگوید لَبَّیکَ اَللّهُمَّ لَبَّیکَ
لَبَّیکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیکَ و در حدیث وارد شده است که در
مقام تلبیه باین نحو بگوید لَبَّیکَ اَللّهُمَّ لَبَّیکَ لَبَّیکَ لا شَریکَ لَکَ
لَبَّیکَ اِنَّ الحَمدَ وَالنِّعمَةَ لَکَ وَالمُلکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیکَ ذا
المَعارِجِ لَبَّیکَ لَبَّیکَ تُبدِئُ وَالمَعادُ اِلَیکَ لَبَّیکَ لَبَّیکَ داعِیاً
اِلی دارِ السَّلامِ لَبَّیکَ لَبَّیکَ غَفّارَ الذُّنُوبِ لَبَّیکَ لَبَّیکَ
اَهلَ التَّلبِیَةِ لَبَّیکَ لَبَّیکَ ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ لَبَّیکَ لَبَّیکَ
مَرهُوباً وَمَرغُوباً اِلَیکَ لَبَّیکَ لَبَّیکَ تُبدِئُ وَالمَعادُ اِلَیکَ
لَبَّیکَ لَبَّیکَ کَشّافَ الکُرَبِ العِظامِ لَبَّیکَ لَبَّیکَ عَبدُکَ وَابنُ
عَبدَیکَ لَبَّیکَ یا کَریمُ لَبَّیکَ و سنت است که در حین دخول
در حرم ابتدا عمار بخواند بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ اَللّهُمَّ اِنَّکَ قُلتَ
فی کِتابِکَ المُنزَلِ وَقَولُکَ الحَقُّ وَاَذِّن فِی النّاسِ بِالحَجِّ یَأتُوکَ
رِجالاً وَعَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأتینَ مِن کُلِّ فَجٍّ عَمیقٍ اَللّهُمَّ وَاِنّی اَرجُو
اَن اَکُونَ مِمَّن اَجابَ دَعوَتَکَ وَقَد جِئتُ مِن شُقَّةٍ بَعیدَةٍ

بیان تلبیه در مقام است

بیان ادعیه در وقت دخول حرم مستحب است

ومن

ومن حج عمرة سامعاً لندائك ومستجيباً لك مطيعاً لامرك
وكل ذلك بفضلك علي واحسانك الي فلك الحمد على ما
وفقتني له ابتغي بذلك الزلفة عندك والقربة اليك و
المنزلة لديك والمغفرة لذنوبي والتوبة علي منها بمنك
اللهم صل على محمد وال محمد وحرم بدني على النار وامني
من عذابك وعقابك برحمتك باكثرة مستحب سنة وتشكر به
مسجد الحرام رسبد نو فنيا بهو ابند عاد اخوانه السلام عليك
ايها النبي ورحمة الله وبركاته بسم الله وبالله ومن الله والى
الله وما شاء الله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه واله
وخير الاسماء لله والحمد لله والسلام على محمد رسول الله
والسلام على محمد بن عبد الله السلام عليك ايها النبي
ورحمة الله وبركاته السلام على انبياء الله ورسله السلام
على ابرهيم خليل الرحمن السلام على المرسلين والحمد لله
رب العالمين السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين اللهم
صل على محمد وال محمد وبارك على محمد وال محمد وارحم محمدا
وال محمد كما صليت وباركت ورحمت على ابرهيم وال ابرهيم
انك حميد مجيد اللهم صل على محمد عبدك ورسولك وعلى
ابرهيم خليلك وعلى انبيائك ورسلك وسلم عليهم وسلام

وَسَلَامُ اللهِ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي
أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي
بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُوَّارِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ اللّٰهُمَّ إِنِّي
عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مَأْتِيٍّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ
وَأَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَأَسْئَلُكَ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ بِأَنَّكَ
أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَبِأَنَّكَ
وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَأَنَّ
مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ
يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْئَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ
إِيَّايَ بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
بعد از آن سه مرتبه مى‌گويى اللّٰهُمَّ فُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ
عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَءْ عَنِّي شَيَاطِينَ الْإِنْسِ
وَالْجِنِّ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ واكر وقت مساعدت نمايد
از اين دعا كه مذكور شد اين دعا را بخواند در حالتى كه ايستاده
باشد در مسجد الحرام بگويد السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَمَا شَاءَ اللهُ
وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللهِ وَرُسُلِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللهِ

والسـ

والسلام على ابرهيم والحمد لله رب العالمين و مستحب است که
بعد از دخول در مسجد بایستند رو بکعبه و هر دو دست را
بلند نمایند و این دعا را بخوانند اللهم انی اسئلک فی مقامی هذا
فی اول مناسکی ان تقبل توبتی و ان تجاوز عن خطیئتی و
تضع عنی وزری الحمد لله الذی بلغنی بیته الحرام اللهم انی
اشهدک ان هذا بیتک الحرام الذی جعلته مثابة للناس
وامنا مبارکا وهدی للعالمین اللهم ان العبد عبدک
والبلد بلدک والبیت بیتک جئت اطلب رحمتک واؤم
طاعتک مطیعا لامرک راضیا بقدرک اسئلک مسئلة
المضطر الیک الخائف لعقوبتک اللهم افتح لی ابواب رحمتک
واستعملنی بطاعتک ومرضاتک و سنت است که در وقت نظر
کردن بکعبه این دعا را بخوانند الحمد لله الذی عظمک وشرفک
وکرمک وجعلک مثابة للناس وامنا مبارکا وهدی
للعالمین و سنت که محاذی حجر الاسود شد بعد از دخول در
مسجد الحرام بایستد و این دعا را بخواند اشهد ان لا اله الا
الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
امنت بالله وکفرت بالجبت والطاغوت وباللات والعزی
وبعبادة الشیطان وبعبادة کل ند یدعی من دون الله

و در وقت بوسیدن و دست مالیدن بحجر الاسود مستحب است
این دعا را بخواند اللّهمّ امانتی ادّیتها و میثاقی تعاهدته
لتشهد لی بالموافاة اللّهمّ تصدیقاً بکتابک و علی سنّة
نبیّک اشهد ان لا اله الّا اللّه وحده لا شریک له و انّ
محمّداً عبده و رسوله آمنت باللّه و کفرت بالجبت و الطّاغوت
و باللّات و العزّی و عبادة الشّیطان و عبادة کلّ ندّ یدعی
من دون اللّه و در اثنای آن که دست ها بلند کرده بگوید اللّهمّ
الیک بسطت یدی و فیما عندک عظمت رغبتی فاقبل سبحتی
و اغفر لی و ارحمنی اللّهمّ انّی اعوذ بک من الکفر و الفقر
و مواقف الخزی فی الدّنیا و الآخرة و همچنین مستحب است
در حال طواف خواندن این دعا اللّهمّ انّی اسئلک باسمک
الّذی یمشی به علی ظلل الماء کما یمشی به علی جدد الارض
و اسئلک باسمک الّذی یهتزّ له اقدام ملائکتک و
اسئلک باسمک الّذی دعاک به موسی من جانب الطّور
فاستجبت له و القیت علیه محبّة منک و اسئلک باسمک
الّذی غفرت به لمحمّد صلّی اللّه علیه و آله ما تقدّم من
ذنبه و ما تأخّر و اتممت علیه نعمتک ان تفعل بی کذا
و کذا پس آنچه بخواهد از مطالب دنیا و آخرة سؤال نماید که

مستحب است در طواف این کلمات بخواند

ان شاء اللّه

انشاء الله باجابت مقرون است در هر شوط از طواف
که بدر خانه کعبه میرسد صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و این
دعا را بخواند سائلک فقیرک مسکینک ببابک فتصدق علیه
بالجنة اللهم البیت بیتک والحرم حرمک والعبد عبدک
وهذا مقام العائذ بک المستجیر بک من النار فاعتقنی و
والدی واهلی وولدی واخوانی المؤمنین من النار یا
جواد یا کریم و در وقت رسیدن برکن یمانی سر را بلند نماید
بسوی کعبه و بگوید الحمد لله الذی شرفک وعظمک و
الحمد لله الذی بعث محمدا صلی الله علیه وآله نبیا وجعل
علیا اماما اللهم اهد له خیار خلقک وجنبه شرار خلقک
و چون در ما بین حجر الاسود و رکن یمانی رسد این دعا را بخواند
ربنا آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب
النار و بعد از بلوغ بحجر اسمعیل قبل از رسیدن بمحاذات
میزاب سر را بلند کند و نظر بمیزاب اندازد و بگوید اللهم
ادخلنی الجنة برحمتک من النار وعافنی من السقم واوسع
علی من الرزق الحلال وادرأ عنی شر فسقة الجن والانس
وشر فسقة العرب والعجم در وقت رسیدن پشت کعبه چون
تجاوز نمودن از حجر اسمعیل این دعا را بخواند یا ذا المن والطول

وَالطَّوْلِ وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ اِنْ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضَاعِفْهُ لِی وَتَقَبَّلْهُ
مِنِّی اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ و در نزد سجاد بخواند اللَّهُمَّ الْبَیْتُ
بَیْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهٰذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ
اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرَّوْحُ وَالْفَرَجُ و مستحب است که توقف نماید
بر دری صفا و مشغول شود بعبادة و بمناجات قاضی الحاجات
با تضرع و ابتهال و سنت است هفت مرتبه بگوید الله اکبر والحمد لله ولا
اله الّا الله هفت مرتبه بگوید بعد ازان سه مرتبه بگوید لا اله
الّا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و
هو حیّ لا یموت و هو علی کل شیء قدیر بعد ازان صلوات
بر پیغمبر و آل اطهار آنسرور بفرستند و سه مرتبه بگوید الله
اکبر علی ما هدینا والحمد لله علی ما اولانا والحمد لله الحی
القیوم والحمد لله الحی الدائم و باز سه مرتبه بگوید اشهد
ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله لا نعبد الا
ایاه مخلصین له الدین ولو کره المشرکون و همچنین سه
مرتبه بگوید اللهم آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة
وقنا عذاب النار بعد ازان نیز مستحب است هر یک از الله
اکبر و لا اله الا الله والحمد لله و سبحان الله را بکصد مرتبه
بکوید بعد ازان بکوید لا اله الا الله وحده وحده انجز

اللهم انی اسئلک العفو و العافیة و المعافاة فی الدنیا و الآخرة بعد ازان سه مرتبه بگوید ٣

وعده ونصر عبده وغلب الاحزاب وحده فله الملك وله
الحمد وحده اللهم بارك لي في الموت وفيما بعد الموت اللهم
اني اعوذ بك من ظلمة القبر ووحشته اللهم اظلني في ظل عرشك
يوم لا ظل الا ظلك ومستحب است كه بسيار بگويد رب استودعك
ديني ونفسي واهلي وبهر لسان كه خواهد خوبست بعد از آن
بگويد استودع الله الرحمن الرحيم الذي لا يضيع ودائعه نفسي
وديني واهلي اللهم استعملني على كتابك وسنة نبيك و
توفني على ملته واعذني من الفتنة ودر حديث وارد است كه
جناب امير المؤمنين بعد از بالا رفتن بصفا روی مبارك را بكعبه
فرمودند و دستها را بالا نمودند و اين دعا را خواندند اللهم اغفر لي
كل ذنب اذنبته قط فان عدت فعد علي بالمغفرة فانك
انت الغفور الرحيم اللهم افعل بي ما انت اهله ترحمني وان
تعذبني فانت غني عن عذابي وانا محتاج الى رحمته ارحمني
اللهم لا تفعل بي ما انا اهله فانك ان تفعل بي ما انا اهله
تعذبني ولن تظلمني اصبحت اتقي عدلك ولا اخاف جورك
فيا من هو عدل لا يجور ارحمني ودر حال هروله در شوط
اول يا جميع اشواط سنت است اين دعا را بخوانند بسم الله والله اكبر
وصلى الله على محمد واهل بيته اللهم اغفر وارحم وتجاوز عما

فانك ان تعذبني فبما انا اهله

عما تعلم وانت الاعز الاکرم و در شرط اول با جمیع اشراط
بعد از اینکه بگوید عطار بن درسید که منتهی الیه هروله است شوط
اول این دعا را بخواند در حال مشی یا ذا المن والفضل والکرم
والنعماء والجود اغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت
و سنت است درود فتن بعرفات این دعا را بخواند اللهم الیک
صمدت وایاک اعتمدت ووجهک اردت فاسئلک ان تبارک
لی فی رحلتی وان تقضی لی حاجتی وان تجعلنی الیوم ممن تباهی
به من هو افضل منی و مستحب است خواندن این دعا در زوال
عرفه اللهم رب المشاعر کلها فک رقبتی من النار واوسع
علی من الرزق الحلال وادرء عنی شر فسقة الجن والانس
اللهم لا تمکر بی ولا تخدعنی ولا تستدرجنی یا اسمع السامعین
ویا ابصر الناظرین ویا اسرع الحاسبین ویا ارحم الراحمین
اسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد وان تفعل بی کذا وکذا
ذکر حاجات خود نماید بعد از ان دستها را بسوی اسمان
بلند کند و بگوید با تضرع وابتهال اللهم حاجتی التی
ان اعطیتنیها لم یضرنی ما منعتنی وان منعتنیها لم ینفعنی
ما اعطیتنی اسئلک خلاص رقبتی من النار اللهم انی عبدک
والملک بیدک وناصیتی بیدک واجلی بعلمک اسئلک ان

توفقنی

تُوَفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِيَ الَّتِي أَرَيْتَهَا
إِبْرٰهِيمَ خَلِيلَكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَدَلَلْتَ عَلَيْهَا حَبِيبَكَ
مُحَمَّداً ص و از جمله دعاهائیکه در انوقت مناسب است که بخوانند اینست
اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَأَطَلْتَ عُمْرَهُ وَأَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ
حَيٰوةً طَيِّبَةً؛ و بهترین دعاها در انوقت دعای صحیفه کامله
که معنون بدعای یوم العرفه میباشد و مستحب است خواندن
این دعا در عرفات در وقت میل شمس بغروب بما ابن اللّٰهُمَّ
إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَتَشَتُّتِ الدَّهْرِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ وَأَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيراً
بِأَمَانِكَ وَأَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيراً بِعِزِّكَ وَأَمْسَى وَجْهِيَ الْفَانِي
مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ
أَعْطَى جَلِّلْنِي بِرَحْمَتِكَ وَأَلْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ
جَمِيعِ خَلْقِكَ و مستحب است که در مشعر این دعا را بخوانند اللّٰهُمَّ
رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ
الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ اللّٰهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ
مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْؤُولٍ وَلِكُلِّ وَافِدٍ
جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هٰذَا أَنْ تُقِيلَ عَثْرَتِي — موقفي خ
وَتَقْبَلَ مَعْذِرَتِي وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى — من الدنيا

مِنَ النِّسَاءِ ادی و این دعا را در حال مرور بوادی محسر مند
است اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَاَجِبْ دَعْوَتِي وَاخْلُفْنِي
فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي و مستحب است که در وقت اراده رمی
در وقتیکه سنگها در دست است بگوید اَللّٰهُمَّ هٰؤُلَاءِ حَصَيَاتِي
فَاَحْصِهِنَّ لِي وَارْفَعْهُنَّ فِي عَمَلِي و هر سنگی که میاندازد تکبیر
بگوید و بگوید اَللّٰهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اَللّٰهُمَّ تَصْدِيقًا
بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا
و بعد از رمی بعد از آنکه بمنزل آمد مستحب است این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ
بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ
النَّصِيرُ و مستحب است که در وقت ذبح نمودن این دعا را بخواند
وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ حَنِيفًا وَمَا
اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ اِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ
اَللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي و مستحب
است که بعد از عود بمکه بعد از فراغ از اعمال منی بعد از
اینکه بمسجد الحرام داخل شود این دعا را بخواند
اَللّٰهُمَّ اَعِنِّي عَلٰى نُسُكِكَ وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمْهُ لِي اَسْأَلُكَ

[illegible]

مراجعت از منی

مسألة

مسئلة القليل الذليل المعترف بذنبه ان تغفر لي ذنوبي
وان ترحم تحاجي اللهم ان لعبد عبدك و السائل سائلك
والبيت بيتك جئت اطلب رحمتك وادي طاعتك
لامرك راضيا بقدرك اسئل مسئلة المضطر اليك المطيع
لامرك المشفق من عذابك الخائف لعقوبتك ان تبلغني
عفوك وتجيرني من النار برحمتك يا ارحم الراحمين الحمد لله
اولا واخرا   فقد وقع الفراغ في يوم عشرة شهر ذي
الحجة الحرام في سنة ستين وثمانين بعد الالف ...
المذنب من الهجرة النبوية ١٢٩

... ١٣ جمادى الاول سنه ١٣١٢

اين نسخه شريفه را بعد از نوشتن نسخه ... ان ... مبارك
سيد العلماء وسند الفقهاء مؤسس اساس الشريعه ... منه
مرجع الانام حجة الاسلام آقاي ... سيد حسين دام ظله على
رؤس الانام رسيده بود كه بخط مبارك مرقوم و بمهر شريف مزين
فرموده بودند مقابله شد و گرفته مقابل خود حقير ابن الحاج
مؤمن الخراساني مولدا و النجفي مسكنا و
مدفنا ان شاء الله بوده باشد
صحيح است سنه ١٢٩١